کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۸۰۵، دورهٔ هشتم

سال بیست و سوم ۱۶ آذر ۱۳۸۷

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران

در دهمین نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان در برزیل

- **بیانیه سائوپالو: سوسیالیسم جایگزین مناسب شرایط کنونی است!**
- **پیام ریاست جمهوری برزیل به دهمین نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان**
- **قطعنامه نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان بر ضد امپریالیسم و در همبستگی با مردم ایران**

در صفحات ۹، ۱۰ و ۱۱

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی

درباره برگزاری نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، با حضور اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و شماری از مسئولان و کادرهای حزبی، برگزار شد. پلنوم(وسیع)کمیته مرکزی حزب کار خود را با یکدقیقه سکوت به احترام خاطره شهدای راه آزادی میهن آغاز کرد و سپس به بررسی گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی، در ارزیابی آخرین تحولات ایران و جهان پرداخت. گزارش هیئت سیاسی پس از بحث و تبادل نظر و پیشنهادات اصلاحی رفقای شرکت کننده با اکثریت آراء به تصویب نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب رسید. در پی تصویب گزارش سیاسی، نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب گزارش شعب مختلف کمیته مرکزی را بررسی و رهنمود های لازم را به شعب ابلاغ کرد.

پلنوم(وسیع)کمیته مرکزی، گزارش مفصلی را درباره تلاش های رژیم ولایت فقیه و دستگاه های امنیتی آن برای ضربه زدن به تشکیلات و وحدت حزب توده ایران، در دهه های اخیر، مورد بررسی قرار داد و در پی بحث و تبادل نظر شرکت کنندگان در نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب، سندی با عنوان "درباره وحدت حزب و دشواری های مبارزه و فعالیت حزب توده ایران پس از یورش رژیم ولایت فقیه" به اتفاق آراء به تصویب شرکت کنندگان در نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب مان رسید.

پلنوم(وسیع)کمیته مرکزی حزب مان در انتهای کار خود با انتخاب مجدد اعضای هیئت سیاسی، صدور قطعنامه ای درباره بیستمین سالگرد فاجعه ملی و همچنین تصویب پیام های گوناگونی به : مردم ایران؛ به کارگران و زحمتکشان؛ به زنان مبارز؛ به جوانان و دانشجویان؛ به زندانیان سیاسی و خانواده های جان باختگان راه آزادی؛ به نیروهای آزادی خواه، تحول طلب و هوادار دموکراسی؛ و به نویسندگان، مترجمان، شاعران، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران، با موفقیت به کار خود پایان داد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۸۷

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران به زنان مبارز و مترقی ایران ! *در ص ۲*

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران به جوانان و دانشجویان مبارز *در ص۳*

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان *در ص۷*

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی به نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان،روزنامه نگاران و خبرنگاران ایران *در ص*

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران *در ص۶*

پیام به همه نیروهای سیاسی آزادیخواه، تحول طلب و هوادار دموکراسی در ایران *در ص۲*

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران به زنان مبارز و مترقی ایران !

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای خود را به شما زنان دلیر و پیکارجوی ایران که در شرایط دشوار ادامه سیاست های سرکوبگرانه و زن ستیز ولایت فقیه مبارزه می کنید، نثار می کند. شما در شرایطی به پیکارتان ادامه می دهید که فشار و سرکوب بر ضد نیروهای مردمی، و از جمله جنبش زنان، در سال های اخیر اوج بی سابقه ای گرفته است. از احضارها و بازداشت ها و صدور احکام زندان وشلاق و ممنوع الخروج ساختن فعالان زن گرفته تا خشونت در خیابان ها تحت عنوان "طرح ارتقاء امنیت اجتماعی"، سانسور درعرصه های مختلف هنری و نوشتاری و ممنوع کردن دسترسی به پایگاه های اینترنتی زنان وغیره ... از جمله تلاش های مذبوحانه ای است که رژیم واپسگرای ولایت فقیه برای خاموش ساختن مبارزات حق طلبانه شما در پیش گرفته است.

زنان مترقی و آزادی خواه ایران !

شما با شرکت فعال در تحولات سیاسی کشور، در دهه های اخیر، ثابت کرده اید که نیروی تعیین کننده یی در مبارزه عمومی خلق بر ضد استبداد و تاریک اندیشی بوده و هستید. تلاش های ارزنده شما برای عمومی کردن خواسته های برابری خواهانه و حق طلبانه و بردن آگاهی جنسیتی به درون توده ها، از طریق شرکت در کارزارهای مختلف از قبیل "کمپین یک میلیون امضا" برای تغییر قوانین زن ستیز، کارزار برضد سنگسار، کارزار بر ضد اعدام نوجوانان، مبارزه بر ضد جداسازی جنسیتی، سهمیه بندی و بومی سازی دانشگاه ها برای دختران – که برای ممانعت از حضور توانمند شما در عرصه های علمی و اجتماعی و سیاسی طرح ریزی می شود– و افشای سیاست های زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه که یکی از نمونه های بارز آن مبارزه متحد و پیگیرانه شما بر ضد لایحه ارتجاعی "حمایت خانواده" همه در جهت مبارزه متحد توده ها بر ضد استبداد و تاریک اندیشی و برای آزادی، برابری و عدالت جنسی و طبقاتی در میهن ما است. از جمله دیگر عرصه های مهم مبارزات شما در سال گذشته تلاش های ارزنده فعالان جنبش زنان برای سازمان دهی کارزارهای ملی و بین المللی بر ضد جنگ و برای صلح است.

این تلاش ها و مبارزات برحق شما از مرزهای کشور فراتر رفته است و حمایت، همبستگی و تحسین افکارعمومی جهان را برانگیخته، که اهدای جوایز متعدد به فعالان زن از جایزه نوبل گرفته تا دیگر جوایز جهانی، گواه حقانیت راه تان در نبرد دشوار پیش روی است.

زنان پیکارجوی ایران!

شما با سازماندهی تشکل های صنفی و مستقل و با هوشیاری و گزینش شیوه های مختلف مبارزه، در بردن آگاهی به میان توده های محروم زنان و گسترش آن نقش بسزائی دارید. شما با مبارزه پیگیر و متحد خود به همه نشان دادید که حق گرفتنی است و عقب نشینی های هر چند محدود رژیم از جمله در پس گرفتن برخی از مواد ارتجاعی لایحه "حمایت خانواده"، توقف یا مسکوت گذاشتن قانون سنگسار و حق ارث بردن زنان از زمین، جز با مبارزه جمعی و پیگیر شما امکان پذیر نبود. مبارزه بی امان شما برای تغییر قوانین زن ستیز و بر ضد فقر و خشونت و برای صلح مورد حمایت همه نیروهای مترقی و مردمی میهن ما است. حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که جلب و جذب هرچه بیشتر زنان طبقات محروم و زحمتکش جامعه و تحکیم پیوند با جنبش کارگری و دانشجوئی، جنبش زنان رادر نبرد با ارتجاع حاکم و فشارهای فزاینده رژیم تقویت خواهد کرد.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی با اطمینان به پیروزی نهائی مبارزات حق طلبانه و برابرخواهانه شما، یکبار دیگر درودهای گرم خود را نثار شما زنان رزمنده و دلیر ایران کرده و پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزات برحق شما اعلام می دارد.

پلنوم (وسیع) کمتیه مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

پیام نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران ایران

حزب توده ایران بر این اعتقاد است که تحولات ژرف در روابط انسانی مردم ایران و رشد اجتماعی و فرهنگی میهن، همواره از بزرگراه روشنگری و تلاش روشنگران ممکن بوده و هست. نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران، که عسرت ها و تنگنا ها، ناکامی ها و کامیابی های زندگی روزمره و هستی اجتماعی، اخلاقی و روحی مردم را باز تابیده اند، و هر یک با شیوه خاص خود در رشد آگاهی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و فراورویی ذوق فردی مردم ما کوشیده اند، از پیشتازان این عرصه سرنوشت ساز بوده و هستند.

تاریخ ادب(شامل ترجمه) و هنر میهن ما– لااقل از دوران تحولاتی که منجر به فروپاشی نظام سنتی شد و آرزوی تا کنون تحقق نیافته نظمی دیگر و در مسیر عدالت خواهی و بهبود زندگی توده ها قوت گرفت – نشان دهنده تلاش پیگیر نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران در مسیر عدالت خواهی و دمکراسی است. اغراق آمیز نیست اگر بگوئیم که آنها معماران روح و معنویت مردم ما و شاید بشریت بوده و هستند.

تلاش تحسین برانگیز، که همواره با احضارها و بازجوئی ها، زندان ها، شکنجه ها و اعدام ها، وکم ترینش خانه نشینی و فقر و نیازمندی خود و خانواده هایشان همراه بوده و هست، بی تردید نقش تأثیر گذاری و اساسی یی در رشد و آگاهی توده ها داشته و دارد. جامعه ما از رهگذر کوشش بی وقفه آنان، که با کاهش تن و رنجش جان همراه بوده و هست، توانسته است به آن استقلال فکری و معنوی یی برسد که بتواند با جهل و خرافه و عوام فریبی و انواع و اقسام ترفند های تبلیغاتی – رسانه ای گسترده ، در سطح میهن و جهان، به قصد هموار کردن راه غارت منابع ملی و استثمار هرچه بیشتر زحمتکشان و تصویب قوانین در جهت تحکیم مبانی ضد مردمی رژیم های خودکامه و ولایت فقیهی رو در رو شود و مسیر راستین منافع حال و آینده خود را بیابد. به گمان حزب توده ایران ، فعالان عرصه های گوناگون فرهنگی و نویسندگی و روزنامه نگاری بر رغم تحمل انگ هایی همچون : عامل بیگانه، جاسوس، اقدام کننده علیه امنیت کشور، با وجود تحمل خوره سانسور، ممنوعیت نشر آفرینش های ادبی و هنری، با همه توقیف های فله ای نشریات – حتی در سطح نشریات صنفی ، دانشجوی، و محلی – توانسته اند وظیفه روشنگری خود را در کشوری با حکومتی عوام فریب و ضد مردمی– بر رغم ژست هایی چون هدیه دادن به برخی مطبوعاتی ها – و وزیر ارشادی واپس مانده که از "رواج ویروس (!!) اندیشه در میان روزنامه نگاران "وحشت زده و هراسان است، تا جایی که ممکن است انجام دهند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن ابراز دین خود در بهره گیری از مجموعه اطلاع رسانی ها و روشنگری های نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، و به ویژه روزنامه نگاران و خبرنگاران میهن، با وجود خط قرمز ها و فشارهای دد منشانه حاکمان رژیم ولایت فقیه بر آنان ، حمایت خود را از مبارزه دلیرانه و روشنگرانه آنان در گستره میهن، و تلاششان در ایجاد تشکل صنفی مستقل اعلام می دارد، ودرود های پرشور خود را نثار آنان می کند.

پلنوم (وسیع) کمتیه مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به جوانان و دانشجویان مبارز

همزمان با ۱۶ آذر روز دانشجو، روز طنین افکن شدن شعار تاریخی "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، در دانشگاه های ایران، پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای آتشین خود را به شما فرزندان دلاور توده های محروم جامعه، شما آینده سازان و مبارزان پرشور راه عدالت اجتماعی، صلح و آزادی نثار می کند.

جنبش دانشجویی همواره درطول حیات خود در صف مقدم مبارزه بر ضد امپریالیسم، ارتجاع و استبداد قرار داشته و دراین راه کارنامه ای درخشان، که با خون مبارزان جوان رنگین شده، از خود باقی گذارده است.

نام گذاری ۱۶ آذر به نام روز دانشجو و طنین شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" گواه روشن بر پیوند و ارتباط سرشتی و ناگسستنی جنبش دانشجویی با مبارزات سراسری و نقش تاثیر گذار و غیر قابل انکار آن در مجموعه تحولات چند دهه اخیر میهن ما است.

استبداد و ارتجاع حاکم با علم به این نقش جدی و موثر است که در سال های اخیر انواع توطئه ها را برضد جوانان مبارز و جنبش دانشجویی طراحی و پیاده کرده اند. درطول ۲ سال اخیر ارتجاع حاکم با اعمال فشارهای سیستماتیک و با استفاده از روش های گوناگون از جمله احضار به کمیته های انظباطی، محرومیت از ادامه تحصیل فعالان دانشجویی، نصب دوربین های مدار بسته در دانشگاه ها، نصب دروازه های امنیتی در ورودی اصلی دانشگاه تهران، اخراج و تعلیق ترم های تحصیلی، جدا سازی جنسیتی، سهمیه بندی قومی در آزمون سراسری، دستگیری و محاکمه و زندان و شکنجه و ایجاد تفرقه درصفوف جنبش دانشجویی، سعی کرده اند این جنبش موثر اجتماعی را با دشواری های روز افزونی مواجه ساخته و سرانجام به زعم خود نابود سازد.

رژیم ولایت فقیه که تاثیر جدی جنبش دانشجویی را در حوادث اخیر کشور به ویژه رخداد بزرگ دوم خرداد و شکست نماینده ارتجاع را تجربه کرده، با روی کار آوردن دولت ضد ملی احمدی نژاد و اتخاذ سیاست هایی کوشیده و می کوشد جنبش دانشجویی را به انزوا کشانده و پیوند آن را با دیگر گردان های اجتماعی نظیر جنبش کارگری و زنان تضعیف و از میزان تاثیر گذاری آن درجامعه و مبارزات ضد استبدادی کنونی بکاهد.

جوانان و دانشجویان!

در اوضاع کنونی و با توجه به صحنه بغرنج سیاسی کشور و یورش های هدفمند ارتجاع حاکم به جنبش دانشجویی، حفظ هوشیاری و گریز از دام ها و توطئه واپس گرایان یک ضرورت اساسی و غیر قابل چشم پوشی به شمار می آید. رژیم واپس مانده ولایت فقیه می کوشد توان و نیروی جنبش دانشجویی را به تحلیل برده و مانع حضور فعال آن درتحولات کشور گردد از این رو حفظ هوشیاری، تقویت روحیه رزمندگی و ایستادگی متناسب با توان و ظرفیت جنبش دانشجویی و تحکیم پیوند آن با مبارزات سراسری و پرهیز از تفرقه و پراکندگی از زمره اولویت های اصلی در لحظه دشوار کنونی محسوب می شوند.

اوضاع کنونی وظایف خطیری را بردوش جوانان ودانشجویان قرار داده است. جنبش دانشجویی درمبارزه سرنوشت ساز برضد ارتجاع واستبداد یک نیروی موثر و کارآمد اجتماعی است که ضمن تقویت صفوف خود می باید دوشادوش جنبش مردمی و به همراه آن تمام نیرو و امکانات خود را برضد استبداد و ارتجاع تجهیز و سازماندهی نماید.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با حمایت از جنبش دانشجویی کشور، اعتماد عمیق حزب توده ایران بر این امر را که جوانان و جنبش دانشجویی از گردان های موثر جنبش مردمی واز اجزای جدایی ناپذیر جبهه واحد ضد دیکتاتوری است، مورد تاکید قرار می دهد و به مبارزه قهرمانانه و دلاورانه جوانان و دانشجویان به دیده تحسین نگریسته و به آن درود می فرستد!

درود آتشین به جنبش دانشجویی ایران!
افتخار جاوید به جان باختگان جنبش دانشجویی!
مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات کارگران و زنان مبارز!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

ادامه زمینه های تاریخی ...

کوهی از قرضه های بدون اعتبارات واقعی نبود. زمان پرداخت حداقلی قسط وام های مسکن (Sub-Prime Mortgage) سر می آید و صاحبخانه های مفلس که بدون در نظر گرفتن توانائی مالی و شغلی شان تشویق به وام مسکن گرفتن شده بودند یکی پس از دیگری در ابعاد میلیونی مجبور به تخلیه می شوند و نخستین تنش های بحران از بازار مسکن به بازار مالی و از بازار مالی به کل اقتصاد کشیده می شود. "اوراق قرضهٔ تضمینی مبادله ای اعتبارات" که آنهم یکی از محصولات قانون زدایی دهه های گذشته بود، بعنوان سپر (Hedge) حفاظی سرمایه گزاران در مقابل خطر احتمالی غیر قابل وصول شدن قرضه های خریداری شده وارد بازار مالی شد. اگر چه این اوراق مبادله مالی تهاتری (Swaps) در اصل نوعی بیمه مالی بودند ولی از آنجا که این اوراق خود تبدیل به اوراق بهادار شده و در معرض خرید و فروش قرار گرفتند، هدف اصلی این فرآوردهٔ مالی جدید نیز الزاما" در بازار مبادلات مشتقات مالی مدفون شد. بدین معنا که اوراقی که با هدف بیمه کردن اوراق بهادار دیگری صادر و فروخته شده بودند، خود تبدیل به اوراق بهادار با ریسک بسیار بالائی گردیده، بازاری به ارزش پنجاه تریلیون بوجود آورد. یک چنین بازاری با چنین ابعاد ارزش مبادله ای از محصولات قانون زدائی بازار مالی امریکا است. بنابراین جای تعجبی باقی نمی گذارد که این فرآورده ی نو پس از سه دهه پول سازی از پول برای بنگاه های مالی، خود عامل سقوط آنها نگردد. از جمله این بنگاهها بیر استرن (Bear Stearns) است که حتی با حمایت مالی بانک مرکزی هم نتوانست به حیات خود ادامه دهد و مجبور شد که تمام سهام خود را که تا یکسال پیش هر یک به قیمت ۱۳۳.۲۰ دلار در بازار سهام خرید و فروش می شد به کمپانی رقیب، جی پی مورگان، هر سهم را فقط به ده دلار بفروشد.

علت های بحران اخیر میتواند گوناگون باشد و همراه با اختلاف نظرهای مهُم، ولی علت اصلی آن روشن است و قطعی: سه دهه قانون زدائی. این نتیجه گیری بیشتر معنا پیدا می کند وقتی که در نیویورک تایمز می خوانیم که ریچارد گریفن (Richard Griffin) بنیان گذار صندوق خصوصی ۲۰ میلیاردی گروه سرمایه گزاران سیتدل (Citadel Investment Group) می نویسد که: "باز سازی وال استریت بدون پرداختن به قانون سازی بازار مالی امکان پذیر نیست."

اگر علت نهائی این بحران ریشه در قانون زدائی دارد راه برون رفت از آنهم لاجرم در قانون گرائی بازار مالی بخصوص بازار اعتبارات خواهد بود. تزریق پول به بازار چه از طریق چاپ اسکناس و چه از طریق باز خرید اوراق بها دار از بها افتادهٔ شرکتهای تحت فشار مالی، تنها اقدامات اولیه برای باز کردن بازار راکد اعتبارات است. اگر این اقدامات در همین حد باقی بماند انگل زاینده بیماری در درون سیستم مالی نیز باقی خواهد ماند. شکی نیست که این انگل مجددا" در آینده ای نه چندان دور بحرانی به مراتب شدیدتری را بوجود خواهد آورد.

سردار پاسدار یا نوکیسه ای با ثروت باد آورده!

***نمایندگان حامی دولت احمدی نژاد در مجلس هشتم: "چرا برخی از نمایندگان به این نکته توجه نمی کنند که درزمان اجرای اصل ۴۴و خصوصی سازی هستیم و نباید کسی (صادق محصولی) را به خاطر سرمایه دار بودن مورد اتهام قرار داد."**

(به نقل از روزنامه اعتماد ۲۲ آبان ۱۳۸۷)

پس از استیضاح علی کردان، محمود احمدی نژاد، رییس دولت نهم، در اقدامی کاملا حساب شده و هدفمند، صادق محصولی، مشاور ارشد خود، را برای تصدی وزارت کشور تعیین کرد. احمدی نژاد با معرفی محصولی که از او به عنوان "سردار میلیاردر" و "پاسدار رانت خوار" نام برده می شود، تلاش دارد با یک مانور سیاسی در میان جناح های طیف ارتجاع حاکم موقعیت لطمه دیده خود را ترمیم کرده و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم تسلط خود بر وزارت کشور را به عنوان یکی از وزارتخانه های کلیدی و تاثیرگذار از دست ندهد. اما در این میان و درگرماگرم رویارویی جناح های مختلف طیف ارتجاع حاکم، معرفی صادق محصولی با توجه به اینکه یک بار نیز برای تصدی وزارت نفت آماده شده بود اما با مخالفت نمایندگان مجلس هفتم منصرف گردید. پرسش های جدی مطرح می گردد. پاسدار صادق محصولی یکی از میلیاردرهای کنونی جمهوری اسلامی و یا بهتر گفته باشیم نوکیسه ها و تازه به دوران رسیده های رژیم ولایت فقیه است که ثروت و قدرت خود را از راه رانت خواری، و چپاول و حیف و میل ثروت عمومی به چنگ آورده اند.

سابقه و پیشینه این پاسدار، به خودی خود بیانگر شکل گیری و پیدایش آن لایه های انگلی طبقه سرمایه دار ایران است که اکنون توسط دولت احمدی نژاد حمایت می شوند و از سویی به مراکز نظامی به ویژه سپاه پاسداران مرتبط هستند و از دیگر سو پیوندهای مستحکمی با سرمایه بزرگ تجاری و سرمایه

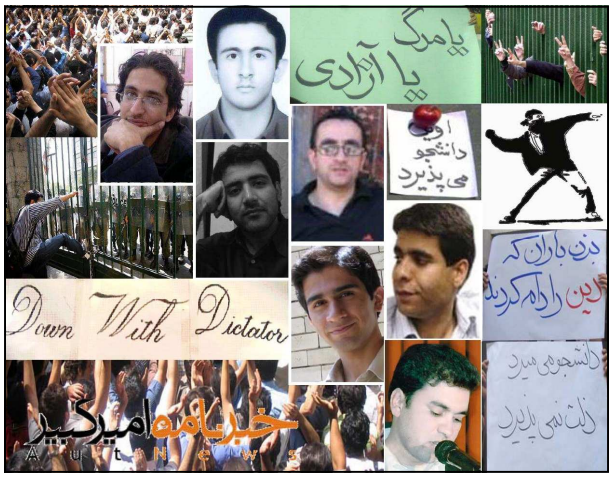

آزادی برای همه دانشجویان در بند!

بوروکراتیک نوین ایران دارند. صادق محصولی فعالیت خود را از جهاد سازندگی آغاز کرد و سپس روانه سپاه پاسداران شد. درمقام یک پاسدار بلافاصله به فرمانداری شهرستان ارومیه گمارده شد و دراندک زمانی به سمت معاون استانداری آذربایجان غربی تعیین شد و در حوادث ابتدای انقلاب، در مناطق کردستان، همراه با عناصری چون ملاحسنی و قالیباف نقش اصلی را در خون ریزی و برادرکشی برعهده داشت و به همین علت به فرماندهی سپاه پاسداران منطقه ۵ یعنی آذربایجان شرقی و غربی منصوب گردید و پس از آن با طی مدارج، مسئول تحقیق و بازرسی کل سپاه پاسداران، فرمانده لشگر ویژه سپاه (لشکر ۶)، معاون طرح و برنامه ریزی وزارت دفاع و مجری پروژه های مختلف عمرانی و صنعتی درقرارگاه خاتم الانبیاء سپاه و پس از آن دبیر شورای مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام ومشاور رییس جمهور بوده است و درعین حال با حمایت ارگان های حکومتی درخرید و فروش زمین، برج سازی، دلالی فروش نفت، حضور در اسکله های غیر مجاز و وارد کردن کالاهای خارجی بسیار فعال بوده و هست. وی به تصریح مطبوعات داخل کشور از جمله آن تعداد معدودی از وابستگان رژیم است که نام آنها در لیست وام گیرندگان کلان مطرح شده و تاکنون بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان وام از سیستم بانکی دریافت کرده است. روزنامه اعتماد ۲۲ آبان ماه درگزارشی با عنوان "وزیر پیشنهادی کشور در مورد پرونده های مالی اش توضیح داد، روز سخت محصولی در مجلس" از جمله نوشت: "درحالی که برخی نمایندگان "رایحه خوش" خدمت (حامیان احمدی نژاد درمجلس هشتم) دریک هفته اخیر با گفتگوهای چهره به چهره خود با نمایندگان سعی داشتند اعضای کمیته بررسی پرونده های مالی محصولی را متقاعد کنند که به این حواشی پایان دهند اما گویا با بی نتیجه ماندن این تلاش ها، محصولی خود ترجیح داد به کمیسیون امنیت ملی مجلس برود و در مورد آنچه سه پرونده اصلی (توجه کنید سه پرونده اصلی) مالی وی از سوی نمایندگان خوانده می شود، توضیح دهد."

خبرنگار روزنامه اعتماد این سه پرونده اصلی درمیان ده ها پرونده حیف و میل و چپاول ثروت ملی را اینگونه نام می برد: "پرونده مزایده قرارداد سوآپ نفت درزمان حضور محصولی در استانداری آذربایجان غربی، پرونده خرید زمین برای سپاه که درقوه قضاییه وجود دارد و وجود نام محصولی درلیست وام گیرندگان کلان با حداقل ۴۰۰ میلیارد تومان وام."

درارتباط با پرونده چگونگی مزایده قرارداد سوآپ نفت با دولت باکو، درمنطقه نخجوان، روزنامه "اعتماد"، ۲۲ آبان ماه، از قول نمایندگان مجلس هشتم نوشت: "برخی از نمایندگان عنوان می کنند بخش وسیعی از ثروت آقای محصولی از طریق مزایده قرارداد سوآپ یعنی قرارداد فروش نفت به نخجوان به دست آمده است و آقای محصولی با اتکا با رانت دولتی دراین مزایده برنده شده بود."

درعین حال برخی از نمایندگان وابسته به جناح موسوم به تحول خواه ارتجاع حاکم خواستار ارایه گزارش رسمی بانک مرکزی و یا گزارش رییس کل بانک مرکزی درخصوص اسامی وام گیرندگان کلان و صحت و سقم وام حداقل ۴۰۰ میلیارد تومانی صادق محصولی هستند. ولی درمقابل هیات رییسه مجلس و هواداران دولت احمدی نژاد اعلام کرده اند. بهتر است مجلس وارد چالش جدید با دولت نشود.

دقیقا درراستای چنین مواضعی نمایندگان "رایحه خوش" خدمت و حامیان احمدی نژاد درمجلس هشتم خطاب به برخی مخالفان با صراحت خاطر نشان می ساختند: "چرا برخی از نمایندگان به این نکته توجهی نمی کنند که درزمان اجرای اصل ۴۴ وخصوصی سازی هستیم ونباید کسی را به خاطر سرمایه دار بودن مورد اتهام قرار داد."

گزینش پاسدار رانت خوار و یا سردار میلیاردر دردولت مدعی عدالت محوری، به نوبه خود ماهیت سیاه و ضد مردمی دولت احمدی نژاد را نشان داده و نقاب از چهره نیرنگ باز آن در برابر افکار عمومی و توده های محروم جامعه، برداشته و عوام فریبی آن را افشاء می سازد!

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

دلالان و واسطه ها درخدمت شرکت های خارجی

نقش مخرب سرمایه بزرگ تجاری دراقتصاد کشور و یکه تازی تجار عمده و دلالان و واسطه ها که نبض اقتصادی و مالی را در دست دارند، پیامدهای ناگوار جدی به دنبال داشته و دارد. نابودی بنیه تولیدی در دو عرصه پراهمیت صنعت و کشاورزی و ژرفش وابستگی کشور به امپریالیسم از زمره این پیامدها است. در بخش کشاورزی در چند سال اخیر با تقویت نقش بزرگ زمین داران و فعالیت پر تب و تاب دلالان و واسطه ها بسیاری از تولیدات کشاورزی که در بازارهای جهانی نیز مقام و جایگاهی داشتند، سیر نزولی طی کرده و محصول ایرانی به دلیل سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه و سودجویی مشتی دلال بزرگ مغلوب محصولات مشابه خارجی شده است. یکی از آخرین نمونه ها، ماجرای افزایش قیمت زعفران است که درمطبوعات داخلی از آن به عنوان "ماجراهای پشت پرده افزایش قیمت زعفران" نام برده می شود. از اوایل پاییز امسال ناگهان قیمت زعفران ایران افزایش چشمگیر و جهشی پیدا کرد به شکلی که رییس هیات مدیره صندوق توسعه صادرات زعفران ایران اعلام داشت: "قیمت هر کیلو زعفران از ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان به بیش از ۳ میلیون طی چند روز رسیده است و این وضعیت غیر عادی بازارهای صادراتی زعفران ایران را تهدید می کند."

ماجرا از این قراراست که چند دلال عمده بازار زعفران با افزایش قیمت این محصول، در صدد هستند بازار داخلی را با بحران مواجه سازند و با جلوگیری از فعالیت واحدهای بسته بندی زعفران درداخل کشور، که قادر نیستند زعفران به قیمت بیش از ۳ میلیون تومان را خریداری کرده و سپس به دست مشتریان داخلی و خارجی برسانند، محصول فوق را بصورت فله ای به اسپانیا و اروپا و آمریکا (صادرات به آمریکا از طریق دوبی صورت می گیرد) بدون اشاره به ایرانی بودن آن صادر کنند.

در این باره روزنامه کارگزاران ۱۳ آبان ماه نوشت: "بازی جدید واسطه ها زعفران را با بیش از ۳۵ درصد افزایش قیمت به بالاتر از ۳ میلیون تومان درهر کیلو رساند. بسیاری از صادر کنندگان براین باورند که گرانی کاذب زعفران دربازار داخلی، برای فروش ارزان آن به شرکت های خارجی به صورت فله ای است."

در همین خصوص رییس هیات مدیره صندوق توسعه صادرات زعفران ایران به خبرگزاری مهر ۱۲ آبان ماه گفت: "کشاورزان ناراضی هستند واز تولید خود سود نمی برند، امسال تولید زعفران ۳۰ درصد کاهش یافته و درحدود ۱۰۰ تن است. متاسفانه حضور واسطه ها و دلالان دربازار زعفران ایران و فروش خام و فله ای آن از سوی گروهی از تجار و دلالان به اسپانیا و امارات متحده، لطمات جدی به بازارهای صادراتی ایران وارد می کند و در این شرایط کشاورزان فقیرتر و تولید کنندگان به شدت نگران تعطیلی واحدهای بسته بندی و افزایش تقلب به خصوص دراین بازارها هستند."

وی سپس متذکر گردید: "واسطه ها با گرانی در بازار داخلی، محصول زعفران ایران را ارزان تر از قیمت جهانی به اسپانیا و امارات متحده عربی به صورت فله ای می فروشند و اسپانیا این محصول را با بسته بندی خود و به نام اسپانیا به بازار جهانی عرضه می کند و سالیانه سودهای میلیون دلاری کسب می کند."

ماجرای اخیر گرانی کاذب محصول زعفران بار دیگر نقش مخرب دلالان و دولت حامی آنها را هویدا می سازد. اقتصاد غیر مولد و انگلی و حضور پررنگ و بسیار عمیق تجار عمده و دلالان بزرگ در اقتصاد کشور، خطری نیست که بتوان برآن چشم بست!

شبکه توزیع کشور درچنگال سرمایه بزرگ تجاری است

گرانی کمر شکن کالاها و خدمات عمومی نارضایتی گسترده اجتماعی را سبب گردیده و به این علت دولت احمدی نژاد و نیز مجلس هشتم می کوشند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و مسئله را به عوامل خارجی، تورم جهانی و جز اینها نسبت دهند. به علاوه در هفته های اخیر و با هدف فریب مردم جان به لب رسیده از گرانی و تورم افسار گسیخته، طرح های متعددی برای سامان دهی قیمت ها و تنظیم شبکه های توزیع در سراسر کشور در روزنامه ها و پایگاه های خبری انتشار می یابد. بطور مثال معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی از تدوین طرح ساماندهی شبکه پخش و توزیع در اواسط فصل پاییز خبر داده است. در این خصوص ایران اکونومیست اواسط مهرماه امسال درگزارشی خاطر نشان ساخت: "اجرای آزمایشی طرح ساماندهی شبکه های بخش (توزیع)، معاون وزارت بازرگانی از اجرای طرح آزمایشی ساماندهی شبکه پخش (توزیع) از اول آبان ماه سال جاری خبرداد، مفتح در خصوص اقدامات صورت گرفته برای رتبه بندی اصناف گفت، ۷۰ درصد اصناف کشور، کارت (کارت ویژه اصناف) گرفته اند و تا پایان سال جاری تمام صنوف کارت دریافت می کنند. براساس اقدامات صورت گرفته و جلسات برگزار شده، ساماندهی شبکه پخش (توزیع) بصورت پایلوت از اول آبان ماه درتهران سه شرکت پخش (توزیع) شناسنامه دار آغاز به کار می کنند. مردم و اصناف از برگزاری نمایشگاه عرضه مستقیم کالا در ماه رمضان بسیار راضی بودند. در۷۰ درصد استان ها به دلیل استقبال مردم نمایشگاه ها تمدید شد و این نمایشگاه ها توانست تاثیر بسیار مثبتی درکنترل قیمت ها و تنظیم بازار در ماه رمضان داشته باشد چرا که اگر این نمایشگاه ها برگزار نمی شد، شاهد افزایش قیمت شدید کالاها بودیم."

برخلاف اینگونه تبلیغات روند افزایش قیمت ها به ویژه قیمت مواد غذایی درطول ماه رمضان ادامه داشت. اصولا با وضعیت کنونی و بدون تدوین برنامه ای جامع نمی توان شبکه توزیع کشور را که در چنگال سرمایه بزرگ تجاری قرار دارد، سامان داد و به مبارزه با گرانی و احتکار برخاست.

سرمایه بزرگ تجاری ایران از راه شبکه وسیعی از عمده فروشان و دلالان و واسطه ها وبنیادهای انگلی که به دور خود گرد آورده، از نظر نفوذ درقشر عظیم بیش از ۱۵۰ هزار واحد صنفی که از جهت توزیع کالا بدان وابسته هستند، کنترل بازار و تنظیم قیمت ها را به سود خود و به زیان مردم دردست دارد. شورای اصناف انجمن های اسلامی بازار، کمیته امداد خمینی و بنیادهای انگلی اهرم های سرمایه بزرگ تجاری برای تسلط بر شاهرگ توزیع کشور است.

اهرم های پولی، گرانی، احتکار، سودجویی همه به قدرت این بخش سرمایه داری ایران برای تسلط بیشتر بر حیات سیاسی-اقتصادی یاری می رساند. درسال های اخیر نیز دولت احمدی نژاد با واردات گسترده و سیل آسا از خارج برتوان سرمایه بزرگ تجاری و سلطه آن بر شبکه توزیع سراسر کشور بسی افزوده است.

تدوین یک برنامه ملی و مبتنی بر تقویت تولید داخلی، ملی کردن بازرگانی خارجی بصورت واقعی و نه درحرف وایجاد بخش دولتی و تعاونی درتوزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه بزرگ تجاری، دلالان و محتکران و تجار عمده است. با شعار و عوام فریبی نمی توان شبکه توزیع کشور را بازسازی، سالم سازی و در خدمت منافع اکثریت جامعه قرارداد!

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

مردم هشیار ایران!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای صمیمانه خود را به شما مردم شرافتمند و زحمتکش ایران تقدیم می دارد.

نشست وسیع کمیته مرکزی در شرایط دشوار و بحرانی حاکم بر میهن برگزار شد. تبعات سیاست های ضد مردمی، ضد ملی و غارتگرانه رژیم ولایت فقیه مردم زحمتکش کشور را با یکی از دشوار ترین شرایط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی دوران معاصر رو به رو ساخته است.

میلیون ها ایرانی در معرض فشارهای کمر شکن اقتصادی از تامین اساسی ترین امکانات زندگی محرومند. ستم مضاعف ناشی از سیاست های ارتجاعی نسبت به اقلیت های ملی، شرایط جهنمی برای این بخش از مردم میهن ما ایجاد کرده است. سیاست ضد فرهنگی، عقب ماندگی سیستم آموزشی کشور، عدم دسترسی گروه کثیری از هم وطنان ما به ابتدائی ترین امکانات بهداشتی، افزایش بی سابقه بیکاری، تورم، گرانی، گسترش فساد در دستگاه های دولتی، و به طور کلی وضع نامناسب اقتصادی ناشی از سیاست تخریب توان اقتصادی- انسانی میهن توسط رژیم، زندگی را برای میلیون ها انسان در کشور ما غیرقابل تحمل کرده است.

نزدیک به چهار سال پیش ، احمدی نژاد ، نامزد منتخب ارتجاعی ترین جناح رژیم "ولایت فقیه"، در جریان انتخاباتی پر تقلب و با پشتیبانی نیروهای سپاه، و در شرایط سیاسی دشوار حاکم بر جامعه پس از ۸ سال حاکمیت نیروهای اصلاح طلب، بر مسند قدرت نشست. احمدی نژاد که با شعارهای عوام فریبانه ی "پول نفت بر سر سفره مردم" ، " رسیدگی به وضع محرومان " و " کاهش فاصله نجومی بین فقر و ثروت" ، کارزار انتخاباتی خود را برگزار کرد، در عمل با اتخاذ سیاست های مخرب و ارتجاعی خود ، فقر فزاینده، نابسامانی اجتماعی، عدم ثبات و اختناق را بر کشور حاکم کرده است.

در شرایطی که در آمد های نفتی در سال های اخیر نزدیک به رکورد بی سابقه بیش از ۹۰ میلیارد دلار بوده است، بر اساس آمار منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی و وزارت اقتصاد و دارایی در سال ۱۳۸۶، بیش از ۳۵ درصد مردم میهن مان در زیر خط فقر زندگی می کنند. بر اساس آمار سازمان ملل، نرخ رشد فقر در ایران ۱۸ درصد است و این به مفهوم کشیده شدن فزاینده تعداد کثیر دیگری از هم میهنان مان به چنگال فقر و محرومیت است. در ایران امروزه بیش از ۱۵ میلیون نفر قادر نیستند حداقل مایحتاج زندگی خود را تامین کنند.

سیاست های فاجعه بار دولت احمدی نژاد، سبب رشد بیکاری، گرانی فزاینده، به تعطیلی کشیده شدن واحد های تولیدی و تورم لجام گسیخته در کشور شده است، که به نوبه خود افزایش فاجعه بار ناهنجاری های اجتماعی چون بزهکاری، اعتیاد و فحشا را به همراه داشته است.

در کنار این تبعات طبیعی سیاست های اقتصادی- اجتماعی رژیم ارتجاعی حاکم، یورش بی رحمانه و خشن نیروهای سرکوب گر رژیم به فعالان سندیکایی و کارگری، جنبش زنان، فعالان دانشجویی، "غیر قانونی " اعلام کردن فله ای روزنامه ها و نشریات کشور و تهدید و ارعاب فعالان سیاسی و اجتماعی ، جو اختناق را در کشور به حداکثر رسانده است.

در عرصه بین المللی نیز دولت احمدی نژاد، تحت نظارت و با حمایت کامل ولی فقیه، با اتخاذ سیاست های جنجال برانگیز، کشور را در بحران بین المللی بسیار عمیق قرار داده است.

دولت احمدی نژاد به جای اتخاذ سیاست های استوار بر گفت و گو ها و تبادل نظرهای بین المللی برای دفاع از حقوق طبیعی میهن که در مقاوله نامه های بین المللی به رسمیت شناخته شده است، و حل مسایل از طریق جلب حمایت های بین المللی و بر مبنای رفع تشنج، سیاست های مبتنی بر تهدید های نظامی و سیاسی را در پیش گرفته است. این امر با توجه به حضور صدها هزار نیروی نظامی آمریکا در عراق و نیروی نظامی ناتو در افغانستان و حضور ناوگان های آمریکایی در خلیج فارس، تنها می تواند منافع ملی میهن مان را به خطر بیاندازد.

هم میهنان مبارز!

بحران مالی- اقتصادی حاکم و بن بست سیاسی کشور، رشد فقر و بیکاری و تحدید آزادی های اجتماعی و سیاسی، نتیجه مستقیم سیاست های دیکته شده از سوی ولی فقیه رژیم است که بر اساس آن قدرت تصمیم گیری های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی در کف ارتجاعی ترین لایه های اجتماعی و نمایندگان سرمایه داری تجاری و نیروهای سرکوبگر و وابستگان آن ها قرار گرفته است. این حقیقت که در سال های اخیر سپاه پاسداران و فرماندهان آن نقشی جدی تر و روز افزون در اداره کشور به دست گرفته اند و تصویب اصلاحیه مبنی بر حق نامزد شدن فرماندهان نظامی در انتخابات ریاست جمهوری در مجلس، را باید نشانه هایی جدی از قدرت گیری بی سابقه جناحی از بورژوازی بوروکراتیک- نظامی نوخاسته دانست که حاضر است برای ماندن در قدرت به هر ماجراجویی دست بیازد. در ایران امروز گروهی سکان هدایت کشور را در شرایط به غایت پیچیده و حساس به دست گرفته اند، که تنها هم و غم خود را متوجه حفاظت از حاکمیت ارتجاعیون حاکم، "اسلامی کردن" همه عرصه های حیات اجتماعی کرده اند.

هم میهنان گرامی!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران معتقد است که تنها راه دگرگون کردن این شرایط دشوار و غیر انسانی، جایگزینی رژیم "ولایت فقیه" با یک حکومت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای آزادیخواه است. ما معتقدیم که می توان با تشدید و گسترش مبارزه اجتماعی و سیاسی، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. کم نیستند نیروهایی در درون جامعه ما و حتی پیرامون حاکمیت کنونی، که خواهان دگرگونی شرایط موجود اند.

برای نجات میهن از خطرهای داخلی و خارجی ای که آن را تهدید می کنند، اتحاد عمل تمامی نیروهای مترقی ، تحول طلب و ضد استبدادی کشور ضروری است . باید از اشتباهات گذشته درس گرفت و با توافق برسر شعار های واحد مبارزاتی، راه را برای شکست دولت احمدی نژاد و سیاست های رژیم "ولایت فقیه" باز کرده و مسیر تحولات مثبت به سود جنبش مردمی کشورمان را هموار کرد.

حزب ما طی نزدیک به هفت دهه حیات خود، همواره در کنار مردم برای منافع زحمتکشان و منافع میهن ما رزمیده است. توده ای ها هیچ گاه در دشوارترین شرایط از مبارزه در راه دفاع از آزادی و رفاه مردم ایران دست نکشیده اند. ما با اتکاء به خوشبینی تاریخی و تجربیات گرانبهای سال های اخیر، معتقدیم که دوران این حکومت استبدادی نیز به سر خواهد آمد و مردم میهن خواهند توانست ایران آزاد، آباد و پیشرفته فردا را با دست های توانمند خود بنا کنند.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران بر ضد رژیم استبدادی حاکم!

با هم، در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، صلح، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذر ماه ۱۳۸۷

پیام پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان

پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران، درودهای گرم و پرشور خود را به شما کارگران و زحمتکشان که بار اصلی معضلات اقتصادی –اجتماعی را بردوش می کشید و با وجود همه دشواری های متعدد به مبارزه درراه تامین عدالت اجتماعی، آزادی و نفی و طرد استبداد و ارتجاع ادامه می دهید، تقدیم می کند.

طی سال های اخیر، هیچگاه وضعیت کار و زندگی کارگران و زحمتکشان تا به این درجه وخیم نبوده است، از یک سو گرانی و تورم فزاینده قدرت خرید وسطح زندگی میلیون ها زحمتکش را کاهش داده و از سوی دیگر اخراج های گسترده به اشکال مختلف امنیت شغلی میلیون ها مزد بگیر را نابود ساخته است.

رواج قرار دادهای موقت، خروج کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار، خصوصی سازی افسار گیسخته و دستمزدهای پایین تر از نرخ واقعی تورم و موانع متعدد درراه احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل، چنان اوضاعی را پدید آورده که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای رهایی از آن راهی جز مقاومت و مبارزه ندارند. دولت کارگر ستیز احمدی نژاد که از زمره مسببان این وضعیت قلمداد می شود، با اعلام اجرای طرح "تحول اقتصادی" زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان را نشانه گرفته و به پیروی از نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی درصدد تغییر و اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران است.

بی جهت نیست که در پیش نویس لایحه "هدفمند کردن" یارانه ها حذف ماده ۴۱ قانون کار مبنی بر تعیین حداقل حقوق وافزایش دستمزد کارگران گنجانده شده است و دولت احمدی نژاد اجرای سریع آن را طلب می کند و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام در چارچوب اجرایی کردن ابلاغیه اصل ۴۴ بندی را به ماده ۱۲۱ قانون کار افزوده است که درمغایرت کامل با حق امنیت شغلی کارگران قرار دارد و امکان اخراج تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی را به کلان سرمایه داران می بخشد.

در چنین اوضاع دشواری مبارزه شما زحمتکشان برای نیل به حقوق به حق سیاسی و صنفی از اهمیت دو چندان برخوردار است.

مبارزه دلیرانه وخستگی ناپذیر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بخش اصلی و جدایی ناپذیر مبارزه جنبش مردمی برضد استبداد و ارتجاع حاکم است، طبقه کارگر همواره به عنوان ستون فقرات جنبش سراسری دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم در ژرفش و گسترش این مبارزات نقش تعیین کننده داشته و دارد. در اوضاع حساس کنونی میهن ما و درآستانه انتخابات آینده ریاست جمهوری نیز جنبش پرتوان کارگری در به شکست کشاندن ارتجاع حاکم و ناکام گذاردن توطئه های آن وظایف خطیری را بر دوش دارد.

کارگران و زحمتکشان میهن ما برای احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل وحق برخورداری از تشکل های صنفی و تامین حقوق بنیادین کار، با سیاست های دولت ضد مردمی احمدی نژاد و به طورکلی سمت گیری اقتصادی–اجتماعی رژیم مبارزه می کنند و به همین علت نیز

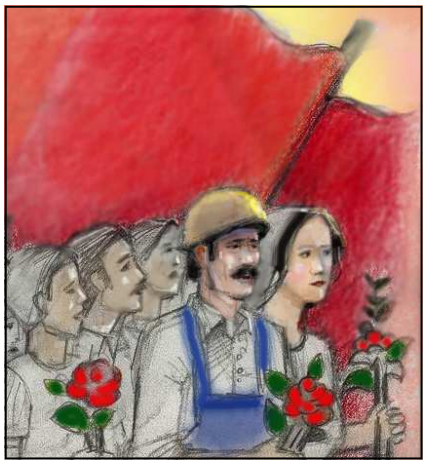

با برنامه هایی چون طرح "تحول اقتصادی"، خصوصی سازی بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ مخالف بود، و مجریان و هواداران آن به ویژه جناح ارتجاع حاکم را در تقابل با خود ارزیابی می کنند.

کارگران و زحمتکشان!

ادامه سیاست های نولیبرالی و مبتنی بر فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همانند طرح تحول اقتصادی، در شرایط کنونی جهانی که بحران اقتصادی شکست کامل این سیاست ها و رسوایی مبلغان این نوع نظرات را بیش از پیش آشکار ساخته، به شدت به زیان حقوق و منافع مجموعه مزدبگیران کشور است و ماهیت واقعی جریانات تاریک اندیش و مردم ستیزی چو دولت احمدی نژاد و همه جناح های طیف ارتجاع حاکم را برملا می سازد.

پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران با توجه به تحولات کشور و ضرورت مبارزه متحد با ارتجاع حاکم، ضمن پشتیبانی از خواست های به حق صنفی–رفاهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، تشدید مبارزه با مرتجعان و عقیم ساختن توطئه های آن را در پرتو اتحاد عمل همه نیروهای راستین راه آزادی وعدالت اجتماعی، وظیفه مبرم و عاجل درلحظه کنونی ارزیابی کرده و از این رو ارتقاء سطح سازماندهی و تقویت همبستگی درصفوف جنبش کارگری–سندیکایی و پرهیز ازتفرقه و پراکندگی در این جنبش پرتوان را حائز اهمیت قلمداد می کند.

پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی، گرم ترین درودهای خود را به فعالان سندیکایی، مبارزان دربند سندیکالیست که با وجود اوضاع نامساعد پیگیرانه در سنگر دفاع از حقوق زحمتکشان پیکار می کنند، تقدیم می دارد، توده ای ها همچون همیشه درکنار توده های کار و زحمت، پیگیر و خستگی ناپذیر به مبارزه ادامه خواهند داد!

درود پرشور برطبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران!
درود بر مبارزان در بند جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران!
پیروز باد مبارز کارگران و زحمتکشان درراه احیای حقوق سندیکایی!
برقرار باد جبهه واحد ضد دیکتاتوری!
استوار باد پیوند زحمتکشان جهان!

پلنوم (وسیع)کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

پیام به همه نیروهای سیاسی آزادی خواه، تحول طلب و هوادار دموکراسی در ایران

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای گرم خود را به همه نیروهای سیاسی ملی، مترقی و مدافع دموکراسی که پرچم مبارزه با تمامیت گرائی و ارتجاع حاکم را برافراشته نگهداشته اند، تقدیم می دارد. پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با احترام به مبارزات شما بر ضد استبداد و تاریک اندیشی می نگرد و به آن ارج می گذارد.

نمایندگان شرکت کننده در پلنوم بر پایه تحلیل شرایط بحرانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که کشور را فرا گرفته است، و ضرورت گشایشی در خور، در مسیر مبارزات مردم میهن برای رهایی از بختک رژیم "ولایت فقیه"، که با زیرپای گذاردن بدیهی ترین اصول انسانی، اجتماعی و اخلاقی، جهنمی را برای مردم کشور ما ایجاد کرده است، برداشتن گام های عملی لازم برای سازماندهی مبارزه مشترک همه نیرو های آزادیخواه و تحول طلب جامعه را ضروری دانستند.

امروز صف وسیعی از آزادی خواهان، از نیروهای ملی و مذهبی تا معتقدان به سوسیالیسم، خواهان پایان یافتن انحصار قدرت و استبداد، و حرکت جامعه به سمت استقرار یک حکومت مردمی و متکی بر آرای مردم اند. ما بر این باوریم که بر خلاف تبلیغ های دروغین "ولی فقیه" و انصارش، صف های ایجاد شده در جامعه نه میان "خودی و غیر خودی"، بلکه بین سر سپردگان و عمال استبداد از طرفی، و گردان های جنبش مردمی و نیز نیروهائی که در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می رزمند، از طرف دیگر است. امروز زندان های رژیم "ولایت فقیه"، هم شکنجه گاه زندانیان سیاسی دگراندیش، ملی، دموکرات، معتقد به سوسیالیسم است، و هم محبس نیروهای مذهبی دگراندیش. در سیاهچال ها و شکنجه گاه های رژیم "ولایت" است که از جمله می توان مرزهای واقعی صف خلق و ضد خلق را مشاهده کرد.

تلاش سرکوبگرانه رژیم در چهار سال اخیر برای یکپارچه کردن حاکمیت خود و تثبیت کنترل بی رقیب خود بر ارکان سه گانه قدرت دولتی نتایج ویرانگری برای میهن ببار آورده است. عملکرد فاجعه بار دولت احمدی نژاد، رئیس جمهور برگمارده ولی فقیه، در تخریب همه امکانات بالقوه اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، سپردن همه پست های کلیدی دولت به دست های بی کفایت فرماندهان سپاه و نیروهای امنیتی، و اتخاذ سیاست سرکوب و سانسور و پیگرد فعالان جنبش های کارگری، زنان و دانشجویی، جامعه را در آستانه انفجار قرار داده است.

امروز میهن ما بر سر دوراهی حساس و سرنوشت سازی قرار گرفته است. دو راهی ادامه رژیم استبدادی و قرون وسطایی کنونی به قیمت سرکوب خونین و کشتار باز هم بیشتر آزادی خواهان، و یا طرد رژیم "ولایت فقیه" به عنوان اساس حکومت استبدادی، و گشودن راه برای استقرار یک حکومت مردمی معتقد به جاری کردن اصلاحات پایه ای اقتصادی ، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور.

جدایی نیروهای سیاسی آزادی خواه از یکدیگر، بی توجهی به نیاز مبرم جنبش برای ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری با برنامه سیاسی مشخص برای دگرگونی شیوه اداره امور کشور، و کم توجهی به نیاز هر چه بیشتر انسجام یافتن جنبش اصلاح طلبی، می تواندعواقب دردناک و فاجعه باری را برای میهن ما به همراه داشته است.

در آستانه شصتمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر حزب توده ایران همه نیروهای سیاسی آزادیخواه، دموکراتیک و تحول طلب کشور را فرا می خواند که به انتظار تاریخی مردم ستم دیده میهن در تدارک جبهه متحد ضد دیکتاتوری برای رهانیدن میهن از چنگ دیکتاتوری پاسخ مثبت دهند. این مهم فقط با غالب آمدن بر پیشداوری ها و سوء برداشت ها، و کنار زدن تمامی موانع مصنوعی بر سر راه اقدام متحد، که ریشه در تبلیغات دشمنان خلق و حاکمیت تاریک اندیشان و توطئه های رسوای نیرو های ارتجاعی دارند، ممکن می شود. حزب توده ایران در اینجا لازم می داند که نسبت به کوشش های مسمومی که اخیراً برای ایجاد تفرقه و بدبینی بین طرفداران حزب توده ایران و نیروهای ملی از طریق بازخوانی هدفمند تاریخ جنبش ملی شدن نفت در سال های اول دهه ۱۳۳۰ در جریان است، هشدار بدهد. به باور ما این کوشش نه دفاع از حزب و سیاست های آن، بلکه دامن زدن به جو جدائی، تفرقه و خصومت بین نیروهایی است که اتحاد عمل آنها در شرایط کنونی مبارزه ضرورت تاریخی است.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بر این باور است که در این پیکار سرنوشت ساز، باید با الهام از آزمون های وحدت گرایانه توده های خلق که در حد اعلای هوشیاری به نمایش گذارده شده است، دوش به دوش و همگام، بدور از خود محور بینی ها، با واقع بینی و سعه صدر و در پذیرش و تحمل یکدیگر، در یک صف متحد، به تلاش ها و مجاهدت های خویش برای شکست ارتجاع و استبداد ادامه دهیم. انتظار مردم از ما چنین است! به این انتظار باید پاسخ مثبت داده شود.

پیروز باد مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی خواه برای طرد رژیم ولایت فقیه!

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران بر ضد رژیم استبدادی حاکم!

با هم، در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، صلح، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذر ماه ۱۳۸۷

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران

در دهمین نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان در برزیل

دهمین نشست جهانی احزاب کمونیست وکارگری، از ۱ تا ۳ آذرماه (۲۱الی ۲۳ نوامبر۲۰۰۸) با موفقیت کامل در شهرسائوپولوی برزیل، به میزبانی حزب کمونیست برزیل، برگزار شد. ۶۵ حزب کمونیستی و کارگری از۵۵ کشور مختلف جهان در این نشست شرکت کردند.

نمایندگان احزاب شرکت کننده در بارهٔ موضوع این نشست که عبارت بودند از:"پدیده های نو در نظام بین المللی، وخیم تر شدن معضلات و تناقض های ملی،اجتماعی، زیست محیطی و رابطهٔ میان امپریالیست ها، مبارزه برای صلح ، دموکراسی، استقلال، پیشرفت وسوسیالیسم، واتحاد عمل احزاب کمونیست وکارگری" سخنرانی هایی ایراد کردند. متن کامل این سخنرانی ها را حزب میزبان به طور کامل منتشر خواهد کرد . این نشست انجام تبادل نظرهای با اهمیتی بین احزاب شرکت کننده را ممکن ساخت.

دهمین نشست، پیامی از سوی لویس ایناسیو لولا دسیلوا، رئیس جمهوری فدرال برزیل، دریافت کرد که در آن "قدر شناسی" او از "تمامی مبارزات" احزاب کمونیستی و کارگری "در دفاع از کارگران وفقرا" و"تعهد" احزاب کمونیست وکارگری "به پایه ریزی یک نظم اقتصادی نوین بین المللی" ابراز می گردد. دهمین اجلاس درخلال بحران شدید سرمایه داری، یعنیموضوعی که تمام سخنرانی ها معطوف به آن بود، بر گزار گردید. بسیاری از شرکت کنندگان در نشست، بر ماهیت سیستماتیک وساختاری بحران تاکید ورزیدند، در حالی که خاطر نشان کردند که این بحران مشخصه ای است ویژه از توسعه سرمایه داری که در این مورد با سیاست های مالی نو لیبرالیِ دهه های اخیر، تشدید یافته است .

سخنرانان اجلاس استدلال کردند که، بحران اخیر شکست کامل وفروپاشی نو لیبرالیسم را نمایش می دهد، اما به خودی خود به معنای پایان سرمایه داری نیست. برعکس، بورژوازی در توسعه یافته ترین کشورها، قدرت سیاسی خود را برای سازماندهی "عملیات نجات" سیستم هایشان به کار می زند. اما این سیاست ها، فراترازمطلوب سازی سرمایه داری، هدفش آن است که کارگران را به پرداخت هزینه تلاش در جهت حل تضادهای ذاتی سیستم وادار سازند. این بحران شدید، همچنین این افسانه را که ضدّ انقلاب های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ به معنای پیروزیِ نهایی وبازگشت ناپذیرِ سرمایه داری بود، از اعتبار انداخت. این بحران هم محدودیت سیستم سرمایه داری به عنوان یک سیستم اجتماعی، وهم نیاز به برانداختنِ آن به شیوه ای انقلابی را برجسته ساخت.

دررابطه با مسئله مورد بحث، یعنی بحران سرمایه داری، ۶۵ حزب شرکت کننده در اجلاس "بیانیه سائو پولو" را که اظهار می دارد: "سوسیالیسم بدیل سرمایه داری است " به تصویب رساندند.

بسیاری از احزاب بر معنای مثبت به چالش طلبیدن فزایندهٔ برتریِ ایالات متحده در جهان تاکید کردند، در حالی که یاد آور شدند که بشریت به مرحلهٔ مبارزهٔ ضد امپریالیستی نیروی تازه یافته ای برای استقلال، توسعه، و پیشرفت اجتماعی مردمان وملت ها وارد شده است. درهمین رابطه برخی از احزاب اهمیت فوق العاده ائتلاف های تازهٔ کشورهای درحال توسعه را- نظیر IBSA(تریبون آزاد سه جانبه، بین هند، برزیل وافریقای جنوبی) ودیدارهای منظم BRIC (برزیل، روسیه، هند، چین) به عنوان سیما هایی از روابط نیرویِ تازه یافتهٔ جنوب- جنوب خاطر نشان کردند.

برای تمام احزاب کمونیستی وکارگری حاضردر نشست، بحران جاری سرمایه داری، نیاز به مطرح کردنِ موضوع گذار به سوسیالیسم ، وتشدید مبارزهٔ اندیشه ها در میان مردم، به هنگامی که محدودیت های سرمایه داری در پیش چشم همگان آشکار گردیده است، تقویت می کند.

احزاب حاضر همچنین بر اهمیت نمادین برگزاری نشست سالانه احزاب برای اولین بار در امریکای لاتین، بر بین المللی شدنِ روند نشست های سالیانه ، و توجه به اینکه این منطقه به قطب مقاومت ضدنو لیبرالی وضد امپریالیستی تبدیل شده است، تاکید کردند.

دهمین نشست بیانیهٔ "همبستگی با خلق های امریکای لاتین وکارائیب" رابا استقبال از مبارزات توده ای وپیروزی های کسب شدهٔ اخیر درسراسر قاره به وسیلهٔ نیروهای دموکراتیک ، مترقی وضد امپریالیست ، از جمله کمونیست ها، به تصویب رساند.

شرکت کنندگان در اجلاس نگرانی عمیق خودرا نسبت به اوضاع انفجاری خاورمیانه به سبب طرح های امپریالیسم برای تغییر شکل منطقه ، اشغال عراق وتعدی مداوم اسرائیل به خلق فلسطین ابراز کردند.احزاب شرکت کننده توجه ویژه به بحران انسانی در غزه به دلیل محاصره توسط اسرائیل را ضروری دانستند، و خواستار پایان دادن به محاصره ونیز برچیدن دیوار نژاد پرستانه وشهرک های اسرائیلی گردیدند.

شرکت کنندگان نشست، تشویق یک رشته اقدام های مشترک، نظیر ابتکارعمل هایی در باره بحران سرمایه داری، کارزارهای همبستگی با کوبا به مناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کوبا؛ ابتکار عمل های ضد ناتویی به مناسبت شصتمین سال بنیانگذاری آن؛ همبستگی با فلسطین، از جمله دیدارهایی از سوی هیئت های نمایندگی ازغزه، راتصویب کردند.

در پایان روز دوم اجلاس نمایندگان ۶۵ حزب کمونیست وکارگری در یک گردهماییِ همبستگی با مبارزات خلق های امریکای لاتین شرکت کردند. آنها در این گردهمایی فرصت همراهی با رزمندگان حزب کمونیست برزیل ، و هیئت های نمایندگی جنبش های سیاسی واجتماعی مترقی امریکای لاتین را یافتند، همبستگی انترناسیونالیستی خود را تصریح کردند.

سائوپولو- حزب کمونیست برزیل
۲۳ نوامبر ۲۰۰۸

بیانیه سائوپالو: سوسیالیسم جایگزین مناسب شرایط کنونی است!

جهان با بحرانی اقتصادی و مالی در ابعادی وسیع روبرو است. این بحران، بحرانی است مربوط به سرمایه داری که از سرشت آن و از تناقض های غیر قابل آن جدا نشدنی است و احتمالا سنگین ترین بحران از زمان رکود اقتصادی سال ۱۹۲۹ بوده است و مثل همیشه کارگران و زحمتکشان قربانیان اصلی آن هستند.

بحران کنونی بیانگر بحران ژرفتری است که ذاتی نظام سرمایه‌داری است و گواه بر محدودیت‌های تاریخی سرمایه‌داری، به سان یک نظام اجتماعی، و ضرورت سرنگونی انقلابی آن است. بحران کنونی همچنین تهدیدی بسیار جدی از پسروی اجتماعی و دمکراتیک به همراه دارد و چنان که تاریخ نشان داده است می‌تواند زمینه را برای اقدامات نظامی‌گرانه و سرکوب‌گرانه فراهم سازد که

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه نشست مهم احزاب کارگری و ...

هوشیاری هر چه بیشتر احزاب کمونیستی وهمه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی را طلب می کند.

در زمانی که میلیاردها دلار از خزانه ملی برای نجات مسئولان بحران کنونی- یعنی کلان سرمایه‌داران، سرمایه مالی و بورس بازان -پرداخت می‌گردد زحمت‌کشان، زمین‌داران کوچک، لایه‌های میانی و تمامی کسانی که برای گذران زندگی کار می‌کنند زیر فشار شرکت‌های انحصاری قرار گرفته‌اند و در این رهگذر استثمار و بی‌کاری، دست‌مزدها و حقوق بازنشستگی کم‌تر، ناامنی، گرسنگی و فقر بیشتری را تجربه خواهند کرد.

کارزارهای ایدئولوژیک انحرافی نیرومند، درپی پنهان کردن خاستگاه اصلی این بحران و مسدود کردن راه به سوی راه حل هایی است که به سود توده‌های مردم پشتیبان موازانه ای نو از قدرت، برقراری نظم بین المللی یی نو به سود نیروهای مردمی، همبستگی بین‌المللی و دوستی میان خلق هاست. قدرت‌های عمده سرمایه‌داری: ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن با بکارگیری سازمان‌های بین‌المللی زیر سلطه خود مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک مرکزی اروپا، ناتو و دیگران و نیز با جوسازی و بهره‌برداری از آن به سود اهداف خویش در سازمان ملل، برای نجات کوتاه‌مدت با سراسیمگی بدنبال "راه‌حل‌هایی" هستند (که خود بذرهای بحران‌های نوینی خواهند شد) تا بتوانند سازوکار ستم‌گری و بهره‌کشی امپریالیستی را دوباره نقویت بخشند.

آنها با طفره رفتن از تبین عوامل اصلی و تأکید بر گزینش‌های ناکارآمد برای تدوین "مقررات"،و اقدامات "انسان‌گرایانه" و اصلاح سرمایه‌داری، تنها خواهان تغییر سیمای سرمایه‌داری با حفظ ماهیت آن هستند. احزابی که از سرمایه پشتیبانی می‌کنند احکام "اجماع واشنگتن" را که در اقتصاد مالی‌گرایی قماری ددمنشانه جان تازه‌ای دمیده است با شتاب‌زدگی پذیرفتند. سوسیال‌دمکراسی با پنهان سازی تمکین خود به نولیبرالیسم و تبدیل به یکی از شالوده‌های امپریالیسم،در برگشتی تآخیرآمیز به "مقررات" آموزه کنیزیان که سرشت طبقاتی قدرت و مناسبات مالکیت را دست‌نخورده باقی می‌گذارد به روشنی از پذیرش گزینه‌های انقلابی برای زحمت‌کشان و مردم پرهیز می‌کند.

ناکامی این چشم‌انداز نیز اجتناب‌ناپذیر است.

همان گونه که تاریخ نشان داده است اگر کارگران و مردم متحد شوند می‌توانند در تعیین مسیر رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اثرگذار باشند و با در تنگنا قرار دادن سرمایه بزرگ، آن را به دادن امتیازات مهم به سود توده‌ها وادار و از پیشرفت بسوی فاشیسم و جنگ جلوگیری کنند و راه را برای فرارفت‌های عملی مترقی و حتا انقلابی بگشایند.

آینده، در آستانه یک مبارزه طبقاتی بی‌امان و فزون‌یابنده در سطح جهان قرار گرفته است. بشریت لحظات بسیار دشوار و پیچیده‌ای از تاریخ را می‌پویدکه در آن با بحران اقتصادی جهانی همزمان با بحران‌های سوخت و غذا و بحران جدی زیست‌محیطی مصادف شده است؛ به سخنی دیگر دنیایی سرشار از بی‌عدالتی ونابرابری، جنگ و کشمکش.

ما اکنون در برابر یک تقاطع تاریخی و تعیین‌کننده قرار گرفته‌ایم: در یک سو صلح جهانی، حق حاکمیت، دمکراسی و حقوق زحمکشان و مردم قرار دارد و در سوی دیگر توانمندی سترگی برای پیکار و پیشرفت آرمان رهایی کارگران و توده‌ها، آرمان پیشرفت اجتماعی، صلح، آرمان سوسیالیسم و کمونیسم.

احزاب کمونیست و کارگری که در دهمین نشست خود در سائوپالو گرد آمده‌اند به به مبارزه توده‌ای پدید آمده بر ضد ستم و بهره‌کشی امپریالیستی، بر ضد افزایش دست‌اندازی به دست‌آوردهای تاریخی جنبش کارگری و بر ضد حملات نظامی‌گرایانه و ضد دمکراتیک امپریالیسم درود می‌فرستد.

تأکید بر این امر ضروری است که باید ورشکستگی نولیبرالیسم را نه در کاستی‌های شیوه‌های مدیریت سرمایه‌داری بلکه شکست خود سرمایه‌داری و درستی اهداف آرمانی و برنامه کمونیستی دریافت. ما تصریح می‌کنیم که آرزوی والای رهایی زحمتکشان و توده‌ها تنها در گسستگی قدرت کلان سرمایه، قدرت‌های امپریالیستی و متحدان آن و نیز با دگرگونی بنیادی با ماهیت آزادی‌گرا و ضد انحصاری تحقق خواهد یافت.

ما طبقه کارگر، زحمتکشان و خلق‌های جهان را با یقین به درستی گزینه سوسیالیسم، راهی به یک استقلال واقعی و کامل خلقی، راهی برای تصریح حقوق زحمتکشان و تنها راه پایان دادن به بحران‌های ویران‌گر سرمایه‌داری، فرا می‌خوانیم تا به رسالت کمونیست‌ها و انقلابیون بپیوندند و با اتحاد پیرامون منافع طبقاتی و آرمان‌های عدالت‌جویانه، با دست‌های خود ساختمان آینده‌ای شکوفا، عادلانه و سرشار از آرامش را برای بشریت پی‌ریزی نمایند. بدین ترتیب شرایط برای پیوستن مبارزات مردمی به یکدیگر و مقاومت در یک جنبش گسترده بر ضد سیاست‌های سرمایه‌داری در رابطه با بحران‌ها و تحریکات امپریالیستی که صلح جهانی را به خطر می‌اندازد پدید می‌گردد.

با اطمینان به امکان‌پذیر شدن جهانی دیگر، جهانی بدون استثمار طبقاتی و ستم‌گری سرمایه‌داری، ما پشتیبانی خود از ادامه پویش تاریخی برای ساختمان جامعه‌ی نوین، بدون بهره‌کشی و ستم‌گری طبقاتی یعنی سوسیالیسم را اعلام می‌کنیم.

بیانیه ریاست جمهوری، لوییس ایناسیو لولا دسیلوا به دهمین گردهمایی احزاب کمونیست و کارگری

برزیل، ۲۱ نوامبر سال ۲۰۰۸

رفیق گرامی رناتو رابلو،

رفقای گرامی،

ادای احترام من به دهمین گردهمایی احزاب کمونیست و کارگری تنها انجام وظیفه رسمی نیست بلکه سپاسگزاری از پیکاری است که همهٔ شما در دفاع از کارگران و تهیدستان به پیش برده‌اید، سپاسگزاری از آن احساسات انسانی است که راهنمای مبارزه‌ی شما برای ریشه‌کنی فقر، گرسنگی و نابرابری موجود در بین خلق‌ها است و سپاسگزاری از تلاش شما برای ساختمان یک نظم اقتصادی نوین جهانی می‌باشد.

ما با بحران الگوی سیاست‌های نولیبرالی که کارآیی خود را در سه دهّ اخیر بر ساختار قدرت و تولید جوامع جهان نهاده است روبرو هستیم. اقتصاد بی‌نظم و لجام‌گسیخته جهانی منطق غیر مسئولانه‌ی قمار سرمایه‌داری را درپی گرفته است. سیاست‌های همگانی، به ویژه خدمات اجتماعی، جای خود را در برنامه های خلقی از دست داده اند و ماشین عدم توسعه جایگاه بزرگی را برای خود کسب کرده است.

بنابراین، اساسی است که لحظهٔ کنونی را مورد بحث قرار دهیم. البته من قصد پیش‌گوئی گام بعدی در تاریخ را ندارم — و توانایی چنین کاری را ندارم — لیکن مایلم به کردهائی اشاره کنم، که اهمیت پر بهایی در گفتمان دوره‌ای که آغاز می شود، خواهند داشت.

نخست، بر این باورم که زمان رهائی کارگران فرا رسیده است — از کارگرانی که در مزارع و کارخانه ها کار می‌کنند تا آنهائی که در پیش‌رفته‌ترین آزمایشگاه‌های کامپیوتری اشتغال دارند. زمان رهائی کار بعنوان منبع بزرگ ثروت و کامیابی، در مبارزه برای توسعه فرا رسیده است. لازم است که تولید را افزایش دهیم و اولویت بیشتری به زیربنای عمومی و آموزش و پرورش برای رفاه همگانی بدهیم.

افزون بر این، نباید فراموش کنیم که همبستگی زمانی معنای حقیقی خود را خواهد یافت که منافع جهانی و همه‌ی انسان‌ها را هدف قرار دهد. جامعه‌ی مدنی متشکل، نهادهای بین‌المللی و سازمان های گوناگون، باید واقعیت‌های نوین و بازگشت‌ناپذیر اعضای جامعه جهانی را بازتاب دهند. عواملی که ما را بعنوان یک خلق، با حقوق و وظایفی که مسئول سرنوشت بهم پیوسته‌ی تمام کره‌ی زمین می‌باشیم، بهم پیوند می‌زنند.

هم اکنون، انسان برای رفع نیازهایش بیش از اندازه تولید می‌کند. لیکن آینده تنها در صورتی پایدار خواهد بود که دیگر گرسنگی، تهدیدی برای ۸۵۵ میلیون ساکنین این کره نباشد.

همانطوری که همه می‌دانیم، لحظات بحرانی یک رشته

ادامه در صفحه ۱۱

همبستگی احزاب کمونیست و کارگری جهان با مبارزات مردم ایران

در جریان دهمین نشست بین المللی احزاب کمونیست و کارگری جهان، در سائوپولو، قطعنامه ای در رابطه با تهدیدهای ایالات متحده بر ضد ایران و همچنین در همبستگی با مبارزات جنبش رو به اعتلای مردم ایران مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. این قطعنامه که مورد حمایت یکپارچه ۶۰ هیئت نمایندگی از سراسر جهان قرار گرفت، ضرورت همبستگی از مبارزات جنبش کارگری، زنان و جوانان ایران به مثابه اجزای کلیدی جنبش صلح رو به اعتلای کشور را مورد توجه قرار می دهد.

حضور رهبران و دبیر کل های احزاب کمونیست هند، برزیل، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، فدراسیون روسیه، مجارستان، یونان، نپال، آرژانتین، کلمبیا در میان امضاء کنندگان این قطعنامه کاملا چشمگیر می باشد. جالب توجه است که اکثریت مطلق احزاب کمونیست- کارگری شرکت کننده از کشورهای آمریکای لاتین از این قطعنامه حمایت کردند.

قطعنامه دهمین نشست بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری بر ضد تهدیدهای امپریالیسم و برای صلح و دموکراسی در منطقه خاورمیانه و ایران

ما، احزاب و سازمان‌های امضا کننده این بیانیه، شرکت کنندگان در دهمین نشست بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری در روزهای ۲۲ تا ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸ (۱۵ تا ۱۷ آذر ۸۷) در شهر سائوپولوی برزیل، نگرانی عمیق خود را نسبت به ادامه حضور نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدانش در منطقه خاورمیانه، ادامه تجمع نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه خلیج فارس، و ادامه موضع نظامی‌گرایانه و برتری‌طلبانه آمریکا در مقابله با ایران اعلام می داریم. جورج بوش، که سیاست‌هایش در انتخابات اخیر آمریکا با قاطعیت از سوی مردم آمریکا طرد شد، به مشی جنگ‌طلبانه‌اش ادامه می‌دهد و در هفته‌های اخیر باز هم تمایل اش به "اقدام‌های اضطراری بر ضد ایران" را تکرار کرده است. به اعتقاد ما، سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران در هشت سال گذشته، و نیز اشغال نظامی عراق و افغانستان و تهدید بر ضد سوریه، همگی بخشی از نقشه‌ها و طرح‌های آمریکا برای "خاورمیانه بزرگ" است که هدف آنها تأمین سرکردگی و تسلط آمریکا بر منابع انرژی گسترده این منطقه است.

رژیم مذهبی ایران از جوّ متشنج کنونی در ارتباط با امپریالیسم و نیز سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا نسبت به ایران به منظور توجیه و گسترش سرکوب نیروهای مترقی، سندیکاهای صنفی، و جنبش‌های زنان و جوانان و دانشجویان بهره‌برداری می‌کند. این جنبش‌ها اجزای کلیدی جنبش اوج‌گیرنده صلح و عدالت اجتماعی در ایران هستند. ما همچنین با نگرانی شاهد وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران در چند ماه اخیر هستیم. بر اساس گزارش‌هایی که به دست ما رسیده است، در چند هفته گذشته حملات تازه‌ای بر ضد فعالان جنبش زنان صورت گرفته است.

ما پیمان می‌بندیم که کارزاری را دنبال کنیم با این هدف که دولت آینده آمریکا را وادار‌یم سیاست‌های تجاوزکارانه بوش نسبت به ایران را کنار بگذارد و خط مشی تازه‌ای را بر پایه گفتگو و عدم مداخله در پیش گیرد. ما بار دیگر مخالفت کامل خود را با هر گونه تجاوز نظامی آمریکا، اتحادیه اروپا یا اسرائیل بر ضد ایران اعلام می‌کنیم. تصمیم‌گیری در مورد سمت‌گیری تحولات آینده ایران فقط باید توسط خود مردم ایران صورت بگیرد و نه دیگران.

ما خواهان امحای سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا، رعایت کامل و بی‌چون و چرای پیمان منع گسترش هسته‌ای، و اعلام این منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای هستیم.

احزاب رای دهنده به قطعنامه

۱. برزیل – حزب کمونیست برزیل (PCdoB)
۲. الجزایر – حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
۳. آرژانتین – حزب کمونیست آرژانتین
۴. بلاروس – حزب کمونیست بلاروس
۵. بلژیک – حزب کارگران بلژیک
۶. بولیوی – حزب کمونیست بولیوی
۷. برزیل – حزب کمونیست برزیل
۸. بلغارستان – حزب کمونیست بلغارستان
۹. کانادا – حزب کمونیست کانادا
۱۰. شیلی – حزب کمونیست شیلی
۱۱. کلمبیا – حزب کمونیست کلمبیا
۱۲. قبرس – حزب مترقی زحمتکشان قبرس (آکل)
۱۳. جمهوری چک – حزب کمونیست بوهم و موراوی
۱۴. دانمارک – حزب کمونیست دانمارک
۱۵. دانمارک – حزب کمونیست دینامارکا
۱۶. اکوادور – حزب کمونیست اکوادور
۱۷. فنلاند – حزب کمونیست فنلاند
۱۸. گرجستان – حزب کمونیست متحد گرجستان
۱۹. آلمان – حزب کمونیست آلمان
۲۰. بریتانیای کبیر – حزب کمونیست بریتانیا
۲۱. یونان – حزب کمونیست یونان
۲۲. مجارستان – حزب کمونیست کارگران مجارستان
۲۳. هندوستان – حزب کمونیست هندوستان
۲۴. هندوستان – حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
۲۵. عراق – حزب کمونیست عراق
۲۶. ایران – حزب توده ایران
۲۷. ایرلند – حزب کمونیست ایرلند
۲۸. ایرلند – حزب کارگر ایرلند
۲۹. ایتالیا – حزب کمونیست رفوندسیون
۳۰. ایتالیا – حزب کمونیست‌های ایتالیا
۳۱. لائوس – حزب انقلابی مردمی لائوس
۳۲. لتونی – حزب سوسیالیست لتونی
۳۳. لبنان – حزب کمونیست لبنان
۳۴. لوکزامبورگ – حزب کمونیست لوکزامبورگ
۳۵. مکزیک – حزب کمونیست‌های مکزیک
۳۶. نپال – حزب کمونیست نپال (مارکسیست – لنینیست متحد)
۳۷. هلند – حزب کمونیست جدید هلند
۳۸. نروژ – حزب کمونیست نروژ
۳۹. فلسطین – حزب کمونیست فلسطین
۴۰. فلسطین – حزب مردم فلسطین
۴۱. پاناما – حزب خلق پاناما
۴۲. پاکستان – حزب کمونیست پاکستان
۴۳. پاراگوئه – حزب کمونیست پاراگوئه
۴۴. پرو – حزب کمونیست پرو (میهن سرخ)
۴۵. پرو – حزب کمونیست پرو
۴۶. پرتغال – حزب کمونیست پرتغال
۴۷. روسیه – حزب کارگران کمونیست روسیه
۴۸. روسیه – حزب کمونیست فدراسیون روسیه
۴۹. صربستان – حزب کمونیست جدید یوگسلاوی
۵۰. آفریقای جنوبی – حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۵۱. اسپانیا – حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا
۵۲. سوریه – حزب کمونیست سوریه (خالد بکتاش)
۵۳. سوریه – حزب کمونیست سوریه (یوسف فیصل)
۵۴. سوئد – حزب کمونیست سوئد (SKP)
۵۵. ترکیه – حزب کمونیست ترکیه
۵۶. اوکرائین – حزب کمونیست اوکرائین
۵۷. اوکرائین – اتحادیه کمونیست‌های اوکرائین
۵۸. ایالات متحد آمریکا – حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا
۵۹. اوروگوئه – حزب کمونیست اوروگوئه
۶۰. ونزوئلا – حزب کمونیست ونزوئلا

زمینه های تاریخی بحران مالی اخیر امریکا

بحران بازار مالی امریکا در روزهای اخیر نتیجهٔ قابل پیش بینی روند مالی گرایی (Financialization) اقتصاد امریکاست که از نخستین سالهای دهه ۱۹۷۰ آغاز گردید. مالی گرایی اقتصاد را می توان از نقطه نظرهای گوناگون ایدئولوژیکی، سیاسی و یا صرفاً اقتصادی تعریف کرد. روشن است که تعریف جامع تعریفی خواهد بود که هر سه عرصهٔ فوق را در بر گیرد. در این معنا، مالی گرایی بخشی از ایدئولوژی اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری برتری طلب است که امکان رشد روز افزون بخش مالی اقتصاد را از طریق " پول سازی" مستقیم از پول فراهم می کند. روند این ثروت اندوزی پولی با تولید " کالاهای مالی" و مبادله آنها از طریق شبکه های مالی با نوعی گسست روز افزون از شبکه های تولید کالاهای واقعی صورت میگیرد. بنابراین از آنجا که دینامیسم اقتصاد مالی گرایی مبتنی به فاصله گیری ثروت اندوزی "کاغذی" از تولید ثروت واقعی است انجامی جز بحران اقتصادی ندارد.

با توجه به تعریف فوق، رشد مالی گرایی متظمن رشد بلا انقطاع بازار اعتبارات است که این خود نیازمند بازاریست آزاد که کمترین دخالت دولت را در امور رتق و فتق آن ایجاب میکند. به عبارت دیگر، پیش شرط اقتصاد مالی گرایی بطور کلی قانون زدایی بازار مالی است، و بطور اخص قانون زدایی بازار اعتبارات است. درست به همین دلیل است که بحران اقتصادی امروز امریکا مستقیما" ریشه در فلسفه سیاسی- اقتصادی نولیبرالیسم حاکم بر دستگاه حکومتی دارد. چنین نولیبرالیسمی مدل اقتصادی کینز (Keynes) طرفدار دخالت دولت در امور اقتصادی و بازار را رد می کند؛ قوانین بازار مالی فرانکلین روزولت سالهای ۱۹۳۰ (معروف به قراردادهای نو) را یکی پس از دیگری لغو می کند: و دست در " دست نامرئی" آدم اسمیت (Adam Smith) مبلغ ایدهٔ خود تنظیمی (Self-Adjusting) بازار می گردد. علت اصلی چنین جهشی از لیبرالیسم به نولیبرالیسم چیزی جز ایده لوژی سرمایه داری هژمونی طلب از طریق سبقت رشد اقتصادی در سطح جهانی نیست.

در اینکه قانون زدایی و رهائی از مقررات دست و پا گیر بازار به انعطاف بازار قرضه ها و رشد سریع مارپیچ گونهٔ بازار مالی می انجامد شکی نیست. قانون زدایی دریچهٔ سیلاب گیری را می گشاید که انباشته است از ظرفیت در تولید فراورده های جدید مالی به خصوص از ابتکار در عرضهٔ آنها به بازار اعتبارات که بالقوه از سالهای ۱۹۷۰ و بالفعل با روی کار آمدن ریگان از سال ۱۹۸۰ در امریکا آغاز شد.

اما مسئله مشکل زا اینست که همان فرآورده های مالی که با استفاده از سهولت حد اقل مقرراُت، بازار مالی را بسوی حد اکثر تحرک و سود آوری سوق می دهند، همان فراوردهائی هستند که پس از یک دور کامل دورهٔ مالی، این بازار را از اوج قله به دامنهٔ حضیض می کشانند.

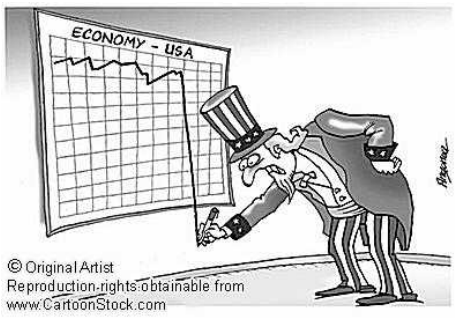

بنابراین قانون زدایی نولیبرالیستی، اگر چه در ابتدا آفرینندهٔ فرصت های نو در دنیای ابتکارات مالی گردید ولی با شتاب سرسام آوری ظرف تاریخچه سه دهه ای خود آفریننده پر مخاطره ترین تجارت های مالی نیز گردید. نتیجه آنکه اگر پیش از قانون زدایی، یعنی بین سالهای ۱۹۵۰-۱۹۷۵ بطور متوسط هرسال بین چهار تا پنج بانک ورشکست می شد، پس از قانون زدایی، تنها در سال ۱۹۸۹، نزدیک به ۲۰۰ بانک به ورطهٔ ورشکستگی کشیده شدند. (نگاه کنید به آمار منتشره دولت امریکا در: ww.fdic.gov/bank/historical/bank/index/ html)

برای روشن شدن بیشتر، لازم است که به فرآورده های مشتقات مالی که از جمله عاملان اصلی بحران اخیر هستند اشاره کرد. این مشتقات مالی که برای نخستین بار در سال ۱۹۷۵ برای حفاظت سرمایه گزاران و رهانیدن موُسسات مالی از خطرات احتمالی ناشی از بهره صادر شده بودند در رشد سریع خود به بازار اعتبارات نیز راه یافتند.

دو نوع از این مشتقات مالی یکی اوراق قرضهٔ با پشتوانه (Collateral Debt Obligations) میباشد که برای نخستین بار در دههٔ ۸۰ و دیگری اوراق تضمین مبادله ای اعتبارات (Credit Default Swaps) است که در دههٔ ۹۰ بعنوان مشتقات مالی وارد بازار اعتبارات شدند و سرانجام اقتصاد امریکا را به ورطه بحران فراگیر اخیر کشاندند.

"اوراق قرضهٔ با پشتوانه" نوعی از اوراق بها دار است که با صندوقی از اوراق بها دار دیگر تضمین می شود. این نوع مشتق مالی در راه یابی خود به بازار اعتبارات، جای ویژه ای در کانال وام های مسکن پیدا کرد. شرکت های بزرگ مالی با استفاده از این نوع مشتق مالی، از وام های مسکنی که با سهل ترین شرایط داده شده بودند، بسته هایی با صدها هزار سند رهنی مسکن ساخته و پس از ارزیابی آنها برای قیمت گذاری بر پایه خطر احتمالی (Risk)، هر بسته را به قطعات کوچکتری (Tranche) تقسیم کرده و هر یک را برای فروش به بازار مالی داخلی و خارجی عرضه کردند. شرکت های مالی خریدار، پس از خرید، به نوبه خود بسته خریداری شده را باز کرده دوباره بستهٔ تازه ای ساخته تا با شرایط دیگری قطعات آنرا بفروشند و الی آخر. نتیجه چنین داد و ستدی از طریق خرید و فروش اوراق بهادار چیزی جز نشاندن اقتصاد بازار مالی به روی

ادامه در صفحه ۳

کمک مالی رسیده

جمع آوری شده در جشن سالگرد شصت و هفتمین سالگرد حزب توده ایران
در شهر ونکوور کانادا ۴۰۰ دلار

Saturday 6th December 2008

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 805
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰۴۹۳۰ ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام IRANe.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۸۰۶، دورهٔ هشتم
سال بیست و سوم ۳۰ آذر ۱۳۸۷

گزارش هیئت سیاسی به نشست وسیع کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران، (آذرماه ۱۳۸۷) سند مصوب پلنوم (وسیع)

مقدمه

رفقای گرامی!

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران را با یک دقیقه سکوت، به احترام خاطره همه جان باختگان راه آزادی میهن، و همه جان باختگان توده ای، آغاز می کنیم.

از زمان برگزاری نشست پیشین کمیته مرکزی، در مرداد ماه ۱۳۸۶، تاکنون تحولات مهمی در ایران و جهان رخ داده است، که بررسی و نتیجه گیری دربارهٔ آنها برای تنظیم و تدقیق سیاست های روز حزب ضروری است. گزارش حاضر به مهم ترین مسایل، که نقش تعیین کننده ای در حوادث کشور و جهان داشته اند، اشاره می کند، و نتایج مشخصی را برای بررسی و اظهار نظر نشست وسیع کمیته مرکزی ارائه می دهد.

الف- تأملی بر رویدادهای ایران، در فاصله دو نشست کمیته مرکزی: بررسی مهم ترین روندها و جهت گیری های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

رفقا!

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب ما در حالی برگزار می شود که دولت احمدی نژاد، یعنی دولت مورد نظر و حمایت ولی فقیه رژیم، دولتی که برپایه تقلبات گسترده انتخاباتی و دخالت گسترده نیروهای نظامی و انتظامی روی کار آمد، به پایان دوره چهار ساله خود نزدیک می شود. تجربه دولت احمدی نژاد از زوایای مختلفی قابل تأمل است. دولت احمدی نژاد در شرایط هماهنگی نسبتاً نزدیک مجلس، قوه قضائیه و نیروهای انتظامی و نظامی، در مسایل و سیاست های کلان، امکانات نامحدودی را برای پیاده کردن برنامه های خود در دست داشت، و آنچه در چهار سال گذشته در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رخ داده است بی شک آیینه تمام نمایی از نظرات و برنامه های تاریک اندیش ترین جناح های رژیم با حمایت مستقیم ولی فقیه رژیم است. سخنان ماه های اخیر خامنه ای در حمایت آشکار و مستقیم از عملکرد فاجعه بار دولت احمدی نژاد و اشاره او به ضرورت ادامه کاری این دولت، نشان روشنی از این واقعیت است که با وجود برخی برخوردها میان جناح های مختلف نیروهای ارتجاعی، رهبری رژیم ولایت فقیه، و در راس آن خامنه ای، خواهان حفظ و ادامه وضعیت کنونی به هر شکل ممکن است.

در نشست های پیشین کمیته مرکزی حزب ما، که پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد برگزار شدند، به این موضع اشاره کردیم که یکی از پدیده های قابل تعمق در جریان انتخابات سال ۱۳۸۴، تمرکز تبلیغاتی احمدی نژاد بر کمبودهای اقتصادی -اجتماعی و تأکید او بر رهانیدن مردم از فقر مزمن بود. قول تغییرات اساسی در سیاست و جهت گیری های اقتصادی، تقسیم درآمد نفت میان مردم و حرکت به سمت عدالت، از جمله سیاست های پوپولیستی و فریبکارانه ای بود که دستگاه تبلیغاتی احمدی نژاد و جناح های ارتجاع، با آگاهی به کمبودها و فشارهای اقتصادی، بر آن تأکید کردند. بررسی کارنامه دولت احمدی نژاد در پایان چهار سال زمامداری این دولت، نمونه روشنی از بی توجهی رهبری رژیم ولایت فقیه و دولت برگمارده آن به حل معضلات گسترده مردم، حقوق و بهزیستی آنهاست.

بررسی کارنامه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت احمدی نژاد، حتی با اتکا به آمارهای رسمی و دستکاری شده رژیم نیز، می تواند ماهیت ضد

ادامه در صفحات ۵ تا ۱۵

قطعنامه پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره بیستمین سالگرد فاجعه ملی
در صفحه ۲

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره پایگاه های خبری اینترنتی و باز انتشار آثار حزبی
در صفحه ۲

به سوی «سوسیالیسم قرن بیست و یکم»
در صفحه ۱۶

درباره وحدت و دشواری های فعالیت و مبارزه حزب توده ایران پس از یورش رژیم ولایت فقیه – سند مصوب پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی
در صفحات ۳ و ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره پایگاه های خبری اینترنتی و باز انتشار آثار حزبی

در ماه های اخیر درباره عملکرد و مواضع سیاسی پایگاه های خبری اینترنتی، که از مطالب، نام و آرم های حزب توده ایران استفاده می کنند، و ارتباط این پایگاه های اینترنتی با حزب توده ایران، نامه ها و سئوالات گوناگونی به دبیرخانه کمیته مرکزی رسیده است. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام می کند که بجز پایگاه های اینترنتی "حزب توده ایران"، "نامه مردم" و "دنیا" حزب توده ایران هیچ پایگاه اینترنتی دیگری ندارد و لذا مسئولیت مطالب منتشر شده در این پایگاه ها با گردانندگان آنها است.

همچنین در سال های اخیر روند باز انتشار شماری از کتاب های حزب توده ایران، از سوی بنگاه های انتشاراتی نامعلوم و یا معلوم و بی ارتباط با حزب توده ایران افزایش چشم گیری یافته است. این باز انتشار ها نه تنها با اجازه انتشارات حزب توده ایران نبوده است بلکه از اشکالات جدی یی مملو است که بعضاً می تواند مفاهیم و موضع گیری های نویسندگان مقالات و کتب یاد شده را دگرگونه جلوه دهد. برای روشن کردن گستره این موضوع، به عنوان مشت نمونه خروار، به کتاب «تجربه ۲۸مرداد» نوشته رفیق شهید جوانشیر، چاپ حزب توده ایران، ۱۳۵۹، که توسط پایگاه اینترنتی «نوید نو»، سال ۱۳۸۵، بازانتشار یافته است، اشاره می کنیم.

در این بازانتشار به کرات دیده می‌شود که از یک جمله تا یک سطر یا حتی تا یک صفحه یا بیشتر حذف شده است! برخی از این حذف‌ها چنان است که مطلب را بی‌معنا می‌کند و گاهی کاملاً تغییر می‌دهد، و برخی دیگر به نظر می‌آید به منظور تحمیل نظر خاصی صورت گرفته است. مسئله نگران کننده دیگر بزرگ‌نمایی و تیترسازی‌های ورای متن اصلی است که علاوه بر آن که نقض بی ملاحظه امانت‌داری در بازچاپ است، در شماری از موارد نیز مغایر با منظور نویسنده کتاب، تحریک کننده، و شعارگونه است (به عنوان نمونه در ص ۱۵۰، تیتر **"مصدق و تعلل های تاریخی در حساس ترین روزها"** اضافه شده است که در کتاب رفیق جوانشیر موجود نیست!! چنین تغییراتی در متن اصلی، مغایر با منظور و هدف رفیق جوانشیر برای توضیح و روشنگری در مورد رویدادهای شوم منتهی به کودتای ۲۸ مرداد ماه سال ۳۲ خواهد بود، و **در برخی موارد حتی تیغ حمله را با ظرافت و زیرکی متوجه مبارزان ملی در کشور می‌کند، که حاصلی جز تفرقه و جدایی در صفوف نیروهای بالقوه جنبش کنونی آزادی‌خواهی ایران نخواهد داشت.**

در اینجا به نمونه‌هایی از دست‌کاری‌های در متن اصلی کتاب "تجربه ۲۸ مرداد" رفیق جوانشیر چاپ حزب توده ایران، انجام گرفته است اشاره می کنیم.

شماره صفحه‌ها و سطرها مربوط به «چاپ جدید» است

ص۱۰س ۳۳	یک خط جا افتاده است
ص۱۵س ۲۴	یک خط جا افتاده است
ص۲۰س۳و۴	یک خط جا افتاده است
ص۳۶س۱۰	یک خط جا افتاده است
ص۳۶س۱۹و۲۰	یک تحریف کامل همراه با برجسته کردن یک جمله
ص۴۱س۲۱	اضافه کردن یک جمله بدون آنکه اشاره شود که متن اضافه شده از «ناشر» است
ص۵۰س۲۹	اضافه کردن یک جمله بدون آنکه اشاره شود که متن اضافه شده از «ناشر» است
ص۵۵س۱۲	اضافه کردن یک عبارت توضیحی از نشریه "راه توده" !!! که این تبلیغی است برای این نشریه در متن کتاب مؤلفی دیگر.
ص۵۷س۲و۳	حذف یک سطر
ص۶۲س۲۰و۲۱	حذف یک سطر که معنا را به کل تغییر می‌دهد
ص۷۴س۱۴	عبارتی از «ناشر» در میان پرانتز افزوده شده است، بدون آنکه مأخذ عبارت ذکر شود.
ص۷۴س۱۶	باز هم افزوده‌ای در میان پرانتز از «ناشر» بدون ذکر مأخذ.
ص۱۱۸س۲۱و۲۲	۵ سطر حذف شده است!
ص۱۲۷س۲۸تا۳۰	حذف یک سطر در میان این سطور
ص۱۳۸س۲۶	اضافه کردن "حجت‌الاسلام" پیش از نام "شمس قنات آبادی" !!
ص۱۴۳س۲۸	حذف دو سطر!!
ص۱۴۵س۱۲	تعویض واژه "انقلاب" با "فردای جنبش"!!!
ص۱۴۶س۱۰	حذف ۳ سطر
ص۱۵۰س۲۳	حذف ۳ سطر
ص۱۶۵س۵تا۷	باز هم افزودن عبارتی به متن اصلی از نشریه "راه توده"!!!
ص۱۷۲س۳۰	تقریباً دو صفحه از کتاب اصلی حذف شده است!!
ص۱۷۳س۱۱	باز هم حذف ۲ صفحه از متن اصلی کتاب

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این اعمال نادرست اعلام می کند که تنها کتاب هایی که در پایگاه اینترنتی و یا آرم انتشارات حزب توده ایران منتشر می شود از سوی حزب ما معتبر و قابل اتکاء هستند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، آذرماه ۱۳۸۷

قطعنامه پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره بیستمین سالگرد فاجعه ملی

بیست سال پس از فاجعه خونبار قتل عام زندانیان سیاسی، در جریان فاجعه ملی، توطئه سکوت رژیم در مورد این جنایت هولناک ضد بشری، که در جریان آن بیش از ۵۰۰۰ زندانی سیاسی اعدام شدند، ادامه دارد. مقامات رژیم نه فقط در رابطه با چگونگی این جنایت هولناک، که با هیچ معیار حقوقی و قانونی، حتی بر پایه قوانین جمهوری اسلامی قابل توجیه نیستند، و همچنین تعداد و اسامی قربانیان، محل دفن آنان، و مسئولان دادگاه های ویژه که این احکام غیر انسانی را صادر کردند، قفل بر لب زده اند، بلکه هرگونه یاد آوری و مجلس یادبودی را ممنوع و قابل مجازات اعلام کرده اند.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بر این باور است که بر پایه تجربیات تاریخی، و همانگونه که در اسپانیا، آفریقای جنوبی و شیلی شاهد بوده ایم، بدون افشاء ابعاد واقعی این جنایت و برخورد مشخص و قانونی با مسببان آن، نمی توان ریشه های یک چنین تبهکاری خونباری را شناخت و از بین برد، و دموکراسی پایه داری را برپا ساخت.

از سال ۱۹۸۵ که در جریان هفتمین کنفرانس سازمان ملل در رابطه با جلوگیری از وقوع چنین جنایاتی، بیانیه اصول پایه ای عدالت برای قربانیان جنایت و سوء استفاده از قدرت به تصویب رسید، سازمان ملل متحد، از حق پیگیری قربانیان به دریافت خسارت و مسئولیت دولت ها به تدوین سیاست های مشخص در پاسخگویی به این حق، حمایت کرده است.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن گرامی داشت خاطره همه جان باختگان فاجعه ملی، تمامی نیروهای مترقی و دموکراتیک کشور را فرا می خواند که متحداً کارزار موثری را در رابطه با واداشتن رژیم جمهوری اسلامی به انتشار اسامی قربانیان فاجعه ملی، مشخص کردن محل دقیق خاکسپاری این قربانیان، افشای اسامی آمران و مسببان این جنایت و از جمله قضات دادگاه های شرع که این احکام غیرقانونی را تصویب کردند، سازمان دهند. حزب توده ایران به نوبه خود آماده هرگونه همکاری در این رابطه است.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۸۷

آزادی برای همه زندانیان سیاسی

درباره وحدت و دشواری های فعالیت و مبارزه حزب توده ایران پس از یورش رژیم ولایت فقیه

سند مصوب پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

۱۳ بهمن ماه امسال مصادف با بیست و ششمین سالگرد یورش مزدوران رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران است. هدف از یورش سراسری رژیم، به دستور مستقیم خمینی و دیگر سران رژیم، و همیاری دستگاه های امنیتی و جاسوسی غرب، پاکستان، ترکیه و اسرائیل، نابودی و ریشه کنی حزب توده ایران و نابودی اندیشه های اصیل چپ در جامعه ما بود، که ارتجاع آن را رقیب جدی و خطرناک خود می دانست.

دستگیری هزاران توده ای، که ریشهری، دادستان وقت بیداگاه انقلاب رژیم، شمار آنان را تا ده هراز نفر تخمین زد، و در پی آن شوهای تلویزیونی اعلام "انحلال حزب توده ایران" از سوی کسانی که تسلیم فشارهای مزدوران رژیم شده بودند و سپس صدور فرمان "معرفی" توده ای ها به ارگان های امنیتی از سوی این افراد ضربات سختی را به اعتبار سیاسی و توان تشکیلاتی حزب توده ایران وارد آورد. ابعاد این ضربات و دشواری های سیاسی و تشکیلاتی نه تنها در تاریخ حزب ما، بلکه در تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان کم نظیر است. کم نبودند نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی جهان، که ضمن اشاره به ابعاد جهانی کارزار ضد کمونیستی، که در پی شوهای تلویزیونی رژیم به راه افتاده بود، از حزب توده ایران می خواستند تا قاطعانه با این موضع شرکت کنندگان در این شوها برخورد کند.

بازنگری نوشته ها و موضع گیری های سران رژیم در آن روزها گواه این حقیقت روشن است که برای مرتجعان حاکم، درهم کوبیدن تشکیلات حزب توده ایران و مختل کردن فعالیت های سیاسی و افشاگرانه آن، خصوصا، بر ضد جنگ خانمان سوز ایران و عراق، و شعار ضد ملی "جنگ، جنگ تا پیروزی"، از پیروزی در جبهه های جنگ مهم تر بود و خمینی برای این "پیروزی" از "سربازان گمنام امام زمان"، که کسانی جز مزدوران سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و عوامل "سیا"، "موساد" و "اینتلجنس سرویس" نبودند، قدردانی کرد.

یورش تبلیغاتی گسترده رژیم بر ضد حزب توده ایران، از طریق برگزاری شوهای تلویزیونی وسیع قربانیان شکنجه و شرکت معدودی از افراد رهبری وقت حزب در جریان دادگاه افسران توده ای، در کنار دادستان بیداگاه های انقلاب، و همچنین فعالیت های وسیع و چندگانه ارگان های امنیتی رژیم برای پراکندن جو بی اعتمادی، سوء ظن و جلوگیری از ادامه فعالیت های حزب توده ایران، در داخل و خارج از کشور، بخشی از اهداف استراتژیک رژیم برای فلج کردن باقی مانده حزب ما و کشاندن آن به سمت چند پارگی و در عین حال متزلزل کردن پایه های اعتقادی و بی اعتبار کردن تاریخ مبارزات حزب توده ایران، به عنوان قدیمی ترین سازمان سیاسی و انقلابی میهن ما بود.

از سرگیری فعالیت حزب توده ایران پس از وقفه کوتاهی، که موسوی اردبیلی، به عنوان رئیس وقت قوه قضائیه کشور، با اذعان به ریشه های عمیق حزب ما در جامعه ایران، به آن اعتراف کرد، و سپس برگزاری پلنوم ۱۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آذر ماه ۱۳۶۲، به مسئولیت رفیق علی خاوری، به عنوان یگانه عضو هیئت سیاسی و هیئت دبیران حزب باقی مانده از هیئت سیاسی، و انتخاب کمیته مرکزی و هیئت سیاسی جدید حزب، نشانگر شکست رژیم استبدادی برای ریشه کنی حزب ما بود.

دوران ۲۶ ساله اخیر حزب توده ایران، افزون بر ضربات پی در پی تشکیلاتی و تبلیغاتی دستگاه های وسیع سرکوب رژیم ولایت فقیه، با واقعه فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی نیز رو به رو بوده است. این حوادث تأثیر ویرانگری را در روند درهم شکستن صفوف متحد بسیاری از احزاب کارگری و کمونیستی نیرومند جهان بر جای گذاشت و شماری از این احزاب را تا سر حد انحلال پیش راند. در چنین شرایطی بود که کمیته مرکزی منتخب حزب توده ایران تلاش گسترده یی را برای حفظ وحدت سیاسی و تشکیلاتی و نیفتادن به دام "راست روی" و "چپ روی" به کار گرفت. به رغم همه اعلامیه پراکنی ها، فراخوان دادن کسانی که در صفوف حزب پرچم مخالفت را زیر شعارهای "نواندیشی"، "دگرگونسازی"، "به راه ارانی رفتن"، خط کشی با "سیاست های فاجعه بار پس از انقلاب"، و "وابسته و منحرف" دانستن حزب، بلند کرده بودند، رهبری حزب با اتکاء به پایبندی اکثریت رفقای حزبی در داخل و خارج از کشور توانست همچنان پرچم خونین مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما در اهتزار نگاه داشته و بر خلاف همه پیش بینی ها و امیدهای مخالفان مبنی بر نابودی کامل حزب، پس از فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی، دگرباره به پاخیزد و پر تأثیر بر حوادث کشور به مبارزه خود ادامه دهد. نگاهی به تاریخ نزدیک به هفت دهه مبارزات حزب توده ایران نشانگر روند های مشابه یورش ارتجاع برای ضربه زدن و نابودی حزب ما بوده و هست. نقاط مشترک این روند ها را می توان در تلاش برای بی صلاحیت نشان دادن رهبری حزب؛ بی اعتبار کردن تاریخ مبارزات حزب توده ایران؛ و سرانجام زیر ضربه بردن سیاست های مبارزاتی روز حزب خلاصه کرد.

انشعابات و چند دستگی در صفوف مبارزان راه آزادی و انقلابیون ویژه تاریخ میهن ما و حزب توده ایران نبوده و نیست. لنین در تشریح گسست رفیقان نیمه راه در دوران های مشکل مبارزه می نویسد: "سال های ۱۹۰۷ –۱۹۱۰ ارتجاع تزاریسم پیروز شد. همه احزاب انقلابی و اپوزیسیون درهم شکسته شدند. انحطاط، فساد اخلاقی، تفرقه و ارتداد و هرزه نگاری جایگزین سیاست گردید. کشش به سوی ایده آلیسم فلسفی شدت یافت ... ولی در عین حال همین شکست بزرگ به احزاب انقلابی درس حقیقی و سودمند ترین درس، یعنی درس دیالکتیک تاریخی، درس استنباط و توانایی و فن مبارزه سیاسی را یاد داد. دوستان در روزهای بدبختی شناخته می شوند و ارتش های شکست خورده خوب درس می گیرند..." (به نقل از بیماری کودکی چپ روی در کمونیسم، منتخب آثار ص ۷۳۷).

بر گزاری سومین کنگره حزب توده ایران، در بهمن ماه ۱۳۷۰، یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴۳ سال از کنگره دوم حزب، و در اوج تبلیغات همه جانبه رسانه های امپریالیستی در مورد شکست تاریخی سوسیالیسم و هم صدایی وازدگان وطنی، و تصویب برنامه و اساسنامه حزب با حراست و پایداری دلیرانه از ماهیت طبقاتی و جهان بینی مارکسیستی–لنینیستی حزب توده ایران در آن دوران دشوار تاریخی دست آورد با اهمیتی است که همه توده ای ها به حق به آن با غرور و سربلندی می نگرند.

بدیهی است که چنین موفقیت های حزب ما نمی توانست با بی تفاوتی ارگان های سرکوب و رهبران رژیم ولایت فقیه که برای نابودی حزب توده ایران امکانات گسترده یی را به میدان آورده بودند، رو به رو گردد. تاریک اندیشان حاکم با درک خطر جدی یی که از سوی ادامه این فعالیت های منسجم حزب و مقبولیت سیاست های درست و علمی آن می توانست منافع آن را تهدید کند دور تازه ای از کارزار تبلیغاتی را برای فلج کردن و در انتها نابودی حزب توده ایران آغاز کردند.

این بار نیز یورش دستگاه های امنیتی رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران نیز از همان ویژگی های بالا برخوردار بود. رژیم خوب می

ادامه در صفحه ۴

ادامه درباره وحدت حزب...

دانست که اگر بتواند رهبری و سیاست های حزب توده ایران را بی اعتبار نماید آنوقت خواهد توانست نه تنها به وحدت صفوف حزب توده ایران لطمه بزند بلکه خواهد توانست روند حزب سازی و "رهبر تراشی" را با امکانات جدیدی دنبال کند. انتشار نشریه ضد توده ای "راه توده"، با هدایت ارگان های امنیتی رژیم و تائید و پشتیبانی نویسنده مقاله «برای پیش برد انقلاب مبارزه کنیم!» با امضای مستعار ا.ک. که در نشریه راه توده در پنهان داشتن هویت اصلی آن تلاشی نشده بلکه به انحاء مختلف برجسته و از آن نیرو و کسب مشروعیت شده است، اقدامی بود که در مسیر فروپاشی بقایای بدنه جان سالم بدر برده از ضربات مهلک رژم صورت می پذیرفت. آیا مطلب افشاکننده در نشریه "راه آزادی" درباره "راه توده" (با اتکاء به گفتگوهای فریبرز بقایی، عضو سابق مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران، و از رهبری وقت حزب که توسط رژیم از زندان آزاد شد)، و انتقال مبالغ هنگفتی از سوی دادستان وقت انقلاب از حساب بانکی فریبرز بقایی برای راه اندازی نشریه "راه توده" نمی تواند سمت و سوی اشتیاق دستگاه های امنیتی رژیم را نشان دهد؟ (نگاه کنید به نشریه "راه آزادی"، شماره ۸۷، صفحه ۲۹).

در پی انتشار نشریه "راه توده" و در کنار موجی از خاطره نویسی های تنظیم شده در دستگاه های امنیتی رژیم، نامه ای به نام "ا.ک"، از درون خانه های امن وزارت اطلاعات رژیم برای دست اندرکاران "راه توده"، به عنوان مانیفست مبارزاتی این جریان بر ضد حزب توده ایران و سیاست های جاری آن ارسال شد. محتوای این نامه همچون تمامی حملات پیشین دشمنان حزب ما در چند اصل اساسی خلاصه می شد.

۱.مبارزه با سیاست های حزب ما یعنی مبارزه برای نفی و بی اعتبار کردن سیاست طرد رژیم ولایت فقیه به عنوان حلقه اساسی مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم. نامه "آ.ک" " توده ای ها را به جدایی از سیاست "خانمان برانداز طرد ولایت فقیه و دفاع از انقلاب" فرا می خواند (نشریه ضد توده ای "راه توده"، شماره ۲۴، ص ۱۲) ؛

۲.زیر سئوال بردن سیاست مبارزاتی حزب به منظور حمایت از رژیم جمهوری اسلامی زیر پوشش "نبرد که برکه" (دفاع از هاشمی رفسنجانی به عنوان جناح چپ رژیم و طرح این وظیفه که: "نه تنها خود باید از این جناح دفاع کنیم، بلکه باید تمام قدرت خود را به کار گیریم، تا سایر نیروهای انقلابی را نیز، اگر تردیدی دارند متقاعد کنیم، که به حمایت از آنها بر خیزند" (همانجا) و

۳. تشویق توده ای ها به صف شکنی و انشعاب از حزب با این شعار که "تاریخ فردا هیچکس را مواخذه نخواهد کرد" (همانجا).

جنگ روانی–تبلیغاتی ارگان های امنیتی رژیم ولایت فقیه بر ضد حزب توده ایران، در سال های پس از ضربات ۱۳۶۱ از ابعاد و پیچیدگی های گوناگونی برخوردار بوده است. حزب ما در این سال ها اسناد گوناگونی را از میان گزارش های رسیده از درون سیاه چال های رژیم جمع آوری کرده است که تصویر نسبتاً روشنی از وقایع زندان و عملکرد رژیم در زندان ها را به دست می دهد. در این زمینه باید با قاطعیت گفت که هیچکدام از برنامه ها و عملکرد های رژیم، چه در انتخاب انبوه توده ای هایی، که در جریان فاجعه ملی به جوخه های مرگ سپرده شدند، تا رهایی شمار معدودی از رهبران سابق حزب از زندان و سپس اجازه فعالیت سیاسی–انتشاراتی دادن به آنها اتفاقی نبوده است. این آزاد سازی ها همچنین به خاطر خوش شانسی در "قرعه کشی" مرگ رژیم، در جریان کشتار فاجعه ملی، و یا پادر میانی شخصیت های جنبش کمونیستی جهانی برای آزادی افراد خاصی نیز نبوده است. همه این روند ها و وقایع را بدون تردید باید بخشی از برنامه های طولانی مدت رژیم برای حزب سازی، "رهبر تراشی" و دامن زدن به چند دستگی در صفوف حزب توده ایران ارزیابی کرد.

در تمامی این سال های دشوار حملات قطع ناشدنی ارگان های امنیتی رژیم، که آخرین نمونه آن را می توان در انتشار کتاب ۱۲۰۰ صفحه ای "تاریخ حزب از آغاز ..."، با کمک خائنین به حزب و تاریخ نویسان وزارت اطلاعات دانست، بخش اساسی یی از تلاش کمیته مرکزی حزب ما متوجه حفظ وحدت و یکپارچگی حزب بوده و خواهد بود. کمیته مرکزی حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که صف واحد و اتحاد آهنین اکثریت رفقای توده ای، یکی از عناصر اساسی حفظ ادامه کاری مبارزه حزب و عقیم گذاشتن توطئه های ارتجاع حاکم برای نابودی حزب ماست. در این سال های دشوار افزون بر کسانی که راه خود را به کلی از حزب ما جدا کردند، شماری از اعضاء و هواداران حزب نیز زیر تأثیر این کارزار مهیب تبلیغاتی رژیم و دستگاه های امنیتی آن از صفوف حزب ما جدا شدند که مایه تأسف عمیق حزب است و صمیمانه امیدواریم که این افراد بتوانند با تحلیل این شرایط و درک این کاستی ها دوباره به صفوف حزب بپوندند.

در کنار این پدیده ما در سال گذشته با فراخوان های گوناگونی برای "وحدت حزب" رو به رو بوده ایم. ویژگی این فراخوان ها نفی کامل وجود حزب توده ایران و کمیته مرکزی منتخب آن و جا انداختن این نظر است که پدیده ای به نام حزب توده ایران وجود خارجی ندارد و تنها "طیف های گوناگون توده ای" با نظرات سیاسی مختلف حول نشریات و پایگاه های اینترنتی معینی وجود دارند و راه "وحدت حزب توده ایران" از طریق مذاکرات این گروه ها و "طیف ها"ی رنگارنگ می گذرد.

بدیهی است که پیام وحدتی که در آن عملاً وجود حزب توده ایران و کمیته مرکزی منتخب کنگره های سوم، چهارم و پنجم حزب توده ایران به کلی نفی شده است و تاریخ حزب توده ایران با یورش رژیم جنایتکار ولایت فقیه، در بهمن ماه ۱۳۶۱، پایان یافته تلقی می شود، را نمی توان از سر دلسوزی و با هدف دستیابی به وحدت حزب ارزیابی کرد.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن هشدار باش نسبت به توطئه های گوناگون ارگان های امنیتی رژیم که وحدت و یکپارچگی حزب توده ایران، و اتحاد عمل و نزدیکی نیروهای ملی و آزادی خواه میهن را هدف قرار داده است از همه رفقای توده ای در داخل و خارج از کشور می خواهد که با هوشیاری و دقت به مقابله با برنامه های ارتجاع حاکم بپردازند. حزب ما امروز بیش از هر زمان دیگری به تقویت صفوف خود و تلاش واحد توده ای ها برای گسترش مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه نیازمند است. صحت سیاست ها و ارزیابی های راه گشای حزب ما در کوره آزمایش های دشوار نبردهای سیاسی دو دهه اخیر، اعتبار روز افزون حزب توده ایران به عنوان یکی از گردان های نیرومند جنبش کارگری و کمونیستی جهان، که در حمایت پیگیر و وسیع آنها از کارزارها و سیاست های مبارزاتی حزب ما و انتشار تحلیل های آن در اسناد گوناگون نشست های احزاب کارگری جهان مشهود است، در کنار تأثیر روز افزون اندیشه های توده ای در مبارزات روز مره کارگران و زحمتکشان، جوانان و دانشجویان و زنان مبارز میهن ما نشانگر در اهتزاز بودن پرچم ظفر نمون مبارزات طبقه کارگر ایران و متحدان آن بر ضد رژیم استبدادی حاکم است. حفاظت از این ارثیه گرانقدر جنبش دیرپای طبقه کارگر ایران، حفاظت از حزب ارانی ها، روزبه ها، مبشری ها، سیامک ها، کیوان ها، حکمت جوها، تیزابی ها، رحمان هاتفی ها، کی منش ها، حسین پورها، شناسایی ها و فاطمه مدرسی ها، عهد مقدسی است که کمیته مرکزی حزب ما و تک تک اعضاء و هواداران حزب به آن پایبند بوده و پایبند خواهند ماند. شکست توطئه های پی در پی رژیم ارتجاعی و ضد مردمی ولایت فقیه، برای نابودی حزب توده ایران، در طول همه این سال های گذشته شاهد نیرومند و انکار ناپذیر حقانیت مبارزه حزب و رهبری آن در سال های اخیر است.

نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۸۷

تصحیح و پوزش

در شماره ۸۰۵ نامه مردم، بخش انتهایی پیام رئیس جمهوری برزیل، لولا، که قرار بود در صفحه ۱۱ درج شود متأسفانه در صفحه بندی صفحه ۱۱ نیامده است. همچنین در صفحه ۱۰، ستون اول، پارگراف ششم، در قسمت بیانیه کنفرانس جمله : "در یک سو صلح جهانی" نادرست و "در یک سو خطرات بزرگی بر ضد صلح جهانی" درست است.

ادامه گزارس هیئت سیاسی ...

مردمی این دولت را نشان دهد. یکی از شعارهای دولت احمدی نژاد، احیای اقتصاد و تولید ملی بود. اما واقعیت کدام است. نشانه های روشن احیای اقتصادی و تولید ملی را قاعدتا باید در بازسازی و احیای صنایع داخلی، رشد تولیدات داخلی، رهایی از وابستگی اقتصادی کشور به درآمد نفت، بهبود وضعیت بازار کار و کاهش جدی تورم جستجو کرد. به این مسئله نیز باید اشاره کرد که دوره دولت احمدی نژاد مصادف بوده است با رشد قیمت نفت به بشکه یی ۱۴۰ دلار، و درآمد نفتی ایران در این دوره به شکل قابل توجهی بیش از در آمد نفتی دولت های قبلی، خاتمی و رفسنجانی، بوده است. بر اساس آمار موجود، در ۸ سال دوره ریاست جمهوری هاشمی، یعنی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، دولت مجموعا ۱۲۶ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت. در دوره ریاست جمهوری خاتمی، از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، دولت ۱۷۳ میلیارد دلار درآمد نفتی داشت و دولت نهم، پیش از پایان دوره چهار ساله اش، ۱۹۸ میلیارد دلار درامد نفتی داشته است. توجه کنید که بر اساس این آمار دولت احمدی نژاد بیش از دو دوره دولت هاشمی و دو دوره دولت خاتمی درآمد نفتی داشته است و بنابراین دولت از نظر توان مالی در شرایطی بوده است که می توانسته در عرصه های گوناگون اقتصادی، از جمله کاهش فقر و محرومیت و کمک به بازسازی تولید ملی، گام های موثری بردارد.

رفقا!

حزب ما همواره بررسی سیاست ها و راه کارهای اتخاذ شده از سوی دولت های گوناگون را به طور مستقیم با ماهیت طبقاتی این دولت ها وابسته دانسته و می داند. کم نبودند نیروهای سیاسی که پس از روی کار آمدن احمدی نژاد، و با اتکاء به شعارهای پوپولیستی احمدی نژاد، دولت او را از نظر سیاست های اقتصادی دولتی "رادیکال و حامی زحمتکشان" معرفی می کردند، و حزب توده ایران را به خاطر دفاع نکردن از دولت جدید به باد انتقاد می گرفتند و به "راست روی" متهم می کردند.

بررسی سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت احمدی نژاد، ویژگی های مشخصی را در زمینه سمت و سوی این دولت وابسته به کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک کشور، نشان می دهد. جهت گیری عمده سیاست های اقتصادی –اجتماعی دولت احمدی نژاد و برخی پیامدهای آن را می توان در عرصه های زیرین خلاصه کرد:

حرکت قاطع به سمت خصوصی کردن بیش از پیش بخش های اساسی صنایع و واحد های تولیدی کشور

بحث بر سر جهت گیری اقتصادی کشور، از همان فردای انقلاب یکی از مهم ترین عرصه های نبرد نیروهای مترقی و ارتجاع بود، و پذیرش "اصل ۴۴" در قانون اساسی از دست آوردهای انقلاب بهمن بود که در دوران دولت احمدی نژاد، با فرمان ولی فقیه رژیم، باز پس گرفته شد. تبعات چنین سیاست هایی انطباق بیش از پیش سیاست های کلان رژیم با رهنمودها و سیاست هایی است که از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در کشورهای مختلف، به آزمایش گذاشته شده است و اثرات فاجعه بار آن را در کشور های در حال رشد جهان، به خوبی می توان دید. در پی انتشار ابلاغیه ولی فقیه در زمینه "اصل ۴۴" در سال ۱۳۸۶، "صندوق بین المللی پول" به گرمی از این سیاست ها استقبال کرد، و در گزارشی پیرامون چشم انداز اقتصادی ایران از جمله نوشت: "دولت اخیرا روند خصوصی سازی را با قوت بیشتری دنبال می کند. بر اساس ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی که از سوی آیت الله خامنه ای اعلام شد، بیش از ۸۰ درصد شرکت های دولتی باید تا ۱۰ سال آینده به بخش خصوصی واگذار شود. ابلاغیه اصل ۴۴ روح و جان تازه ای به برنامه خصوصی سازی بخشید. برنامه خصوصی سازی شرکت های دولتی ایران تا پایان برنامه پنج ساله پنجم کامل خواهد شد. "

همه آمار های اقتصادی در سال های اخیر از روند نزولی تولید داخلی و نابودی صنعت ملی حکایت می کند. بسیاری از واحد های خصوصی شده، که عمدتا به وابستگان رژیم و کلان سرمایه داران واگذار شده است در اندک مدتی تکه تکه شده و به حراج گذاشته شده است و نیروی کار آنها به انبوه بیکاران کشور افزوده شده اند.

روزنامه "سرمایه" درباره وضعیت دشوار تولید و صنایع داخلی در گزارشی با عنوان "سال سخت صنعت"، از جمله نوشت: "سال ۱۳۸۷ سال سختی برای تولید کننده داخلی خواهد بود، چه در بازار داخلی چه در بازار خارجی. صنایعی چون صنایع بهداشتی و آرایشی، صنایع دارویی، لوازم خانگی، صنایع الکترونیک، نساجی و پولاد، تولید قطعات خودرو با مشکلات جدی روبرو خواهند بود." همین روزنامه، ۲۴ بهمن ماه ۱۳۸۶، در گزارشی به ورشکستگی واحدهای تولید کننده کودشیمیایی، تاخیر در پرداخت اعتبارات بانکی برای توسعه صنعت گاز، و ورشکستگی صنعت برق ایران، اشاره کرده و از جمله نوشت: "دبیر سندیکای صنعت برق در گفت و گو با سرمایه گفت بخش برق وزارت نیرو قادر به تسویه بدهی های خود نیست و شرکت های فعال در صنعت برق به خاطر بدهی ها و از دست دادن اعتبار خود نزد بانک ها ادامه حیات برایشان امکان پذیر نیست. صنعت برق طی سنوات اخیر توانایی خدمت رسانی در داخل کشور را از دست داده و به زودی کشور به وارده کننده تجهیزات صنعت برق تبدیل خواهد شد."

بحران فقط به یک بخش تولیدات داخلی کشور مربوط نمی شود بلکه تمامی صنایع داخلی را در بر گرفته است. در پی سیاست خصوصی سازی، و قطع حمایت از تولید داخلی به وسیله پرداخت یارانه و یا افزایش تعرفه های گمرگی (که حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری جهان، از جمله آمریکا برای حمایت از تولید داخلی اعمال می شود)، صدها واحد تولیدی کشور تعطیل گردیده است. به عنوان نمونه رسانه های گروهی گزارش دادند که اختصاص یارانه به تولید کنندگان کود شیمیایی متوقف شد، و در نتیجه ۳۰۰ واحد تولیدی و کارخانه تولید کود شیمیایی به طور کامل تعطیل گردید. با قطع یارانه به تولید کنندگان سیمان از این پس محصولات خارجی با قیمتی به مراتب ارزان تر از تولید داخلی وارد کشور شده و صنایع کشاورزی ایران به ویژه کشت محصولات استراتژیک، از لحاظ کود و سم به تکنولوژی خارجی وابسته می گردد. بر اساس همین گزارش ها با تعطیلی این ۳۰۰ واحد تولیدی نزدیک به ۱۵ هزار کارگر از کار بیکار شدند. نمونه دیگر از این سیاست ها را می توان در زمینه عدم حمایت دولت از تولید داخلی پولاد کشور ملاحظه کرد. اتخاذ سیاست درهای باز و سیل واردات کالا به کشور از سوی دولت باعث کاهش ۲۵ درصدی میزان تولید پولاد کارخانه ها طی دو ماهه اول سال ۱۳۸۶، در مقایسه با مدت مشابه سال قبل شد. رییس انجمن تولید کنندگان پولاد ایران، در این باره گفت:" اختصاص سه درصد از اعتبارات طرح های تملیک سرمایه به وزارت بازرگانی برای واردات پولاد در حالی صورت می گیرد که تولید کنندگان داخلی با مشکل تامین مواد اولیه مواجه اند و در صورتی که این اعتبار در جهت تامین خوراک کارخانه ها هزینه می شد علاوه بر ایجاد تولیدی پایدار به اشتغال زایی و ایجاد ارزش افزوده هم دست می یافتیم." او سپس با انتقاد شدید از سیاست حمایت از واردات خارجی، یاد آوری کرد:"۵ /۱ میلیون تن پولاد از کشور چین طی ۲ ماه اول امسال وارد کشور شده است، به صلاح کشور نیست که ظرفیت کارخانه های داخلی فعال نباشد و در مقابل به واردات پولاد اقدام کنیم."

نکته قابل تأمل دیگر، تأثیر سیاست ها و جهت گیری های دولت در برخورد با صنایع و تولید داخلی، چه از طریق خصوصی سازی واحد های تولیدی سود ده و چه از طریق عدم حمایت مرکزی از توان تولیدی کشور و حفاظت از آن در مقابل سیل واردات خارجی، ادامه روند وابستگی اقتصادی کشور به در آمد ارزی از فروش نفت است. با نابودی بخش های وسیعی از امکانات تولید داخلی، و در نبود سیاست مشخصی برای ایجاد صنایع نوین متکی بر فن آوری، در سال های اخیر، کشور همچنان در حصار اقتصادی تک محصولی باقی مانده است، و حیات اقتصادی ایران به شکل گسترده یی به تحولات بازار نفتی جهان گره خورده است. بر اساس آمار رسمی رژیم سهم در آمد نفتی از تولید ناخالص داخلی بالای ۵۰ درصد است و افزون بر این ۸۰ در صد واردات کشور از محل در آمدهای ارزی کشور از طریق فروش نفت تأمین می شود. بر اساس همین آمار، درآمدهای عمومی دولت به شکل گسترده یی (بالغ بر ۸۵ در صد) وابسته به پول نفت است. بر این اساس، با سقوط قیمت نفت از ۱۴۰ دلار در هر بشکه به نزدیک ۶۰ دلار برای هر بشکه، اثرات فوری و بسیار وسیعی بر وضعیت اقتصادی کشور به همراه خواهد داشت.

بخش همزاد سیاست خصوصی سازی صنایع کشور، همان طور که در برخی از آمارهای بالا روشن می گردد، **گشودن بیش از پیش بازار های کشور به روی کالاهای مصرفی خارجی، لطمه زدن به تولید داخلی و افزایش بدهی های ایران** است. بر اساس گزارش گمرک کشور، فقط درچهار ماهه نخست سال ۱۳۸۷، به موازات کاهش شدید رقم و نیز وزن واردات مواد اولیه صنعتی، که به دلیل تحریم ها صورت گرفته، کالاهای مصرفی لوکس خارجی مانند انواع خودروهای شخصی، ماشین لباس شویی تمام اتوماتیک، یخچال، سیگار، لوازم صوتی، لوازم دکوراسیون، لوازم آرایشی و نظایر آن، افزایش سرسام

ادامه در صفحه ۶

ادامه گزارش هیئت سیاسی ...

آور یافته است. پایگاه خبری "تابناک"، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۷ دراین باره نوشت: "گمرک جمهوری اسلامی ایران با انتشار گزارش بازرگانی خارجی کشور درچهارماهه نخست سال جاری از کاهش واردات صنعتی و افزایش واردات مصرفی و کالاهای لوکس و تجملاتی خبر داد. بر اساس این گزارش، واردات خودروهای سواری آخرین مدل خارجی طی چهار ماهه نخست امسال با رشد ۹۰ درصدی روبرو بوده و از ۱۱ هزار دستگاه درمدت مشابه سال قبل به ۲۱هزار دستگاه رسیده است و این درحالیست که ارزش متوسط هر خودرو ۲۰ هزار دلار بوده است." همچنین روزنامه "سرمایه" در گزارش ۱۳ مرداد ماه ۱۳۸۷، در زمینه رشد واردات کشور، از جمله افشا کرد که مقامات دولت احمدی نژاد خواستار هشت میلیارد دلار بودجه مازاد برای واردات بنزین درسال جاری هستند. این روزنامه نوشت: "دیروز دوشنبه ۱۲ مرداد ماه، معاون وزیر نفت درامور پالایش و پخش فرآورده های نفتی درجمع خبرنگاران تاکید کرد، برای واردات بنزین تا پایان سال جاری به هشت میلیارد دلار بودجه مازاد نیاز است، یعنی دولت مایل به حداقل واردات ۱۱میلیارد دلاری بنزین است."

مسئله دیگر اینکه، با وجود افزایش تصاعدی در آمد ارزی نفت، بدهی های خارجی ایران در طی دوران دولت احمدی نژاد نه تنها کاهش نیافته بلکه سیر صعودی طی کرده است. روزنامه "کارگزاران"، ۱۹ اسفندماه ۱۳۸۶، به نقل از خبرگزاری "ایسنا" نوشت: "موسسه بیزینس مانیتور در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که بدهی‌های خارجی ایران تا سال ۱۳۹۱ بیش از هشت میلیارد دلار افزایش می‌یابد. بیزینس مانیتور در گزارش سه ماه دوم ۲۰۰۸ خود بدهی‌های خارجی ایران در سال گذشته را ۲۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برآورد و پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال جاری با ۵۰۰ میلیون دلار افزایش به ۲۴ میلیارد دلار برسد. به اعتقاد بیزینس مانیتور، بدهی‌های خارجی ایران طی سال‌های آینده روند رو به رشدی خواهد داشت به طوری که طی سال‌های ۸۷ و ۸۸ بدهی‌های خارجی به ترتیب برابر با ۲۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و ۲۸ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار برای کشور به ثبت خواهد رسید که تداوم روند صعودی این شاخص را در سال ۸۹ به ۲۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار خواهد رساند. افزایش یک میلیارد دلاری منجر به آن خواهد شد که مجموع بدهی‌های خارجی کشور در سال ۱۳۹۰ به ۳۰ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برسد. سال ۱۳۹۱ سالی است که رقم ۳۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برای بدهی‌های خارجی ایران به ثبت خواهد رسید که نسبت به سال ۸۵ از افزایش هشت میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلاری برخوردار است."

همان طور که در بالا اشاره کردیم، دولت احمدی نژاد با وجود درآمد چشمگیر نفت، بخش های عمده یی از بدهی های ایران را، که کشور بابت آنها بهره های کلانی را متحمل می شود، نپرداخته است، بلکه بر اساس آخرین برآوردها بخش های وسیعی از درآمد نفتی ایران "هزینه" شده است، و یا دقیق تر بگوییم، به جیب وابستگان نظامی دولت و دیگر سران رژیم واریز شده است. بیژن زنگنه، وزیر پیشین جهاد و نفت، در مطالبی که در هفته های اخیر مطرح کرد (آبان ۱۳۸۷)، ضمن اشاره به در آمد ۱۹۸ میلیادر دلاری دولت احمدی نژاد از محل فروش نفت گفت: "براساس برنامه توسعه کشور و مجوز های قانونی صادر شده در حال حاضر باید حدود ۹۶ میلیارد دلار در حساب ذخیره ارزی موجودی باشد ولی براساس اعلام رسمی وزیر سابق اقتصاد در پایان سال ۱۳۸۶ این رقم ۱۶ میلیارد دلار است هرچند این روزها شنیده می شود این مبلغ حداکثر ۸ میلیارد دلار است در نتیجه هزینه کرد ۸۰ میلیارد دلار مابه التفاوت محل سوال و اشکال است. "

رفقای گرامی !

ثمره مستقیم حمایت آشکار از سرمایه داری کلان تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک، که مدیریت دستگاه دولتی کشور را در دست فاسد ترین عناصر وابسته به سران رژیم قرار داده است، از جمله **رشد نقدینگی بخش خصوصی، یعنی ثروت سیال کلان سرمایه داران کشور، رشد تورم، و تشدید بی سابقه محرومیت و فقر در سطح جامعه ما** بوده است. لطمات این مجموعه سیاست های ضد ملی بیش از پیش متوجه کارگران، زحمتکشان، کارمندان و همه محرومان جامعه است. رفقا به یاد دارند که دولت احمدی نژاد در نخستین بودجه خود مبارزه با فقر و محرومیت ها را در صدر برنامه های خود قرار داده بود. در همان دوران، خبرگزاری "کار ایران" (ایلنا) در گزارشی، که ۱۶ دی ماه ۱۳۸۴، درست پیش از انتشار نخستین بودجه دولت احمدی منتشر کرد، از جمله نوشت: "بر اساس اینکه دولت خط فقر را ۲۵۰ هزار تومان تعیین کرده، بخش اساسی یی از کارمندان دولت زیر خط فقر زندگی می کنند. وجود چنین معضلی، یعنی فقر، باعث رشد رشوه خواری، افزایش دختران فراری، کار کودکان شده است. در حال حاضر کلیه مخارج زندگی ۲ برابر شده [۲۰۰ درصد افزایش]، در حالی که درآمد افراد تنها ۳۰ درصد افزایش یافته و این افزایش ها هیچ تناسبی با یکدیگر ندارند."

حال ببینیم حاصل عملکرد چهار ساله دولت احمدی نژاد چه بوده است. اگر چه یافتن آمار دقیق و قابل استناد در زمینه فقر در ایران بسیار مشکل است، ولی از میان آمار موجود می توان به این نتیجه قطعی رسید که وضعیت فقر و محرومیت در دوران دولت احمدی نژاد بسیار بدتر از گذشته شده است. به عنوان نمونه نتایج مطالعات اخیر بانک مرکزی نشان می دهد که افراد زیر خط فقر در ایران در دو سال نخست دولت نهم بیشتر شده و از ۱۸ درصد به ۱۹ درصد جامعه رسیده اند، که بر اساس آن، اکنون چهارده میلیون نفر زیر خط فقر به سر می برند. پایگاه خبری "نواندیش"، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷، از قول علی عسگری، معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری گفت: "طبق شاخص اقتصادی اعلام شده حدود ۲۰ درصد جمعیت زیر خط فقر هستند. این شاخص برای جامعه اسلامی که اخوت حرف اول را می زند خوب نیست. این با وجودی است که دولت هر سال چهار تا پنج هزار میلیارد تومان کالاهای اساسی را توزیع می کند اما باز نیز گروهی بهره مند نیستند."

علی عسگری در میزگرد اقتصاد تشکل های دانشجویی در محل "نهاد نمایندگی مقام رهبری" در دانشگاه ها افزود: "همچنین بیش از ۶۰ درصد درآمد در اقتصاد در دست ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت است و بقیه درآمد دست افراد دیگر است و این همان توزیع نابرابر فرصت هاست."

براساس همین اعترافات معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری: ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر زیر خط فقر هستند.

ابعاد تشدید فقر و بیکاری هنگامی روشن تر می شود که به ارقام تورم و بالا رفتن هزینه های زندگی نیز توجه کرد. بانک مرکزی رژیم، در شهریور ماه ۱۳۸۷، گزارش داد: "قیمت برخی مواد غذایی در مقایسه با ماه گذشته یعنی در عرض فقط ۱ ماه بیش از ۴۰ تا ۴۵ درصد افزایش را نشان می دهد." بر اساس این گزارش، قیمت گوشت مرغ، شیر و فرآورده های شیری مانند کره، پنیر، خامه و ماست افزایش یافته و بیش از ۲۵ درصد رشد داشته است. برنج و حبوبات نیز از رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی برخوردار بوده اند. در عرض یک هفته قیمت انواع گوشت قرمز اعم از گوسفند، گوساله و گاو به ترتیب ۲/ ۷ ، ۲/ ۹ و ۳/ ۵ درصد افزایش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت گوجه فرنگی، خیار و کاهو بین ۸ /۱تا ۸ /۱۲ درصد رشد پیدا کرد و قیمت چای ۱/ ۵ درصد افزایش یافت. این گرانی سرسام آور و هولناک دراوضاعی صورت می پذیرد که دستمزد مزد بگیران کشور درسال جاری کماکان ثابت مانده و از نرخ واقعی تورم پایین تر است. روزنامه "سرمایه" ۳ مهرماه ۱۳۸۷ در خصوص ارتباط تورم با حقوق زحمتکشان کشور از جمله کارمندان دولتی نوشت: " بودجه جبران خدمات کارکنان دولت درسال ۸۷ نسبت به سال ۸۶ بیش از ۱۴ درصد افزایش پیدا کرده اما اضافه حقوق کارکنان دولت تنها ۹/ ۷ درصد افزایش پیدا کرده است. امسال نیز دولت با وجود این که نرخ تورم در سال ۸۶ طبق اعلام بانک مرکزی ۴/ ۱۸ درصد بوده میزان افزایش حقوق کارمندان را تنها ۱۰ درصد اعلام کرد که ۴/ ۸ درصد کمتر از نرخ تورم است."

رفقای گرامی!

بدیهی است که وضع بسیار دشوار معیشتی توده های زحمتکش به نارضائی و اعتراض های رو به رشد آنان دامن زند. ما در سال گذشته شاهد ده ها حرکت اعتراضی کارگری, تظاهرات معلمان کشور، حرکت های وسیع اعتراضی جنبش دانشجویی و همچنین ادامه مبارزات زنان میهن بر ضد دولت و سیاست های آن بوده ایم.

طبقه کارگر ایران در سال گذشته در مقابل آزمون بسیار دشواری قرار داشته است. یکی از عرصه های مهم مبارزات صنفی کارگران، مبارزه بر ضد قرار دادهای موقت است، که با تشویق دولت احمدی نژاد و وزارت کار ضد کارگری آن، رشد بی سابقه ای یافته است. بر اساس آماری که در سال ۱۳۸۷ انتشار یافت، ۸۰ درصد کارگران کشور در کارخانه ها و در بدنه صنایع تولیدی با قراردادهای موقت از ۲ ماه و ۱۰ روز تا ۶ ماه به کار اشتغال دارند. انبوه این کارگران که از زیر چتر حمایتی قانون کار خارج هستند، و در دشوار ترین شرایط اسارت بار قرار دارند. این وضعیت همچنان اثرات مخربی بر تلاش های فعالان

ادامه در صفحه ۷

ادامه گزارس هیئت سیاسی ...

کارگری برای ایجاد و انسجام بخشیدن به تشکل های مستقل کارگری دارد. افزون بر این، دولت احمدی نژاد و مجلس ارتجاع، در ماه های گذشته، زمزمه تغییر قانون کار و باز پس گیری بیش از پیش حقوق کارگران را آغاز کردند که با واکنش جنبش و فعالان کارگری کشور روبه رو شد. حزب ما در سال های اخیر بارها تاکید کرده است که پراکندگی در صفوف کارگران و مبارزات کارگری کشور، به هر دلیل که باشد، مانع از رشد و گسترش جنبش سندیکایی در لحظه حاضر خواهد بود، و در نهایت، این امکان را برای رژیم فراهم می آورد تا با جدا سازی مبارزات کارگران، آنها را جدا از یکدیگر سرکوب کند. تلاش های فعالان کارگری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری با برخورد خشن و سرکوبگرانه مزدوران امنیتی رژیم رو به رو بوده است، و از این رو تلاش ها در این عرصه با دستگیری ها و تشدید فشار بر فعالان جنبش کارگری با دشواری های روز افزونی مواجه است.

رژیم که با رشد نارضایتی توده ها در سطح جامعه رو به روست، به موازات اتخاذ سیاست های ضد مردمی در عرصه اقتصادی و اجتماعی، به منظور جلوگیری از هماهنگ شدن اعتراض های زحمتکشان و در نهایت گسترش این اعتراض ها، سیاست های فشار، و خفقان را تشدید کرده است. ادامه فشار و یورش سازمان یافته بر ضد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و ادامه زندانی بودن منصور اسانلو که هم چنان در شکنجه گاه های رژیم به سر می برد، و نیز تشدید فعالیت ارگان های سرکوب، حتی در "انجمن های اسلامی کار"، و گسترش موج اخراج فعالان کارگری از جمله سیاست هایی است که رژیم به منظور سرکوب جنبش کارگری میهن ما دنبال می کند.

سیاست های سرکوبگرانه رژیم تنها متوجه جنبش کارگری کشور نبوده است، بلکه با همان شدت بر ضد جنبش دانشجویی و مبارزات فعالان جنبش زنان نیز اعمال شده است. جنبش دانشجویی کشور در سال گذشته درگیر برخوردهای وسیعی با ارگان های امنیتی رژیم بوده است. تلاش رژیم برای در هم شکستن تشکل های دانشجویی، انشقاق و جدایی انداختن در صفوف جنبش دانشجویی و همچنین نظامی کردن بیش از پیش فضای آموزشی کشور بوده است. فشار بر ضد فعالان دانشجویی، "ستاره دار کردن" دانشجویان مبارز، دستگیری های وسیع، پرونده سازی و کشاندن دانشجویان مبارز به بیداگاه های قوه قضایی در کنار تشدید فعالیت مزدوران امنیتی رژیم، که زیر لوای "بسیج دانشجویی" در دانشگاه های کشور استقرار یافته اند، در مجموع، ادامه فعالیت های صنفی-سیاسی جنبش دانشجویی کشور را با دشواری های روز افزونی رو به رو کرده است. رژیم با درک فضای رادیکال دانشگاه های کشور و با توجه به اینکه انتخابات ریاست جمهوری آینده در راه است، از هم اکنون مصمم است که توان فعالیت جنبش دانشجویی را تضعیف کند و از شرکت فعال آنان در مبارزه سیاسی روز کشور بر ضد ارتجاع و تاریک اندیشان حاکم بکاهد.

همین سیاست های سرکوبگرانه بر ضد جنبش مستقل زنان کشور نیز با همان شدت اعمال شده است. کارزار فعالان جنبش زنان بر ضد سیاست های ارتجاعی و زن ستیزانه رژیم حاکم، کارزار یک میلیون امضاء برای لغو قوانین زن ستیزانه، و نقش برجسته و ستایش برانگیز فعالان جنبش زنان در جنبش صلح کشور از ویژگی های مبارزات زنان کشور در سال گذشته، بوده است. یکی از عرصه های مهم مبارزه صنفی-سیاسی جنبش زنان در سال گذشته مبارزه آنان بر ضد لایحه ضد مردمی "حمایت از خانواده" رژیم بود که به مجلس هشتم آورده شده بود. وسعت اعتراض های مردمی بر ضد این لایحه ضد انسانی آن چنان بود که مرتجعان حاکم با سنجش میزان مخالفت اجتماعی با این لایحه و با هدف فریب و مهار جنبش زنان اعلام داشتند، برخی نمایندگان مجلس و مسئولان قوه قضاییه به مواد ۲۳ و ۲۵ طرح مذکورایراد و انتقاد داشته و تغییر این دو ماده را دربرنامه خود قرار داده اند. حزب ما در کنار فعالان جنبش زنان، به درستی بر این واقعیت تأکید کرد که همه ایراد و اشکال وارد به لایحه "حمایت از خانواده" به مواد ۲۳و ۲۵ خلاصه نمی شود. روح حاکم بر این لایحه و دیدگاه مطرح در آن شدیدا ضد انسانی، واپس مانده و کاملا به سود نوکیسه گان و قشرهای متمول انگلی ودلال جامعه امروز ایران است. درلایحه "حمایت از خانواده" علاوه بر دو ماده ۲۳ و ۲۵ که به ترتیب مربوط به چند همسری و مالیات بر مهریه است، ازدواج موقت یا همان صیغه، که با نفرت اجتماعی نیز همراه است، با هیچ گونه محدودیت و ضوابط قانونی پی سرو کار ندارد. به عبارتی، لایحه ارتجاعی به اصطلاح "حمایت از خانواده" به مردان "حق" می دهد تا صدها زن "صیغه ای" داشته باشند و این امر احتیاجی به ثبت ازدواج موقت هم ندارد. همچنین در این لایحه، هیچ توجهی به سرنوشت هزاران دختر و زن بی پناه طبقات زحمتکش و محروم که براثر فقر و نابرابری و بی عدالتی اجبارا وادار به ازدواج موقت می شوند، نشده است. برگزاری جلسات اعتراضی گوناگون، تحصن، فعالیت گسترده بین المللی و حرکت اعتراضی پنجاه تن از فعالان جنبش زنان، از جمله خانم شیرین عبادی و حضور آنان در مجلس در اعتراض به این لایحه ضد انسانی سرانجام رژیم را وادار به عقب نشینی موقتی و خارج کردن بندهای ۲۳، ۲۵ و بند چهارم ماده ۵۳ از دستور کار مجلس کرد. این پیروزی جنبش زنان نشان داد که می توان با مبارزه هماهنگ و با بسیج افکار عمومی جامعه ارتجاع را در راه تحقق برنامه هایش با دشواری رو به رو کرد.

از دیگر عرصه های اعمال سیاست های سرکوبگرانه رژیم ادامه فشار و تهاجم بر ضد نویسندگان و هنرمندان کشور بوده است. مجازات های سنگین برای روزنامه نگاران، بستن روزنامه ها، رکود نشر کتاب و ممانعت از آفرینش های هنری، از جمله آثار موسیقی، تئاتری، سینمایی، شعر و داستانی توسط وزارت ارشاد دولت احمدی نژاد، از جمله سیاست های سرکوبگرانه یی است که ما در چهار سال گذشته شاهد آن بوده ایم.

رفقا!

مسئله ادامه سرکوب حقوق خلق های میهن ما همچنان یکی از نمونه های خشن پایمال شدن حقوق و آزادی های دموکراتیک در میهن ماست. بغرنجی های اوضاع منطقه خاورمیانه و کشورهای همسایه ایران، از جمله حضور نیروهای اشغالگر خارجی در عراق و افغانستان، وجود پایگاه های نظامی امپریالیسم در شماری از کشور های همسایه و دخالت های نیروهای خارجی در امور داخلی میهن ما بر دشواری ها و بغرنجی های مبارزات خلق های تحت ستم میهن ما افزوده است. حزب توده ایران همچنان که در اسناد مصوب پنجمین کنگره اش نیز ثبت شده است طرفدار برابری کامل حقوق همه خلق های ایران و اقلیت ها و خواهان اتحاد دواطلبانه آنه آنها در چارچوب میهن واحد، و بر پایه حفظ تمامیت ارضی ایران، است. به اعتقاد ما مبارزه در راه تحقق حقوق خلق های میهن ما بخش جدایی ناپذیری از مبارزه عمومی خلق بر ضد رژیم استبدادی حاکم و برای تحقق آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی در میهن ماست.

از دیگر پدیده های مهم سال گذشته، حرکت ها و تلاش های نیروهای اجتماعی در برپایی جنبش سراسری صلح، برای مقابله با خطر جنگ و حمله آمریکا به ایران بود که طیف نسبتا وسیعی از نیروهای سیاسی، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و بخش هایی از فعالان کارگری را در بر گرفت. این تلاش ها (اگر چه در اینجا و آنجا متأسفانه از چند دستگی نیروهای مختلف مصون نماند) نشان داد که می توان حول شعارهای وسیع، با وجود دیدگاه های سیاسی گوناگون، گردآمد و تلاش مشترکی را بر ضد ارتجاع حاکم و خطراتی که میهن ما را تهدید می کند سازمان دهی کرد. ادامه این تلاش و حرکت به سمت گردهم آوردن و نزدیک کردن بیش از پیش همه این گروه ها، می تواند نمونه ای برای تلاش های بعدی در زمینه های دیگر مبارزاتی باشد. حزب ما، ضمن استقبال از این تلاش ها، خود را بخش جدا ناپذیری از حرکت نیروهای اجتماعی و مترقی میهن می داند که برای سازمان دهی مبارزه مشترک بر ضد ارتجاع تلاش می کنند.

بر پایی این جنبش صلح در درون کشور، که بلافاصله با استقبال وسیع جنبش جهانی صلح رو به رو شد، ریشه در ادامه تنش های خطرناک میان دولت بوش و دولت احمدی نژاد حول مسایل حساس منطقه و سیاست غنی سازی از سوی ایران داشت. ما در نشست گذشته کمیته مرکزی حزب مان، به تفصیل در این باره اظهار نظر کردیم . تنها کافی است یادآوری کنیم که مسئله بحران هسته ای و تنش های بین المللی ناشی از آن، که به صدور قطعنامه هایی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر ضد ایران منجر شد، و بالا گرفتن تشنج در منطقه خلیج فارس میان رژیم ایران و دولت بوش، در حالی که کشورهای همسایه ایران در آتش جنگ، خونریزی و اشغال خارجی با فاجعه عظیم انسانی روبه رو هستند، نمی تواند نگرانی نیروهای ملی و میهن دوست کشور را برنیانگیزد.

حزب تودهٔ ایران، در سال های اخیر، مرتباً بر دفاع از حقوق ملی کشور، از جمله حق بهره وری صلح آمیز ایران از انرژی هسته ای پای فشرده است و مخالفت سرسختانه خود را با هرگونه مداخله خارجی در امور داخلی ایران اعلام کرده است. ما در عین حال اعلام کرده ایم که تبلیغ و بهره برداری از اتخاذ چنین سیاست هایی از جانب رژیم ولایت فقیه به عنوان پرده استتاری برای زیر پا گذاشتن حقوق مردم و منحرف کردن افکار عمومی از دشواری

ادامه در صفحه ۸

ادامه گزارس هیئت سیاسی ...

های فزاینده داخلی و تشدید سیاست های سرکوبگرانه رژیم مورد استفاده قرار می گیرد. بررسی سیاست های تجاوزکارانه و مخرب امپریالیسم در منطقه، که به بهانه های مختلف، به اشغال کامل نظامی دو کشور همسایه ایران و همچنین حضور بی سابقه نظامی آن در خلیج فارس منجر شده است نیز در عین حال مسایل نگران کننده ای است که نمی توان بی توجه از کنار آن گذشت.

حزب ما همچنان بر این عقیده است که، ادامه تشنج های کنونی و احتمال تشدید تحریم های اقتصادی بر ضد ایران، نمی تواند به سود منافع ملی کشور ما باشد. با توجه به نتایج انتخابات آمریکا و شکست سنگین جمهوری خواهان و سیاست های بی اعتبار شده دولت بوش و نیروهای شدیداً دست راستی و جنگ طلب در واشنگتن و با روی کار آمدن دولت باراک اوباما، در ماه های آینده باز شدن چشم انداز تخفیف بحران و گام گذاشتن در راه مذاکرات جدی برای حل زمینه های تشنج در منطقه متحمل است، که برخورد جدی و مسئولانه با این امر از سوی ایران و دولتمردان کشور ما می تواند تأثیر قابل توجهی بر سایر رویدادهای منطقه بر جای گذارد.

تحولات سیاسی کشور و مواضع نیروهای گوناگون

رفقای عزیز!

ما در نشست گذشته کمیته مرکزی نیز اشاره کردیم که انتخابات خرداد ماه ۱۳۸۴ و روی کار آمدن دولت ارتجاعی و ضد مردمی احمدی نژاد، تجربه دردناک و پر هزینه ای برای کشور ما و جنبش اصلاح طلبی و آزادی خواهانه مردم میهن ما بود. درک نادرست از واقعیات جامعه، ارزیابی ناصحیح از امکانات جنبش و سطح سازمان یافتگی آن، یعنی این درک که جنبش مردمی آماده به چالش کشیدن جدی ارتجاع و به زیر کشیدن حاکمیت ، و شعار شرکت در انتخابات و حمایت از معین "پایین تر" از سطح خواست های جنبش مردمی است، در کنار برخوردهای فرقه گرایانه و جدا کردن "خودی ها" از "غیر خودی ها"، و در نهایت، تن دادن به برنامه های ارتجاع، از سوی دولت اصلاح طلبان، ثمرات فاجعه باری را برای مردم ما به همراه داشت. ولی همان طوری که حزب ما و سایر نیروهای ترقی خواه نیز پیش بینی کردند ارتجاع نتواست با اتکاء بر این عقب نشینی موقت جنبش مردمی را نابود ساخته و سکوت قبرستانی را بر میهن ما تحمیل کند و ما در ماه های آخر دولت احمدی نژاد شاهد آن هستیم که شکست ها و عقب نشینی های موقتی پس از انتخابات، کم کم جای خود را به بازگشت نیروهای اجتماعی به صحنه مبارزه، تشدید فعالیت های سیاسی، با وجود همه فشارها، و پیدایش امکانات جدید مقابله با ارتجاع حاکم می دهد.

طیف نیروهای سیاسی کشور نیز در این دوران خالی از تحولات نبوده است. شکاف در جبهه اصلاح طلبان حکومتی، و برپایی حزب "اعتماد ملی" که همچون "حزب کارگزاران" نه یک حزب سیاسی با پایگاه اجتماعی بلکه باید آن را گرد آمدن گروه محدودی دور کروبی و نزدیکان او ارزیابی کرد و همچنین برخی تغییر و تحولات در درون جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در مجموع گردشی به راست را در این طیف نشان می دهد. با توجه به شکست سنگین سیاست های انتخاباتی این طیف (از جمله تعلل و چند دستگی در حمایت از نامزدی معین، به صحنه آمدن کروبی و تسلیم دولت خاتمی در مقابل مداخلات گسترده نیروهای نظامی و انتظامی در انتخابات) و سپس ادامه این سیاست های مماشات گرانه پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و تلاش طیف هایی از این نیروها برای قرار گرفتن زیر چتر حمایت رفسنجانی برای یافتن امکان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی در مجموع صدمات جدی یی را بر اعتبار اجتماعی –سیاسی این نیروها وارد آورد. نمادهایی از این صدمه را می توان در جدایی بخش های عمده ای از جنبش دانشجویی کشور از این نیروها مشاهده کرد.

از سوی دیگر، طیف گسترده ارتجاع، با همه گروه بندی ها و تنش های داخلی بر سر چپاول بیشر منابع کشور، در چهار سال گذشته، و با توجه به شکست دولت احمدی نژاد در عرصه های گوناگون، دستخوش تحولات و درگیری های روز افزونی بوده است. شماری از این نیروها معتقدند که با توجه به عملکرد دولت احمدی نژاد و با توجه به نارضایتی وسیع توده ها از عملکرد این دولت، باید نامزد معتبر تری را برای انتخابات آینده معرفی کرد. حوادث مجلس و جابجایی رهبری مجلس، و روی کار آمدن لاریجانی، به عنوان رئیس مجلس، که در گذشته یی نه چندان دور در پی اختلافات با احمدی نژاد از کار خود کنار گرفته بود، نمونه روشنی از این تنش ها و برخوردهای درونی طیف ارتجاعی حاکم است.

آنچه مسلم است و آن را می توان به روشنی از لابلای سخنان ولی فقیه رژیم مشاهده کرد، این امر است که مجموعه سران ارتجاع و خصوصاً دستگاه های نظامی و انتظامی سرکوب، بر سر جلوگیری از تجدید تجربه دوم خرداد ۱۳۷۶ متفق القول و هم صدا هستند. تجربه انتخابات مجلس در سال گذشته نمونه روشنی از این سیاست واحد ارتجاع برای حفظ شرایط و کنترل کامل امور کشور است. اجازه شرکت محدود به برخی از نمایندگان وابسته به اصلاح طلبان حکومتی، که از فیلتر های گسترده امنیتی شورای نگهبان گذشته بودند، و تازه بخش عمده ای از آنها نیز به دلیل روند تقلبات گسترده انتخاباتی نتوانستند رأی بیاورند، نشان داد که، سیاست مماشات با ارتجاع و تن دادن به "قوانین بازی" یی که از سوی آنها تعیین می شود ثمری جز شکست سیاسی و بدنامی اجتماعی به همراه ندارد.

نکته قابل تأمل دیگر این است که اگر چه در جریان روند انتخابات گذشته ریاست جمهوری و مدتی پس از آن مسئله اتحاد و ائتلاف نیروهای ملی–مذهبی و آزادی خواهان کشور در دستور کار نیروهای سیاسی کشور قرار گرفت و سخن بر سر تشکیل جبهه دموکراسی خواهی به حد برگزاری نشست های مختلف ارتقاء پیدا کرد ولی حاصل مشخص و قابل لمسی از این تلاش ها به دست نیامد. شکاف در جبهه اصلاح طلبان حکومتی، فشار شدید جناح راست به این نیروها برای فاصله گرفتن از نیروهای رادیکال ملی–مذهبی، تأکید بر مرز بندی مرتجعانه "خودی و غیر خودی" و همچنین سیاست های گروه گرایانه و برخی انحصار طلبی ها از جمله عوامل اساسی بی نتیجه ماندن این تلاش ها بود.

انتخابات پیش رو و مواضع ما

رفقای گرامی!

با نزدیک شدن انتخابات آینده ریاست جمهوری بی شک بار دیگر بحث بر سر شرکت یا عدم شرکت و تحریم انتخابات بر فضای سیاسی کشور حاکم خواهد شد. متاسفانه بسیاری از تقابل های نظری سال های اخیر در مقاطع انتخابات های گوناگون را می توان در حد جدل های سیاسی مکانیکی و فاقد درک درست حوادث و نیاز های کشور ارزیابی کرد. به نظر می رسد که در تمامی این سال ها، بدون توجه به همه تحولاتی که در ایران و جهان رخ داده است برای شماری از نیروها هر گونه شرکتی در انتخابات مترادف با راست روی و سازش با رژیم و تحریم انتخابات نماد روشن انقلابی گری و رادیکالیسم بوده و هرگونه لغزشی از این سیاست خیانت آشکار به منافع مردم و کشور است.

همان طور که می دانید، اساس سیاست های حزب ما در سال های اخیر، بر ارزیابی دقیق شرایط کشور، شناخت امکانات جنبش و تلاش در راه ایجاد تغییرات، هر چند محدود، به نفع جنبش مردمی و بدور از درک مکانیکی حوادث، استوار بوده است. حزب توده ایران بر اساس درک خلاق و علمی اش از مارکسیسم–لنینیسم معتقد نبوده و نیست که شرایط گوناگون اجتماعی و مبارزه بغرنج سیاسی در جامعه همواره از یک نسخه پایدار و فرمول واحد پیروی می کند.

رفقا به یاد دارند که حزب ما برای سال های طولانی یی پیش از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، به دلیل مخالفت با همین برخوردهای مکانیکی، و نادرست دانستن و همخوان ندانستن شعار انقلاب سوسیالیستی با اوضاع جامعه ایران، و طرح شعار انقلاب ملی–دموکراتیک به عنوان مرحله واقع بینانه تحولات اجتماعی کشور مورد سرزنش قرار گرفته و به "رویزیونیسم و سازش با بورژوازی" متهم می شد. در سال های اخیر نیز طرح شعار حزب مبنی بر ضرورت مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی و آزادی خواه برای "طرد رژیم ولایت فقیه"، به عنوان نظری که با درک معضلات گوناگون جامعه ما از جمله عدم سازمان یافتگی جنبش های اجتماعی و ضعف نیروهای سیاسی کشور، معتقد است که باید با گذر از مراحل مختلف و موانع گوناگون شرایط را برای تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار در ایران مهیا کرد، در حکم شعاری "راست روانه" و همچون نظری "سازش کارانه درباره رژیم" مورد شدید ترین انتقادات، هم از چپ و هم از راست، قرار گرفته است.

ادامه در صفحه ۹

ادامه گزارش هیئت سیاسی ...

منظور از طرح این دو نمونه تأکید بر این مسئله است که حزب ما همواره با اتکا به ابزار علمی بررسی تحولات طبقاتی جامعه، درک همه تاریک و روشن ها و بغرنجی های مبارزه در کشوری که بخش عمده یی از جمعیت آن را قشرهای بینابینی تشکیل می دهند و با در نظر داشتن منافع طبقه کارگر و زحمتکشان کشور سیاست های خود را تعیین کرده است و در آینده نیز چنین خواهد کرد. بر این اساس، تعیین سیاست ما برای شرکت در این یا آن انتخابات بر شرایط ویژه کشور و امکان تأثیر گذاری توده ها بر روند حوادث کشور استوار است، و نه بر فرمول های مکانیکی غیر قابل تغییر تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی.

در سال های اخیر در آن جایی که حزب به این ارزیابی و جمع بندی رسیده است که شرکت در انتخابات می تواند توازن قوا در جامعه را به ضرر ارتجاع حاکم تغییر دهد و منافع کوتاه یا دراز مدتی برای جنبش مردمی به همراه داشته باشد، از شرکت در انتخابات، به رغم همه فشارها و همه تهمت زنی ها، دفاع کرده است، و در مقاطعی که این امکان وجود نداشته است، از شرکت در انتخابات خودداری کرده است. دو نمونه انتخابات اخیر در این زمینه برای روشن شدن برداشت ها و عملکرد حزب ما گویاست. حزب ما در انتخابات ریاست جمهوری گذشته شرکت فعال داشت و هدفش از این شرکت و فعالیت، افزون بر بسیج توده ها و افشاگری سیاست های ارتجاع، تلاش برای جلوگیری از روی کار آمدن احمدی نژاد و پیروزی معین، به عنوان روزنه ای برای ادامه روند اصلاحات در جامعه ما بود.

از سوی دیگر، ما در سال گذشته، با ارزیابی اوضاع کشور و تدارکات و برنامه های ارتجاع و همچنین سطح مبارزات توده ای در مخالفت با این سیاست ها، نیروهای سیاسی کشور، از جمله اصلاح طلبان حکومتی را به شرکت نکردن در انتخابات مجلس شورای اسلامی تشویق کردیم. برای ما روشن بود که شیوه برگزاری و سازمان دهی این انتخابات, یعنی حذف گسترده هزاران نامزد انتخاباتی دگراندیش و منتقد ارتجاع، اجازه نخواهد داد تا نظر رای دهندگان حتی در ابعاد محدودی اعمال شود.

بر این اساس، ما نظرمان درباره انتخابات آینده نیز روشن است. اگر بتوان ارتجاع را وادار به عقب نشینی کرد و نامزدهای منتقد و مدافع اصلاحات را، با فشار افکار عمومی و مبارزات توده ای، از فیلتر شورای نگهبان عبور داد، و بدین ترتیب امکان واقعی برای شکست نامزد یا نامزدهای ارتجاع را فراهم آورد، در آن صورت شرکت در انتخابات می تواند گامی در راه تغییر شرایط و باز از سرگیری روند اصلاحات در کشور دانست. در غیر این صورت و در شرایط تحمیل همان اوضاع انتخابات مجلس و جلوگیری از شرکت هر صدای منتقدی در این انتخابات راه شرکت موثر در این روند مسدود خواهد بود و باید مبارزه را در چارچوب های دیگری ادامه داد.

رفقا!

یکی از مسایلی که حزب ما در سال های اخیر همواره بر آن تأکید کرده است، ضرورت ایجاد یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری بوده است. حزب ما تحقق چنین امری را گام مهمی در راه سازمان یافتن نیروهای اجتماعی و تدارک مبارزه همه جانبه برای طرد رژیم ولایت فقیه می داند. مسئله اساسی، همان طوری که دوران هشت ساله دولت خاتمی نشان داد آن است که بدون پشتوانه منسجم و سازمان یافته مردمی نمی توان امر اصلاحات پایدار و دموکراتیک را در جامعه به پیش برد. تغییر توازن قوا در کشوری که در چهار سال گذشته حیات سیاسی –اقتصادی آن بیش از پیش نظامی–انتظامی شده است، نیازمند توان عظیم اجتماعی و حرکت منسجم سراسری توده هاست. چنین امکان عملی در حال حاضر در کشور ما وجود ندارد، و در نبود چنین امکانی، ارتجاع حاکم می تواند با مانورهای گوناگون، با بهره گیری از سرکوب و یا برخی تغییرات سطحی اقتصادی–اجتماعی، به حیات خود ادامه دهد. تجربه چهار سال گذشته و انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز نشان داد که نیازهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نمی توان با ادامه شیوه های کنونی حکومت مداری، یعنی استبداد مطلق و فردی ولی فقیه، برآورده کرد. ایران نیازمند تحولات جدی برای خلاصی از بن بست سیاسی یی است که سال هاست بر آن حاکم است.

بهره برداری از جنبش مردمی تنها به عنوان ابزاری برای امتیاز گیری از طرف مقابل و اسیر ماندن در حصارهای "خودی و غیر خودی" تعیین شده از سوی ارتجاع و دستگاه های سرکوب کشور، در انتها تنها آب به آسیاب ارتجاع حاکم و دشمنان منافع ایران می ریزد. اتکاء به زد و بندهای پشت پرده و مماشات تسلیم به خواست های ارتجاع زیر لوای حفظ منافع "نظام مقدس"، تکرار همان تجربیات هشت سال دولت اصلاحات و سرانجام ناموفق آن است. جنبش اجتماعی را بر اساس برنامه مستقل برای تغییرات اجتماعی –اقتصادی و با شعارهای واقع بینانه می توان پدید آورد. تجربه دوران دولت احمدی نژاد به توده ها آموخته است که انحصار ارکان های قدرت در دست مرتجعان ذوب شده در ولایت، ثمرات فاجعه باری به همراه داشته است. این تجربه امروز خود را در حرکت های اعتراضی گوناگونی به نمایش گذاشته است. باید این توان را با دقت سازمان دهی کرد و به شعارهای مشخص مبارزاتی مجهز ساخت. رفتن به استقبال انتخابات آینده ریاست جمهوری بدون تلاش در راه از بین بردن سد های استبداد در مقابل اعمال رای مردم، از جمله قبول بی چون و چرای نظارت استصوابی شورای ارتجاعی نگهبان و بدون آنکه کارزاری را برای مقابله با این نظارت در جامعه به پیش برد، نتیجه یی جز آنچه در انتخابات مجلس و انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ رخ داد، نخواهد داشت.

بر این اساس است که حزب ما همچنان مدافع تشکیل جبهه وسیعی از همه نیروهای آزادی خواه و ملی جامعه است تا بر پایه آن بتوان با برنامه مبارزاتی مشترک به مقابله با برنامه های ارتجاع حاکم رفت. بدون این اتحاد عمل و همکاری های گسترده ارتجاع قادر خواهد بود همچون سال های گذشته خواست خود را با کمترین هزینه ای به جامعه تحمیل کند.

حزب ما همکاری همه نیروهای ملی–مذهبی و آزادی خواه کشور، و همچنین همکاری نزدیک تشکل های صنفی دانشجویی، زنان و کارگری را در شرایط کنونی ابزار مطئمن حرکت جنبش مردمی به سوی تحقق برنامه هایش می داند. باید بتوان بر اختلاف های سیاسی –نظری و تنگ بینی های سیاسی غلبه کرد، و با همکاری، نیروی دوباره به میدان آمده توده ها را سازمان دهی و آماده مبارزه با ارتجاع کرد.

گزارش تحولات جهان

رفقای گرامی

پلنوم وسیع کمیته مرکزی حزب مان در شرایطی برگزار می شود که جهان مواجه با گسترش بحران مالی و اقتصادی بی سابقه در کشورهای سرمایه داری، و شروع یک دوره رکود همه جانبه است که در هشت دهه اخیر، از دوره رکود جهان سرمایه داری در قبل از جنگ جهانی دوم در سال های بین ۱۹۳۳– ۱۹۲۹، بی سابقه است. شکل گیری این بحران در بطن سیاست های تهاجمی بی سابقه سال های اخیر امپریالیسم آمریکا برای تثبیت بی بازگشت هژمونی سیاسی، نظامی و اقتصادی خود و در شرایط نبود یک عامل موازنه بین المللی موثر، مشخصه های ویژه ای به این شرایط می دهد.

ما در عین حال شاهد تلاش نیروهای صلح طلب و مترقی در چهارگوشه جهان، در چالش طلبی تحسین برانگیزی در رویارویی با تهاجم امپریالیسم، و آزمودن اشکال متنوع مبارزاتی و ارتقاء کارآیی آن ها هستیم. مبارزه برای برانداختن نظم کهنه و طرح کردن نظمی جایگزین، نظمی عادلانه و مردمی، نظمی صلح طلبانه و قابل دوام، نظمی در راستای سوسیالیسم، در جریان است.

از زمان تشکیل پلنوم مرداد ماه ۱۳۸۶ تا اجلاس کنونی کمیته مرکزی حزب تحولات بسیار مهمی در جهان صورت گرفته اند.

بحران بی سابقه بازارهای مالی، شروع مرحله رکود اقتصاد سرمایه داری، و ادامه و گسترش تمایلات هژمونیستی و جنگ طلبانه کشورهای امپریالیستی به رهبری ایالات متحده، تشدید رشد رقابت بین قطب های سرمایه داری بر سر تصاحب بازار ها و منابع طبیعی جهان، رشد مبارزه زحمتکشان و نیروهای مترقی در گوشه و کنار جهان و آشکار شدن نشانه های جدی شکل گیری یک عامل توازن بین المللی نیرو ها در سطح جهانی عرصه های متنوع این رخدادها هستند که می بایست مورد توجه قرار بگیرند.

حزب توده ایران، مطالعه دقیق و درک عناصر کلیدی تحولات جهان، در دوره مورد گزارش، را نه فقط لازم و آموزنده، بلکه بر پایه جهان بینی علمی و مارکسیست– لنینیستی خود برای تدقیق زمینه ها و چارچوب بین المللی فعل و انفعالات عمده در عرصه سیاست و اقتصاد کشورمان ضروری می داند.

۱. بحران مالی سرمایه داری جهانی

بحران اخیر که نشانه های جدی ظهور آن از اسفند ماه ۱۳۸۵ مشخص بود، و در گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی به پلنوم مردادماه ۱۳۸۶، درباره عوامل تظاهر و ادامه آن مورد بررسی قرار گرفت، در ماه های اخیر ابعاد گسترده ای یافته است. گرچه پی آمدها و ابعاد واقعی بحران مالی ای که اقتصادهای اصلی و بزرگ جهان را درهم پیچیده است، هنوز در تمامیت خود ظاهر نشده است، اما نشانه هایی جدی در دست است که این بحران مرحله آغازین دوره رکود همه جانبه سرمایه داری جهانی است.

آمار منتشره از سوی نهادهای بین المللی و آژانس های تخصصی سازمان

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه گزارس هیئت سیاسی ...

ملل، دال بر آن است که رشد سالانه تولید ناخالص ملی در اقتصاد جهان که در بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶بین ۳ الی ۴ درصد بود، در یک ساله اخیر در آستانه رکود قرار داشته است. بر اساس بر آورد گزارش "اوضاع و دورنمای اقتصادی جهان" که توسط نهادهای وابسته و مسئول سازمان ملل منتشر می شود، این رشد در خوش بینانه ترین شرایط یک و هشت دهم درصد خواهد بود. این در حالی است که به ارزیابی تحلیل گران اقتصادی، و برپایه آخرین اطلاعات اقتصادهای انگلستان، آلمان و فرانسه از ابتدای سال جدید مسیحی دارای رشد نسبی منفی بوده اند و هم اکنون در مرحله رکود قرار گرفته اند.

بحران سیستم مالی سرمایه داری در ماه های اخیر با فرو ریختن سیستم بانکی عمده ترین کشور های سرمایه داری، تزلزل سیستم اعتباری و سقوط ارزش سهام در بازارهای مالی ابعاد همه جانبه ای به خود گرفته است. طی یک هفته در مهرماه جاری "میانگین صنعتی داو جونز" (مشخصه اصلی ارزش بازار سهام آمریکا) به میزان ۱۸درصد سقوط کرده و حدوداً ۴/۲ تریلیون دلار از ارزش سهام "وال استریت" کاسته شده است. شماری از عمده ترین بانک های آمریکا و انگلستان در یک سال اخیر یا ورشکست شده، یا توسط بانک های دیگر به قیمت های نازل خریداری شده اند، و یا در آستانه ورشکستگی کامل با قبول تزریق میلیاردها دلار توسط دولت های سرمایه داری عملاً کنترل دولتی بر عملکرد خود را قبول کرده اند. دولت انگلستان در نیمه اول مهرماه، نزدیک به یک تریلیون دلار برای نجات سیستم بانکی این کشور اختصاص داد. همزمان با این حرکت، نمایندگان کنگره ایالات متحده لایحه اعتبار ۷۰۰ میلیارد دلاری یی را برای ممانعت از سقوط بانک های این کشور و ایجاد اعتماد در بازار های مالی به تصویب رساندند و کشورهای اتحادیه اروپا نیز بیش از ۲ تریلیون یورو، برای جلوگیری از فروپاشی سیستم مالی اروپا، به بانک های عمده اروپائی کمک کردند. بحران حاضر که در ابتدا به دلیل سقوط بازار مسکن و نگرانی های جدی درباره عدم امکان باز پرداخت هزاران میلیارد دلار وام های مسکن، در سال ۲۰۰۷ در آمریکا آغاز شد، در ادامه نه فقط به اروپا و آسیا سرایت کرد، بلکه تمامی سیستم اعتباری- بانکی جهان را دربر گرفت. این بحران نمایشگر تضاد درونی و غیر قابل حل سیستمی است که از سوئی از اختصاص منابع ضرور و کافی برای توسعه انسانی و اقتصادی سر باز می زند، از سوی دیگر سرمایه های عظیمی را به فعالیت های کازینوئی، غیرمولد و با ریسک بالا در عرصه مالی اختصاص می دهد.

مسئله قابل تأمل این است که اکثر بانک های اصلی کشورهای سرمایه داری به طور گسترده ای از اوایل سال های دهه ۱۹۸۰ میلادی در گیر داد و ستدهای سئوال برانگیز با قروض و وام های بانکی (شبیه عملکرد سفته بازی در سیستم مالی سنتی ایران که سفته های مدت دار با دو ارزش متفاوت اسمی و واقعی بودند) بوده اند. رشد بی حد و مرز اقتصاد مصرفی از طریق رواج کارت های اعتباری، دادن وام های مسکن، بدون در نظر گرفتن امکان واقعی وام گیرنده و یا ارزش واقعی ملک مورد معامله، "خرید" موسسه های مالی و اقتصادی بر پایه اعتبار و قرضه های بی پشتوانه، که به یک فعالیت کازینوئی در بازار های مالی دامن زد، از جمله عوامل مهم زمینه ساز این بحران بودند. و این همه بر مبنای دادن اعتبار های بی حساب و کتاب به نسل جدیدی از "سرمایه داران" و "دلالان" بازار مالی ممکن بوده است.

اکنون فاش شده است که برخی از بزرگترین بانک ها در دهه اخیر به ازای هر یک دلاری که در صندوق خود داشته اند، اقدام به دادن بیش از ۳۰ دلار وام کرده اند، در صورتی که در سیستم های بانکی با ثبات این نسبت از ۵ تا ۶ برابر نباید بالاتر رود. در چنین شرایطی با ظهور اولین نشانه های سقوط سیستم بانک های مسکن تمامی اجزای سیستم بانکی یکی پس از دیگری دومینو وار سقوط کردند. سقوط بانک های عظیمی چون "لیمن برادرز" در ایالات متحده و یا "نورثرن راک" در انگلستان، در چند ماه گذشته، در چنین شرایطی به وقوع پیوست.

نیروهای ترقی خواه و پیشرو مدافع طبقه کارگر در کشورهای مختلف جهان، بر پایه تحلیل های مشخص و بر پایه شرایط عینی سعی بر نتیجه گیری های ضرور سیاسی- ایدئولوژیک در رابطه با بحران مالی- اقتصادی سرمایه داری و افشاء ناتوانائی های ذاتی آن و تنظیم برنامه مبارزاتی خود هستند. این بحران افشاگر نادرستی تمامی تبلیغات دو دهه اخیر نولیبرالیسم در رابطه با توان سرمایه داری بر تنظیم عملکرد بازار و غلبه بر تضادهای ذاتی خود است. مبارزه زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری به موازات خواست جایگزین های ترقیخواهانه می بایست بر راستای سد کردن کوشش های سرمایه داری برای انتقال همه هزینه های بحران بدوش قشرهای زحمتکش جامعه، و خواست اعمال مقررات و قوانین ضرور برای عملکرد بازارهای مالی و اقتصادی باشد.

۲. سرمایه داری جهانی در آستانه رکود همه جانبه

بحران حاضر را می بایست نقطه اوج سلسله بحران های مقطعی ای دانست که در سال های اول دهه ۱۹۹۰ میلادی، از مکزیک و روسیه آغاز شد، و سپس به بحران ۹۷- ۱۹۹۸ در اقتصاد کشورهای جنوب شرقی آسیا انجامید، و در سال های ۰۱- ۲۰۰۰ در ترکیدن حباب بازار سهام صنایع الکترونیکی مدرن در آمریکا خود را ظاهر کرد، و در قدم بعدی در سال های ۰۳-۲۰۰۴ اقتصاد آرژانتین را زیر و رو کرد. زنجیره این بحران ها در تابستان ۲۰۰۷ با حدت یافتن بحران بازار مسکن و ورشکستگی صندوق ها و بانک های عمده مسکن در آمریکا، تداوم یافت و به بحران کنونی انجامید.

زمینه های پیدایی این بحران را از جمله باید در ادامه انتقال هرچه بیشتر عملکرد سرمایه به عرصه های مالی، در دو دهه اخیر دانست، که با ظهور بحران "اضافه تولید" در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ میلادی سرعت بیشتری پیدا کرده است. این حقیقتی است که انتقال و سرازیر شدن سرمایه به عرصه مالی در جستجوی سود بیشتر که از سال های پس از بحران اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی تظاهر مشخص پیدا کرده بود، در شرایط نولیبرالیسم حاکم از سال ۱۹۸۰ به بعد که برداشتن هرگونه مانع و سدی از سر راه سرمایه، در قالب کنار زدن همه مقررات و قوانین عمل کننده در سیستم مالی- بانکی، را هدف خود قرار داده است، به جنبه غالب عملکرد سرمایه بدل شده است. مدافعان تز "دولت خوب، دولت کوچک تر است"، که معتقد و مدافع "قابلیت و توانایی بازار به تنظیم مقررات عملکرد سرمایه" هستند در این سال ها شرایطی را فراهم کردند که سرمایه به عوض عملکرد در عرصه تولید در جستجوی سود بیشتر و سریع تر به سوی فعالیت های مجازی، معاملات ارزی و سفته بازی گرایش پیدا کرد.

با شروع مرحله رکود اقتصادهای سرمایه داری در آمریکا و اروپا از اوایل سال ۲۰۰۸ میلادی نرخ بیکاری در این کشورها شروع به رشد کرده است. در ماه مارس ۲۰۰۸ نرخ بیکاری در ایالات متحده به بیش از ۵ درصد رسید. بر اساس آمار اداره اشتغال آمریکا، اشتغال غیرکشاورزی در ایالات متحده در سه ماهه اول ۲۰۰۸ به میزان ۲۳۲ هزار کاهش یافت. در انگلستان در طول فقط ماه سپتامبر (شهریور- مهر) تعداد بیکاران رسمی (که تحت پوشش تامین اجتماعی هستند) ۳۲۷۰۰ نفر افزایش یافت. روزنامه گاردین چاپ لندن در روز ۱۶ اکتبر از قول مسئولان بازار کار افشاء کرد "که با ورود اقتصاد انگلستان در رکود، انتظار می رود که تعداد بیکاران تا پایان سال ۲۰۱۰ (دی ماه ۱۳۸۹) یک و نیم میلیون نفر افزایش پیدا کند و به حدود ۳میلیون نفر و یا ۹٪ نیروی کار برسد."

۳. "جهانی شدن" فقر در جهان سرمایه داری

هم شکل گیری و هم سرعت گسترش مرحله نهایی بحران اخیر، که در جریان آن بی ثباتی سیستم بانکی و بازار های مالی مانند آتشی سرکش از کشوری به کشور دیگر انتقال یافت، را باید محصول روند "جهانی شدن" سرمایه داری دانست. در اسناد مصوب کمیته مرکزی حزب ما، در سال های اخیر دررابطه با "جهانی شدن" بارها توضیح داده شده است.

در این جا ضروری است که توضیح مختصری درباره گسترش عملکرد "انحصارهای فراملی" در شرایط "جهانی شدن" سرمایه داری، و اثرات آن بر روند بحران کنونی داده شود.

این حقیقتی است که امکان شرکت های فرا ملی برای ورود و خروج سرمایه از کشورها بدون ملاحظه هرگونه مقرراتی و ادامه عملکرد سوداگرانه آن، در شرایط "جهانی شدن" ریسک عدم ثبات اقتصاد این کشور ها را بالا می برد. از آنجا که اقتصاد آمریکا بر پایه ۲۰ درصد صادرات جهانی عمل می کند، رکود اقتصادی در ایالات متحده ضرورتاً عامل فشارهای سختی بر اقتصادهای پیش رفته در اروپا و ژاپن و اقتصاد کشورهایی نظیر چین و هند خواهد بود.

از سوی دیگر، در سال های اخیر "جهانی شدن" با باز کردن مرز ها بر روی واردات تولیدی انحصارهای سرمایه داری، و صادرات مواد خام و معدنی کشورهای در حال توسعه با قیمت ها و شرایط نازل، عملاً انتقال منابع از این کشورها به کشورهای سرمایه داری پیشرفته را موجب شده اند. بر طبق "گزارش وضعیت و دورنمای اقتصادی جهان" سازمان ملل در سال ۲۰۰۷، جریان خالص منابع از کشورهای پیشرفته سرمایه داری به کشورهای در حال توسعه که در سال ۱۹۹۵ بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار بود، در سال ۲۰۰۶ نه فقط

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه گزارش هیئت سیاسی ...

معکوس شده، بلکه به انتقال ۶۵۷ میلیارد دلار به کشورهای سرمایه داری پیشرفته تبدیل شده است.

"جهانی شدن" سرمایه داری همچنین به تمرکز ثروت و منابع زیر نظارت انحصارهای فرا ملی انجامیده است. بر طبق "گزارش سرمایه گذاری جهانی"، که از سوی سازمان ملل منتشر می شود، در سال ۲۰۰۷ سطح سرمایه گذاری مستقیم در جهان به ۱۸۳۳ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با سال ۲۰۰۶ یک افزایش ۳۰درصدی را نشان می دهد. براساس همین گزارش تولید کالا و خدمات توسط ۷۹۰۰۰ شرکت فرا ملی و ۷۹۰۰۰۰ شرکت خارجی وابسته به آن ها در سال ۲۰۰۷افزایش یافت. ارزش سهام آن ها از مرز ۱۵ تریلیون دلار فزونی یافت. نهادهای وابسته به سازمان ملل تخمین می زنند که میزان فروش توسط انحصارهای فرا ملی در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۳۱ تریلیون دلار بوده است که نسبت به سال قبل آن افزایشی ۲۱درصدی را نشان می دهد. عرصه عمل انحصارهای فرا ملی درحال گسترش است. کمپانی های تولید کالا و نفتی نظیر "جنرال الکتریک"، "بریتیش پترولیوم"، "شل"، "تویوتا"، و "فورد" بالاترین رتبه را در لیست ۲۵ بزرگترین انحصار فرا ملی جهان اشغال می کند. کمپانی های عرصه خدمات، از جمله خدمات زیربنائی، در طول دهه گذشته رشد کرده و اکنون یک پنجم لیست ۱۰۰ بزرگ ترین شرکت های فرا ملی را تشکیل می دهند.

البته روند "جهانی شدن" تضاد های ذاتی خود را در بر داشته است. اینکه دور مذاکرات موسوم به "دوحه" برای توافقی بین المللی بر سر مقررات حاکم بر تجارت، صادرات و واردات و سرمایه گذاری در کشورها در چهارچوب سازمان تجارت جهانی در سال های اخیر به بن بست رسیده در این رابطه است. کشورهای در حال توسعه آسیا و آفریقا معترض اند که ایالات متحده و اتحادیه اروپا حاضر به کاهش سیستم یارانه ای هنگفت برای محصولات کشاورزی در کشورهای خود نیستند، و این عملاً امکان رقابت عادلانه را از بین می برد. ایالات متحده و اتحادیه اروپا در حالی که کوشش دارند کشورهای درحال توسعه را وادار کنند که تعرفه های خود را در رابطه با واردات محصولات کشاورزی و مصنوعات صنعتی کاهش دهند و بخش خدمات خود و از جمله بخش های مالی و اجتماعی را برای ورود سرمایه خارجی بگشایند، به طور مصرانه بازارهای داخلی خود را محافظت می کنند. البته بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا تضادهای مشخصی در مورد یارانه محصولات کشاورزی وجود دارد. یکی از نکات قابل توجه در این رابطه اقدام هماهنگ کشورهای در حال توسعه در جریان اجلاس های سازمان تجارت جهانی و ایجاد گروه بندی های متفق المنافعی از قبیل "گروه ۳۳" و غیره، برای مقاومت متحدانه در مقابل انحصارات بین المللی و کشورهای سرمایه داری بزرگ است.

سیاست های نولیبرالی که از سوی کشورهای سرمایه داری در دوره "جهانی شدن" اعمال می شود، عملاً به گسترش نابرابری ها در جهان انجامیده است. گزارش "توسعه انسانی ۲۰۰۸/۲۰۰۷" در رابطه با گسترش نابرابری ها تائید کرده است که نابرابری های مالی بین کشورها و همچنین در درون کشورها افزایش پیدا کرده است. در حالی که ۴۰درصد جمعیت جهان که کمتر از ۲ دلار در روز در آمد دارد، فقط صاحب ۵٪ درآمدهای جهان است، ۲۰٪ ثروتمند جهان صاحب ۷۵٪ درآمدهای جهانی هستند. همچنین بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می کنند که سطح اختلاف درآمد در آن ها در حال افزایش است. بر اساس آخرین برآورد بانک جهانی که در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۰۸ منتشر شد تعداد فقیران جهان به رقم باور نکردنی یک میلیارد و چهار صد میلیون نفر رسیده است و بیش از دو و نیم میلیارد نفر با درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کنند.

۴. نظامیگری

تحولات یک ساله اخیر صحت تحلیل مصوب پلنوم مردادماه ۱۳۸۶ که: "منافع امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا با جنگ و نظامی گری گره خورده است" را بار دیگر مورد تائید قرار می دهد. تحلیل گران ترقی خواه استدلال می کنند که محافظه کاران نو که درانتخابات سال ۲۰۰۰ پس از پیروزی سئوال برانگیز جورج بوش، کنترل سیاست گذاری آمریکا را به دست گرفتند، از همان آغاز و آگاهانه نظامی شدن اقتصاد را ترویج کردند. دیک چنی، معاون رئیس جمهور، و دونالد رامسفلد، وزیر دفاع این کشور که در خدمت منافع انحصارهای تسلیحاتی عمل می کردند، معتقد بودند که بحران اقتصادی سال های ۰۱- ۲۰۰۰ را می توان از طریق افزایش تولیدات نظامی مهار و کنترل کرد. دولت جورج بوش با ترفیع سیاست "جنگ برضد تروریسم" به محور سیاست های خود، و عمدتاً بر پایه گسترش عدم موازنه تجاری این کشور و فروش اوراق قرضه و بدهی در سطح جهان توانسته است که مخارج عظیم ماجراجویی های نظامی خود را در افغانستان، عراق و منطقه خاورمیانه در زیر پوشش "جنگ برضد تروریسم" تامین کند. بودجه نظامی آمریکا درسال های اخیر به طور بی سابقه و تصاعدی بالا رفته و از میزان ۳٪ تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۰، به ۴ درصد در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. بودجه نظامی مصوب در مجلس نمایندگان آمریکا در اولین روزهای مهر ماه جاری بالغ بر ۶۱۲ میلیارد دلار است. تعداد آرا برای تصویب این بودجه ۳۹۲ رای در مقابل ۳۹ رای بود، یعنی ۹۰٪ نمایندگان مجلس نمایندگان از هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، از این طرح حمایت کردند. این بودجه همچنین شامل نزدیک به ۶۹ میلیارد دلار هزینه اختصاص داده شده به عملیات نظامی در عراق و افغانستان است. اگر ارقام دیگر در رابطه با ساختارهای متنوع قوه اجرائیه ایالات متحده را در نظر بگیریم، سطح واقعی بودجه به بیش از یک تریلیون دلار بالغ خواهد شد. در حقیقت بودجه نظامی ایالات متحده اکنون به تنهایی برابر با بودجه های نظامی تمامی کشورهای دیگر جهان بر روی هم است.

ما بر این باوریم که امپریالیسم برای غلبه بر آثار بحران ذاتی خود، و حفظ شرایط برای ادامه و تشدید استثمار، مصمم به غلبه بر مقاومت توده ها و زحمتکشان، و لذا بهره گیری از سیاست نظامیگری است. سلسله تحولاتی که در اواسط مردادماه جاری در رابطه با حمله نظامی ماجراجویانه و تحریک آمیز دولت گرجستان به جمهوری خودگردان اوستیای جنوبی انجام پذیرفت، و سعی بر گسترش درگیری به یک جنگ تمام عیار با فدراسیون روسیه را باید در این راستا ارزیابی کرد. اکنون شواهد قدرتمندی در دست است که ایالات متحده و اتحادیه اروپا که در دو ساله اخیر از سیر تحولات در روسیه و جهت گیری های مستقل دولت این کشور در تدوین سیاست های اقتصادی و دیپلماتیک، و همچنین شرکت موثر آن در ابتکارات مهمی نظیر ایجاد پیمان شانگهای، خشمگین هستند، رهبری گرجستان را به این ماجراجویی تشویق کردند. موضعگیری های دولت های عضو ناتو و ارکستر پر سر و صدای رسانه های غربی در مذمت و محکومیت اقدام روسیه به عقب نشاندن ارتش متجاوز گرجستان و به رسمیت شناختن جمهوری های اوستیای جنوبی و آبخازیا، آن چنان شرایطی را ایجاد کرد که نهایتا به کنار گذاشتن فدراسیون روسیه از "گروه ۸" منجر شد. آمریکا و برخی متحدان آن می کوشند که با بهره گیری از این شرایط عضویت گرجستان و اوکرائین در پیمان ناتو را قطعی کنند، امری که در فروردین ماه در جریان تصمیم گیری های شورای سالانه ناتو بر پایه شرایط حساس این منطقه، و مخالفت روسیه با گسترش ناتو در جهت شرق و اختلافات ریشه دار ارضی و مرزی مورد مخالفت قرار گرفته بود.

حزب توده ایران بر این اعتقاد است که در حقیقت جنگ و تسلط طلبی را نمی توان از ماهیت سرمایه داری جهانی جدا کرد. امپریالیسم از یک سو از جنگ برای تامین تسلط خود بر بازار ها و منابع اولیه جهان بهره می گیرد، و از سوی دیگر با ادامه تولید و فروش تسلیحات فوق مدرن و گسترش کنسرن های تسلیحاتی و توجیه این سیاست از طریق دامن زدن به جنگ و ایجاد تشنج در جهان، به سامان یابی اقتصاد خود می پردازد.

گسترش حیطه عمل ناتو

ایالات متحده در دو دهه گذشته فعالانه سیاست گسترش پیمان ناتو در کشورهای اروپای شرقی را دنبال کرده است. به دنبال پیوستن کشورهای حاشیه دریای بالتیک و جمهوری های چک، لهستان، و مجارستان به پیمان ناتو، ایالات متحده اکنون هدف تسهیل و تسریع پیوستن اوکرائین و گرجستان به این پیمان را در مقابل خود قرار داده است. از سوی دیگر، طرح استقرار سیستم دفاع ضدموشک های بالیستیکی آمریکا در جمهوری چک و لهستان شدیداً نگرانی و مخالفت روسیه را که امنیت خود را در قبال آن در معرض تهدید می بیند، برانگیخته است.

کشورهای تشکیل دهنده پیمان ناتو در ۱۷ مارس سال ۱۹۴۸ و در آغاز حیات این پیمان، عمل خود را بر پایه مواد ۵۱و۵۲ منشور سازمان ملل متحد توجیه می کردند. نه در منشور سازمان ملل و نه در قرارداد پایه گذاری پیمان ناتو حق هیچ گونه مداخله نظامی در کشور های دیگر به آن داده نشده است. در ماده چهار قرارداد بروکسل به صراحت قید شده بود: "در صورتی که یکی از امضا کنندگان قرار داد مورد تجاوز مسلحانه قرار گیرد، دیگر امضا کنندگان، بر اساس ماده۵۱ منشور سازمان ملل متحد، با تمام وسائلی که در اختیار دارند، نظامی و غیر آن، به کشور مورد تجاوز یاری کنند و بلا فاصله باید به شورای امنیت سازمان ملل اطلاع دهند تا تصمیم های لازم از سوی آن شورا اتخاذ شود."

علت وجودی این سازمان ظاهراً مقابله با تهدید ها ی شوروی بود که در

ادامه در صفحه ۱۲

ادامه گزارش هیئت سیاسی ...

مقابل آن پیمان ورشو تشکیل شد. بر اساس پیمان تشکیل ناتو حیطه عمل این پیمان اروپا بود و اینکه به کار گیری اسلحه فقط در صورت تجاوز به یکی از امضا کنندگان آن مجاز بود. اما پس از فروپاشی شوروی و انحلال پیمان ورشو، ناتو نه فقط منحل نشد بلکه گسترش یافت و با تغییراتی کاملاً مغایر با منشور سازمان ملل عملاً وکاملاً از صورت یک سازمان حتی ظاهراً "دفاعی" به صورت یک سازمان تمام عیار تجاوزگری و مد اخله نظامی در سراسر جهان در آمد. ناتو، نخست برای تکه پاره کردن کشور مستقل یوگسلاوی و عضو سازمان ملل، با یک نقشه از پیش طراحی شده به آن حمله ورشد بدون انکه این کشور به عضوی ازاعضای ناتو حمله ویا حتی تهدیدی کرده باشد. و امروز ناتو در افغانستان مشغول جنگی تمام عیار همراه با کشتار مردم بی سلاح آن دیار به بهانه مبارزه با تروریسم است. مداخله نظامی ناتو در افغانستان از هر جهت و کاملاً مغایر با منشور سازمان ملل است.

و اما شگفت انگیز تر آن است که، بنا به گزارش رویتر، که در اواخر مهرماه ازمجارستان مخابره شد، دبیر کل ناتواعلام کرده است که اعضای ناتو باید بودجه و کار آئی نظامی خود را افزایش دهند (گوئی اصلاً هیچ بحران مالی هم در دنیا رخ نداده است). علاوه بر این ماه گذشته آقای بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در اقدامی بی سابقه تفاهم نامه ای را امضا کرد که بر اساس آن پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به مثابه یک سازمان "حافظ صلح " به رسمیت شناخته می شود!

۵. شرایط خاورمیانه و کشورهای همسایه

تحولات بغرنج منطقه خاورمیانه در دوره مورد گزارش، مثالی مشخص در رابطه با نظامیگری امپریالیسم و ادامه تلاش های آن برای تثبیت حاکمیت همه جانبه خود بر منطقه است. ادامه اشغال عراق، شرایط بحرانی فلسطین و لبنان، گسترش درگیری ها در افغانستان و تحولات بغرنج و خطرناک پاکستان، همگی نشانه هایی از عواقب خونبار و فاجعه بار سیاست های امپریالیسم آمریکا در منطقه دارند.

ایالات متحده، کنترل منطقه خاورمیانه و غرب آسیا را از نظر منافع استراتژیکی خود، و از جمله دستیابی کامل بر منابع انرژی و نفت و گاز منطقه، نه فقط ضروری بلکه طبیعی می داند. طرح استراتژیک "خاورمیانه بزرگ"، که سیاست های کنونی آمریکا و متحدان ناتویی آن برای کنترل خاورمیانه دقیقاً در راستای پیاده کردن آن تنظیم شده اند، در اسناد مصوبه پلنوم های گذشته حزب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. طرح امپریالیسم برای تامین و گسترش هژمونی خود در تمامی منطقه وسیع خاورمیانه، از عراق گرفته تا افغانستان، از مصر و لبنان گرفته تا ایران، حساب شده و همخوان با طرح "خاورمیانه بزرگ" است. در فلسطین و در لبنان، ایالات متحده در تلاش برای حفظ موقعیت نیروهای وابسته به خود، استراتژی "تفرقه بینداز و حکومت کن" را تعقیب می کند. ایالات متحده که دو سال پیش، از تجاوز آشکار اسرائیل به لبنان حمایت کرد، در شرایط کنونی کوشش خود را متوجه تقویت موضع نیروهای وابسته به غرب در دولت و ارگان های حکومتی این کشور کرده است.

در شرایط ضعف و تفرقه نیروهای مردمی فلسطین، دولت اسرائیل با آگاهی از حمایت ایالات متحده از عملکرد استعمارگرانه خود، به اشغال اراضی فلسطینی، گسترش شهرک های یهودی نشین در کرانه غربی، و به تحلیل بردن توان بالقوه جنبش مردم فلسطین و نمایندگان سیاسی آن ادامه می دهد. شکست کنفرانس آناپولیس در سال گذشته، شاهد دیگری بر این حقیقت است که اسرائیل به هیچ روی آمادگی تخلیه شهرک های یهودی نشین، توقف حملات نظامی به مردم بی دفاع فلسطینی و قبول تشکیل یک دولت مستقل فلسطین، در اراضی اشغالی را ندارد. حزب توده ایران ادامه تفرقه و درگیری نیروهای فلسطینی را بسیار منفی ارزیابی می کند. ما ادامه این شرایط را نه فقط برای مردم فلسطین بلکه برای منافع همه مردم و کشورهای منطقه خاورمیانه زیان آور و مخرب ارزیابی می کنیم. حزب توده ایران بر این باور است که مادام که مسئله فلسطین در راستای منافع مردم فلسطین و بر اساس قطعنامه های سازمان ملل متحد حل نشود، خاورمیانه روی صلح را نخواهد دید. ما همدوش همه نیروهای صلح طلب و مترقی منطقه و جهان مبارزه برای حل مشکل فلسطین، پایان اشغال عراق و بر چیده شدن تمامی پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه را ادامه خواهیم داد.

اشغال **عراق** توسط آمریکا و متحدان آن، و ادامه جنگ و درگیری در این کشور همسایه غربی میهن ما، شرایط ویژه ای را ایجاد کرده که تمامی خاورمیانه و ورای آن را تحت تاثیر قرار داده است. بر طبق برآوردهای سازمان های بی طرف و معتبر بین المللی، از زمان شروع جنگ در سال ۲۰۰۳ تاکنون نزدیک به یک میلیون شهروند غیرنظامی عراقی کشته، میلیون ها نفر مجبور به مهاجرت شده، و حیات اقتصادی- اجتماعی این کشور به کلی مختل گردیده است. ایالات متحده با استقرار نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ نیروی نظامی و هزاران مزدور و کنتراتچی و هزینه یی نزدیک به ۵۰۰ میلیارد دلار و قبول فشار سیاسی ناشی از مرگ بیش از ۴۰۰۰ نظامی آمریکایی هنوز نتوانسته است ثبات مورد نظر خود را در این کشور برقرار کند. نیروهای ترقی خواه و مردمی عراق، در شرایطی چنین دشوار، در حالی که از یک سو برای خاتمه اشغال کشور مبارزه می کنند، از سوی دیگر سعی به باز سازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور خود دارند. باید اذعان داشت که عوامل بین المللی و منطقه ای مبارزه مردم عراق را به طور ویژه ای تحت تاثیر قرار داده و مشکل و پیچیده کرده است. گرچه نیروهای دموکراتیک و مردمی عراق، و از جمله حزب کمونیست عراق، توانسته اند در رابطه با ایجاد نهادهای حقوقی، قانونگذاری و مجریه کشور دستاوردهای مهمی داشته باشند، اما حقیقت این است که شرایط سیاسی کشور و عملکرد نیروهای افراطی اپوزیسیون ارتجاعی و جناح های ارتجاعی دولت حاکم، نگرانی های جدی ای در میان مردم عراق به وجود آورده است.

در ماه های اخیر مذاکرات دولت عراق و ایالات متحده در رابطه با "موافقتنامه امنیتی" که در بر دارنده جدول بندی زمانی خروج نیروهای اشغالگر از عراق و روابط آتی نظامی- امنیتی عراق با ایالات متحده است، وارد مرحله تعیین کننده ای شده است. مسئله حاکمیت ملی یکپارچه عراق به طور ویژه ای در دستورکار قرار گرفته است. اعاده واقعی حاکمیت ملی عراق به معنی خاتمه اشغال، تامین کنترل دولت منتخب عراق بر تمامی اراضی آن، لغو قطعنامه هایی که عراق را عملاً تحت الحمایه سازمان ملل قرار داده، است. حزب کمونیست عراق به طور فعال، سازنده و موثری در این شرایط بغرنج مبارزه ملی شرکت دارد و تشکیل یک جبهه میهنی برای پیشبرد خواست های مردم را هدف این مرحله مبارزه خود قرار داده است. حزب کمونیست عراق در سلسله بیانیه هایی خطاب به سران سیاسی کشور خواستار شرکت همه نیروهای سیاسی در مراحل مختلف مذاکرات و تضمین شفافیت آن، و همچنین سازماندهی حمایت افکار عمومی عراق از موضع مذاکره کنندگان عراقی در ارائه خواست های ملی- میهنی و رفع اشغال بیگانه است.

افغانستان- نتیجه جنگ نیروهای وابسته به پیمان "ناتو" در افغانستان را، پس از گذشت ۷ سال از شروع آن، در یک کلمه باید فاجعه بار ارزیابی کرد. به گزارش رسانه های گروهی افغانستان به سرعت به کشوری که عملکرد نهاد های پایه ای آن به شدت زیر سئوال است، عملاً چندپارچه شده و دولت مرکزی آن جز در مناطقی محدود عملکرد ندارد، و در اساس در حال تبدیل شدن به یک فاجعه دهشتناک است.

آقای "پدی آشداون"، نماینده سازمان ملل در بوسنی، که سال گذشته مأموریت جدیدی تحت عنوان فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در کابل را نپذیرفت آشکارا اعلام می کند که "ما داریم در افغانستان شکست می‌خوریم."

کشورهای موتلفه ایالات متحده و عضو ناتو با توجه به مشکلات نظامی ای که در افغانستان با آن مواجه بوده اند در رابطه با عقلانی بودن ادامه جنگ و ماموریت دادن به نیروهای نظامی خود سئوال های جدی مطرح کرده اند. در بهمن ماه گذشته کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا، مجبور به مذاکرات جدی با نمایندگان کشورهای عضو ناتو درباره بحران افغانستان شد. فرانسه، آلمان و کانادا در طول سال گذشته در رابطه با تقاضای آمریکا برای تمدید حضورشان در افغانستان جواب رد داده اند. در بیشتر کشورهای عضو ناتو مخالفت مردمی با جنگ افغانستان تشدید شده است. برای نمونه، در بریتانیا به رغم تلاش زیادی که برای تقویت حمایت از نیروهای نظامی می‌شود، از جمله با به راه انداختن رژه‌های نظامی و انتشار گزارش‌های پرشور از خطوط مقدم جبهه در رسانه‌ها، ٪۶۲ از مردم خواهان بازگشت سریع تمام ۷۸۰۰ نظامی انگلیسی هستند.

اخبار رسانه های جهان به روشنی بیانگر گسترش و تشدید فعالیت نیروهای وابسته به طالبان و مسلمانان افراطی است. آمار خود نیروهای ناتو گویای آن است که درسال ۲۰۰۷ شمار حمله به نظامیان غربی و دولتی افغان تقریباً یک سوم افزایش یافت، و بالغ بر ۹۰۰۰ مورد "عمل عمده" انجام گرفت. در حالی که ناتو مدعی است که ۷۰ ٪ از این حمله‌ها در جنوب و در مناطق تجمع و فعالیت طالبان رخ داده است، تخمین زده می شود که در حال حاضر طالبان در ۵۴ ٪ خاک افغانستان حضور دائمی دارند. در همین احوال، حمله های هوایی نیروهای ائتلاف نظامی به سرکردگی آمریکا در سال ۲۰۰۷ به مرز

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه گزارش هیئت سیاسی ...

۳۵۷۲ مورد رسید، که ۲۰ برابر رقم مشابه در دو سال پیش بود. در سال گذشته شمار غیرنظامیان کشته شده توسط نیروهای ناتو بیشتر از کشته شدگان توسط طالبان بود و میزان بمب‌گذاری‌های انتحاری به تعداد بی‌سابقه ۱۴۰ مورد در سال افزایش یافت.

جنگ نیرو های ناتو در افغانستان پیروز شدنی نیست. این جنگ نه صلح و پیشرفت به ارمغان آورده است نه آزادی، و هیچ دورنمایی هم برای چنین چیزی دیده نمی‌شود. به جای ریشه‌کن کردن شبکه های تروریستی، این جنگ موجب گسترش و افزایش این شبکه‌ها شده است. افغانستان به مهمترین مرکز تولید و صدور هروئین تبدیل شده است. امکان واقعی صلح در افغانستان تنها در صورت خروج نیروهای نظامی خارجی به عنوان بخشی و جزئی از یک توافق سیاسی محقق خواهد شد که مردم افغانستان در آن کلام آخر را بزنند.

پاکستان در مرز های شرقی میهن مان در سال گذشته دستخوش تحولات تند و پر شتابی بوده است. تحولات خشونت آمیز سیاسی و قومی، موج نا آرامی های مردمی و گسترش افراط گرایی اسلامی در این کشور، که در هفته های اخیر اثرات آن را از جمله در حمله تروریستی و کشتار صدها تن در مومبای شاهد بودیم، ابعاد وسیعی یافته است. انزوای سیاسی و نفی مشروعیت رژیم پرویزمشرف، رئیس جمهور پاکستان، در تابستان ۱۳۸۶ در جریان اعتراضات مردمی در مخالفت به عزل رئیس دیوان عالی کشور و استقرار وضعیت ویژه در این کشور به اوج رسید. ایالات متحده که پاکستان را یکی از اصلی ترین متحدان خود در غرب و جنوب آسیا می داند و در ربع قرن اخیر با حمایت مستقیم از برگماشتگان نظامی خود سعی به حفظ این پایگاه نفوذ خود داشته است، شدیداً نسبت به تحولات دو ساله اخیر حساس است. ایالات متحده در سال های اخیر نسبت به توانایی مشرف به ایجاد یک حکومت باثبات در کشور و به ویژه منزوی کردن و از دور خارج کردن نیروهای اسلامی افراطی تردید های جدی پیدا کرده بود.

دولت پاکستان در تلاش برای حفظ ثبات حکومتی و موقعیت خود با اسلام گرایان ایالت های شمالی در حاشیه مرزهای افغانستان توافقنامه رسمی عدم تعرض امضاء کرده بود. این امر برای ایالات متحده که در سال های اخیر در راستای کنترل منطقه ۱۲ میلیارد دلار به دولت مشرف کمک مستقیم کرده است، قابل قبول نبود. از سوی دیگر این مواضع و عملکرد دولت مشرف موقعیت دولت سرسپرده حمید کرزای در افغانستان را به شدت متزلزل کرده و امکان پیروزی نیروهای ناتو در مبارزه با طالبان را زیر علامت سئوال جدی قرار داده بود. تلاش ایالات متحده به ترغیب نخبگان سیاسی پاکستان در حزب "مردم" و "لیگ اسلامی" وابسته به نواز شریف، نخست وزیران دولت های قبل از کودتای مشرف به ایجاد نوعی حکومت ائتلافی را باید در چنین زمینه ای بررسی کرد. پرویز مشرف زیر فشار اربابان آمریکائی خود در پائیز ۱۳۸۶ به برخی مصالحه ها و از جمله قبول بازگشت بی نظیر بوتو از تبعید خارج کشور، کناره گیری از مقام فرماندهی کل قوا، خاتمه شرایط اضطراری و اعاده دموکراسی، و قبول اینکه بی نظیر بوتو، رهبر حزب "مردم" پاکستان، پس از انتخابات دی ماه گذشته به نخست وزیری انتخاب شود، تن داد. اما ترور خانم بی نظیر بوتو در جریان مبارزات انتخاباتی، شکست سخت حزب حامی مشرف و نیروهای اسلامی افراطی در انتخابات پارلمانی بهمن ماه ۱۳۸۶ و عملکرد سئوال برانگیز مشرف در نقض پایه ای ترین موازین دموکراتیک، شرایطی را به وجود آورد که باقی ماندن او در مقام ریاست جمهوری غیر ممکن و حتی از نظر ایالات متحده نیز غیر قابل حمایت بود. در انتخابات پارلمانی ائتلاف حزب مردم، "لیگ اسلامی پاکستان" و "حزب عوامی ملی" به پیروزی قاطعی رسیدند. با کناره گیری ژنرال پرویز مشرف از ریاست جمهوری، و انتخاب آصف علی زرداری، رهبر جدید حزب "مردم" پاکستان به ریاست جمهوری در شهریور ماه، دوره جدیدی در حیات سیاسی این کشور آغاز شده است که از مشخصه های ویژه آن بی ثباتی سیاسی، نقش پررنگ نیروهای مذهبی تندرو، و عملکرد غیر مسئولانه مقامات آمریکائی در قبال این کشور است. حملات مکرر هواپیما ها و هلیکوپترهای نظامی آمریکا به واحد های مسلح طالبان و افراطیون اسلامی که در ایالات شمالی پاکستان مستقر هستند، جو متنشنجی را به وجود آورده است. دولت پاکستان که شدیداً از سوی افکار عمومی جریحه دار شده تحت فشار است، تهدید کرده که این تجاوزات را نمی پذیرد و با آن برخورد قاطع و حتی نظامی خواهد کرد. شرایط کنونی در پاکستان که صاحب بمب اتمی و ارتشی قدرتمند و مجهز به تسلیحات مدرن است، به دلیل پی آمدهای خطرناک آن برای صلح در منطقه مطمئناً نمی تواند باعث نگرانی نیرو های مترقی ایران نباشد.

۶. مبارزه برای جهان بهتر!

به موازات گسترش چنگ اندازی امپریالیسم، و ادامه دخالت کشورهای امپریالیستی در امور سیاسی و اقتصادی کشورها، به ویژه تحمیل جنگ و سیاست های اقتصادی، جنبش های سیاسی و اجتماعی وسیعی در سراسر جهان بر ضد سیاست های نولیبرالی و علیه جنگ ، سازماندهی شده است. این جنبش ها، که همه روزه نیز بر وسعت آنها افزوده می شود، در عرصه های مختلف اما مرتبط به هم عمل می کنند. از جمله این جنبش ها می توان به نمونه های برجسته زیر اشاره کرد:

- جنبش ضد جنگ و جهانی شدن، که در بر دارنده مبارزات مردم و زحمتکشان کشورهای در حال توسعه با امپریالیسم و جهانی سازی است؛
- افزایش مبارزات کارگران کشورهای سرمایه داری با خصوصی سازی به ویژه در مورد منابع اولیه، ارتباطات جمعی، سیستم حمل و نقل، آموزش، بهداشت و درمان؛
- افزایش هم آهنگی و همکاری بین سازمان های صنفی- سندیکائی کارگران کشورهای گوناگون، و اتخاذ مواضع سیاسی مشخص در رابطه با جنگ و جهانی سازی؛
- افزایش مبارزات اجتماعی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و رو به رشد بر ضد جهانی سازی و سیاست های امپریالیسم؛
- مبارزه موفق احزاب کمونیست و نیروهای مترقی در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیسم؛
- مبارزات سخت و دشوار کارگران در سراسر جهان در مخالفت با فشارهای تحمیل شده از سوی دولت های سرمایه داری؛

از نمونه های موفق این مبارزات اعتصاب های وسیع کارگری در فرانسه ، انگلستان ، آمریکا، یونان ، کره جنوبی ، فیلیپین، استرالیا، عراق و ...، موضع گیری روشن و مشخص سندیکای کارگری AFL-CIO در آمریکا بر ضد سیاست های ضد کارگری و جنگ طلبانه بوش و پشتیبانی روشن و مشخص آن از باراک اوباما است. اطلاعیه کنفدراسیون بین المللی سندیکا های کارگری در رابطه با فراخوان اعتراض مشترک کارگران بیش از ۱۱۵ کشور جهان ، در روز ۷ اکتبر ۲۰۰۸، بر ضد سیاست های اقتصادی حاکم بر جهان و علیه جهانی شدن و نولیبرالیسم، نیز نمونه ای دیگر از مبارزات سیاسی کارگری با امپریالیسم است.

این مبارزات خلق ها، در سال گذشته، شاهد پیروزی های درخشانی بوده است. پیروزی درخشان و تاریخی کمونیست های قبرس در انتخابات ریاست جمهوری این کشور در بهمن ماه گذشته، و یا پیروزی مردم نپال بر بازمانده های سیستم فئودالی و سلطنتی، و اعلام جمهوری پارلمانی در این کشور را باید از زمره برجسته ترین این پیروزی ها قلمداد کرد.

گزارش تحولات جهان را نمی توان بدون اشاره به پیروزی های بزرگ حزب کمونیست چین در پیشبرد ساختمان جامعه ای بهتر و مرفه تر، اقتصادی قدرتمند و تدارک شرایط گذار به سوسیالیسم در شرایط جامعه بغرنج و گسترده چین به پایان برد. تدارک و برگزاری موفق المپیک پکن در شرایطی که موج قدرتمند و ماشین تبلیغات هدفمند سرمایه داری جهانی، تحریم المپیک را سازمان داده بود، نمایشی اعجاز برانگیز از برتری ها و توانایی های سازماندهی سوسیالیستی است. رهبران چین اعلام کردند که در پس این تهاجم ایدئولوژیک ارتجاعی وحشت کشورهای سرمایه داری غرب از نمایش بی سانسور و مستقیم حقیقت زندگی و پیشرفت در چین در کشور های غربی قرار دارد. و این حقیقتی بود که فقط با شروع و انجام المپیاد پکن مشخص شد. "هو جین تائو"، رئیس جمهور چین، در استانه آغاز مراسم افتتاحیه اظهار داشت:"لحظه تاریخی که منتظرش بودیم در حال فرا رسیدن است." به اعتقاد کارشناسان و مفسران امور ورزشی جهان نظم این دوره از بازی های المپیک، شرایط ایده آل فراهم شده در دهکده المپیک، کیفیت سالن ها و تاسیسات ورزشی، برنامه های افتتاحیه و اختتام این دوره المپیک، امکانات برای رسانه های عمومی و مطبوعات بی نظیر، بی نقص و بی سابقه بوده است، و آن را می توان نمادی از توان چین در بسیج و هماهنگ سازی امکانات عظیم انسانی، اداری و تکنولوژیک خود قلمداد کرد. روزنامه "دیلی میل" انگلیس در رابطه با موفقیت چین در سازماندهی المپیاد پکن گفت: " اینکه این دوره بازی های المپیک یک واقعه برجسته در سیاست جهان است، یک ادعای توخالی نیست. مراسم افتتاحیه آنرا اثبات کرد. این مراسم نشان دهنده این بود که چین می تواند با هر کشوری در هر عرصه ای رقابت کند."

در دوره مورد گزارش، هم چنین تغییرات و تحولات دمکراتیک و مترقی

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه گزارس هیئت سیاسی ...

مهم دهه اخیر در برخی از کشورهای جهان، به ویژه در امریکای لاتین، ادامه یافت. کشورهایی که تا چندی پیش پایگاه های استراتژیک اقتصادی و سیاسی آمریکا بودند و به اصطلاح در محدوده حیاط خلوت ایالات متحده قرارداشتند، اکنون در صفوف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی قرار گرفته اند. در کنار مبارزات طولانی و انقلابی کوبا در آمریکای لاتین، با امپریالیسم آمریکا، ونزوئلا نیز در چند سال اخیر به این مبارزه پیوسته و آزادی عمل آمریکا در منطقه را محدود کرده است. در چند سال گذشته کشورهای بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه، با اتخاذ سیاست های مشخص اقتصادی و اجتماعی ملی و ترقی خواهانه، جهت گیری سوسیالیستی را یگانه راه برون رفت از مشکلات کنونی اعلام کرده اند. کشورهای بولیوی واکوادور به ملی کردن منابع طبیعی خود دست زده اند. در سال جاری با پیروزی انتخاباتی فرناندو لوگو، اسقف پیشین، در پاراگوئه، یک دولت دیگر آمریکای جنوبی در جایگاه خدمت به عدالت اجتماعی و استقلال ملی قرار گرفت.

افزون بر این، بسیاری از کشورهای دیگر نیز که خواهان اصلاحات هستند، مانند آرژانتین، برزیل و شیلی اعلام کرد اند که حاضر به تسلیم در برابر سیاست های تحمیل شده از سوی امپریالیسم و اهرم های فشار آن ، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، نیستند. این کشور ها برنامه های مردمی و ترقی خواهانه ای را به سود زحمتکشان و تهی دستان تدارک دیده اند. به طور مثال، برزیل و آرژانتین بخش بزرگی از بدهی های خود را به صندوق بین المللی پول باز پرداخت کرده اند(کشورهایی که در زمره بدهکارترین کشورها به صندوق بین المللی پول بودند) تا بدین طریق بتوانند از وابستگی خود به این سازمان خلاصی یابند. بولیوی نیز در سال ۲۰۰۶ به رابطه خود با این صندوق پایان داد.

بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، هم زمان با کاهش یا قطع رابطه اقتصادی با آمریکا و اروپا، روابط اقتصادی خود با چین و مهم تر از آن، با یک دیگر را افزایش داده اند. نتیجه این افزایش همکاری، به وجود آمدن سازمان های همکاری های اقتصادی منطقه ای بوده است. نمونه این همکاری ها، تشکیل سازمان "آلبا" (آلترناتیو بولیواری آمریکای لاتین) است، که در آن کوبا، ونزوئلا، بولیوی ، نیکاراگوئه و جمهوری دومینیکن شرکت دارند. این سازمان علاوه برهمکاری های اقتصادی ، همکاری های فرهنگی، آموزشی، ورزشی، بهداشتی، انرژی و غیره، را نیز سازمان می دهد. در کنار "آلبا" ، سازمان های دیگری نیز در حال شکل گیری هستند که آخرین آنها "سازمان همکاری های اقتصادی ، سیاسی واجتماعی" به نام "اوناسور" (UNASUR) است، که سران ۱۲ کشور آمریکای لاتین در روز ۲۳ ماه مه در برازیلیا، پایتخت برزیل، موافقتنامه پایه گذاری آن را به امضا رساندند. کشور های تشکیل دهنده متفقاً در قطعنامه پایانی این اجلاس ، ریشه کنی فقر ،همکاری های اقتصادی ، تجاری ، فرهنگی و اجتماعی را اهداف اصلی خود اعلام کردند.

این گونه اجلاس ها و گردهم آیی ها با اهداف آمریکا برای تحت کنترل در آوردن منطقه در تقابل است. و این آن امری است که سبب افزایش دخالت ها و تهدید های ایالات متحده بر ضد کشورهای منطقه شده است.

۷. مبارزه برای صلح جهانی

بر پایه جمع بندی تحولات مورد اشاره در گزارش، حزب توده ایران بر این باور است که جهان از مرحله حساس و بغرنجی می گذرد که مشخصه های اصلی آن ادامه بحران سرمایه داری، نظامیگری و سبعیت امپریالیسم، ادامه و اوج گیری مبارزه خلق ها، و دورنمای پیروزی ترقی خواهی و سوسیالیسم در جهان است. اگر تا چندی پیش ابر های تیره برخاسته از سقوط سوسیالیسم در اروپای شرقی افق مبارزاتی خلق ها را در محاق قرار داده بود، اکنون با فاش شدن ماهیت تجاوزکارانه، استثمار گرانه و ضد مردمی سرمایه داری، مبارزه برای تغییر و رشد و ترقی بیش از پیش در دستور کار خلق ها حتی در گوشه های دور جهان قرار گرفته است.

با توجه به چنین ارزیابی ای از موازنه نیروها در سطح جهان و تحولات بین المللی است که حزب توده ایران مبارزه برای صلح را یکی از محورهای اصلی مبارزاتی زحمتکشان در ایران، منطقه و جهان قلمداد می کند. این امر به ویژه در شرایط کنونی جهان، که خطر گسترش بحران مالی و رکود اقتصادی همه جانبه بسیار جدی است، موضوعیت می یابد. تجربه به کرات نشان داده است که درهر برهه زمانی که بحران سرمایه داری جدی شده است، جنگ و نظامی گری به مثابه یکی از راه های اصلی برون رفت از بحران مطرح شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

در مبارزه برای صلح جهانی هم چنین می بایست که از تقویت و دموکراتیزه کردن سازمان ملل دفاع کرد. نیروهای ترقی خواه جهان نمی بایست این عرصه با اهمیت مبارزه برای صلح و نیز تهدیداتی را که از جانب جناح های قدرتمندی از دولت آمریکا برای مدت ها متوجه آن بوده است، ازنظر دور دارند.

جان مک کین، نامزد نیروهای ماورای راست آمریکا در کارزار انتخاباتی خود با صراحت تمام اظهار داشت که ما به شورای امنیتی که در آن چین و روسیه دارای حق وتو هستند نیازی نداریم! اما به جنگ افروزان جهان باید خاطر نشان کرد که سازمان ملل و منشور آن فقط کلماتی روی کاغذ یا مجموعه ای مقررات و مصوبه های بی محتوی نیست بلکه چکیده آرمان ها وآرزوهای میلیارد ها انسانی است که به هیچ روی خواهان تکرار مصائب و موج آتش وخون دو جنگ جهانی گذشته، که سرمایه د اری برای منافع آزمندانه خویش برافروخت، نیستند. بشریت می خواهد که سازمان ملل وسیله ای باشد برای صلح ، برای مبارزه با فقر وگرسنگی، با بیماری و بی عدالتی و برای ساختن جهانی که در آن یک زندگی شرافتمند برای همگان ممکن باشد. عملی شدن این هدف ، جز با مشارکت وسیع تودها امکان پذ یر نیست و کشاندن توده ها در سراسرجهان به صحنه چنین مبارزه ای به یک کارزار توضیحی وسیع و افشاگرانه نیازمند است، که حول خواسته های زیر می تواند سازمان دهی شود:

۱. تحریم و نابودی انواع سلاح های هسته ای و سایر سلاح های کشتار جمعی، و در گام نخست، اعلام صریح کلیه صاحبان چنین سلاح هائی مبنی بر این که هیچ یک از انان در به کار بردن سلاح هسته ای پیش قدم نخواهد شد؛
۲. کاستن مؤثراز بودجه های نظامی و اختصاص صرفه جوئی های حاصل از آن جهت مبارزه با فقر و گرسنگی؛
۳. برچیدن کلیه پایگاه های نظامی در خارج از مرزهای ملی و خروج تجهیزات نظامی از آب های بین المللی؛
۴. اعاده و ارتقا اعتبار سازمان ملل با هدف آن که در اجرای وظا ئف خویش توانائی لازم را داشته باشد؛
۵. تحریم و تقبیح همه جانبه کشور هائی که با این خواسته های همگانی وانسانی مخالفت می کنند.

ادامه به سوی سوسیالیسم ...

دموکراسی بغلتد.

در بخش‌های پایانی گزارش آمده است: «ما زمانی بر این باور بودیم که می‌توانیم با شرکت در انتخابات در سطوح مختلف قدرت را به دست بگیریم. اما امروز، با توجه به تقلب‌ها و تخلف‌های گسترده انتخاباتی و فشار شدید مقام‌های حکومتی بر جامعه، این سناریو را نامحتمل می‌بینیم. اما این هم بدان معنا نیست که ما دیگر در انتخابات شرکت نکنیم. ما باید حتی از همین فرصت‌های محدود سیاسی که در نظام کنونی هنوز وجود دارد، استفاده مؤثری بکنیم... ساده لوحی است اگر انتظار داشته باشیم که قدرت را دو دستی به ما تقدیم کنند. ما باید از هر امکانی – شیوه‌ها و شکل‌های پارلمانی و غیر پارلمانی مبارزه – برای تضعیف گروه حاکم و افشای ماهیت آن استفاده کنیم... ما باید حزب کمونیست فدراسیون روسیه را به عنوان یک حزب مردمی واقعی، که در اتحاد با دیگر نیروهای میهن‌دوست قادر به پذیرفتن مسئولیت اداره کشور و نجات آن از بحران است، تحکیم و تقویت کنیم.» زیوگانف در گزارش به صراحت اعلام می‌کند که «رفقا، حزب ما مخالف سرسخت دولت کنونی است. این یک تاکتیک نیست. این موضع آگاهانه و اصولی ماست... مثل هر حزب جدی دیگری، وجود حزب ما نیز برای کسب قدرت است. این حق ما و وظیفه ما در برابر مردم است... ما اطمینان داریم آرمانی که ما در راه آن می‌رزمیم، بی‌تردید پیروز خواهد شد. اما راه رسیدن به موفقیت نه کوتاه است و نه آسان.»

ادامه به سوی سوسیالیسم ...

فاشیست‌ها یک سوم از پیشرفته‌ترین بخش اروپا را تسخیر کرده بودند. از سال ۱۹۹۱ به این سو، هیچ بنگاه مدرن تازه‌ای ساخته نشده است...روسیه اینک قادر به تولید فقط نیمی از قطعات مورد نیاز در صنایع دفاعی اش است. از صنعت فضانوردی، که زمانی جزو افتخارات ما بود، چیزی باقی نمانده است... سن بیشتر کارگران بالاتر از ۵۰ سال است. جوانان تمایلی به کار در کارخانه‌ها ندارند چرا که دستمزدها پایین است. نظام آموزش حرفه‌ای ما که زمانی بهترین در دنیا بود، کاملاً نابود شده است... وضع در روستاها از این هم فجیع‌تر است. دام‌ها و زمین‌های قابل کشت نابود شده است و بیکاری، فقر، مصرف الکل، و مرگ و میر غوغا می‌کند... بنزین در روسیه‌ای که خود صادر کننده نفت است، گران‌تر از آمریکاست... فساد تمام گوشه و کنار دولت را در بر گرفته است... ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند و تهی‌دستان تهی‌دست‌تر... و این در حالی است که در دوران هشت سال حکومت پوتین، سودهای سرشاری ناشی از قیمت بالای نفت نصیب روسیه شد... مجموع ثروت صد تن از ثروتمندترین اشخاص روسیه، ۵۲۰ میلیارد دلار، یعنی برابر با ذخایر ارزی و طلای کشور است، و نسبت درآمد بین بالاترین ۱۰ درصد ثروتمندان و پایین ترین ۱۰ درصد تهی‌دستان از ۱:۱۵ تا ۱:۴۲ گزارش شده است." گزارش سپس به وضعیت اجتماعی مردم کشور، و از جمله بهداشت و درمان و فرهنگ و آموزش می‌پردازد: "در ۸ سال گذشته بیشتر از ۳۰۰۰ بیمارستان و ۲۵۰۰ درمانگاه تعطیل شده است. قیمت دارو سرسام آور است... فشارهای روحی، بیماری، و مصرف الکل از دیگر پیامدهای بی‌اطمینانی مردم به آینده است... آموزش عالی رایگان در عمل فقط چیزی است مربوط به گذشته... مؤسسات تحقیقاتی به حراج گذاشته شده‌اند. تا کنون ۱۰۰ هزار دانشمند و ۸۰۰ هزار کارشناس عالی‌رتبه کشور را ترک کرده‌اند...» در زمینه فرهنگ عام جامعه، گزارش به تنزل فرهنگی و تأثیر شدید فرهنگ آمریکایی و لمپنیسم بر جامعه اشاره می‌کند. در ادامه آمده است مسکن که در زمان شوروی مسئله‌ای حل شده بود، اینک بر اثر بی‌توجهی دولت به معضلی برای مردم بدل شده است. کاهش شدید جمعیت در مقیاس ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر در سال، و کاهش طول عمر متوسط مردم، که روسیه را در رده صد و پنجاه و هفتم در دنیا قرار می‌دهد، از دیگر مسائل اجتماعی است که گزارش به آن اشاره می‌کند.

گزارش سیاسی کمیته مرکزی سپس به مبارزه سیاسی جاری در کشور می‌پردازد و تضاد عمده در این مبارزه را در مرحله کنونی تضاد میان سرمایه اولیگارشی و کار خلق‌های روسیه ارزیابی می‌کند که فاقد قدرت سیاسی و اقتصادی‌اند، و به سبب وجود شکاف میان کار و سرمایه از یک طرف و منافع «نخبگان» غرب‌زده و منافع ملی کشور از طرف دیگر، این مبارزه را دارای خصلت دوگانه طبقاتی و ملی می‌داند. حزب کمونیست فدراسیون روسیه وظیفه اصلی خود را ادغام مبارزه طبقاتی اجتماعی با مبارزه برای آزادی ملی می‌داند و آن را شرط اصلی گذار روسیه «به سوی سوسیالیسم قرن بیست و یکم» می‌شمارد که هم از دستاوردهای شکوهمند اتحاد شوروی بهره می‌گیرد و هم از درس‌ها و تجربه‌های منفی آن. حزب در صدد بازگرداندن ثروت عمومی ربوده شده و قدرت سیاسی و اقتصادی به زحمتکشان ملیت‌های ساکن روسیه است. حزب با شوونیسم مقابله می‌کند که بورژوازی از آن برای تفرقه‌اندازی و ادامه حکومت خود استفاده می‌کند، و در پی ایجاد اتحاد و وفاق بین خلق‌های ساکن روسیه از جمله از طریق تأمین نیازهای فرهنگی و زبانی خلق‌ها و شرکت دادن آنها در نهادهای دولتی است. گزارش گوشه‌هایی از تاریخ سوسیالیستی شوروی را چنین فهرست می‌کند: «حزب ما سوء استفاده از قدرت در دوران مبارزات سیاسی سال‌های دهه ۱۹۳۰ و اشتباه‌های صورت گرفته در آن زمان را محکوم کرده است... تاریخ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تاریخ قهرمانی‌های توده‌ای است و خدمت به مام وطن... از میان بردن بیسوادی و بیکاری، اجرای برنامه‌های هسته ای و فضایی، وجود نویسندگان، شاعران، هنرمندان، اندیشمندان، و دانشمندان بزرگ، برندگان جایزه لنین و نوبل... ما به درستی به میهن، به وطن سوسیالیستی مان افتخار می‌کردیم... تاریخ دوباره مردم کشور ما را در برابر انتخابی مشابه آنچه در سال‌های ۱۹۱۷ و ۱۹۴۱ با آن رو در رو بودند قرار داده است: یک قدرت بزرگ و سوسیالیسم یا نابودی بیشتر کشور و تنزل آن به منبع تأمین مواد خام. ما باز هم می‌گوییم: مسئله طبقاتی و ملی فقط در مسیر سوسیالیسم قابل حل است.» گزارش سیاسی سپس به برنامه حزب برای آینده روسیه‌ای نیرومند و سربلند در زمینه‌های گوناگون اشاره می‌کند و اضافه می‌کند که برای اجرای این برنامه، تغییر در قدرت ضروری است، چرا که گروه حاکم کنونی خواست و تمایل سیاسی برای اعتلای کشور و مردم را نمی‌تواند داشته باشد و ندارد و اهداف آن برضد منافع اکثریت وسیع مردم کشور است.

به بیان گزارش، سیاست خارجی حزب ناتو را خطر اصلی برای منافع روسیه می‌داند و در مورد مقاصد خصمانه غرب نسب روسیه هشدار داده است، و به همین سبب از سوی حاکمان فعلی برچسب شوونیسم به آن زده شده است. «فراموش نکنیم که نخبگان کنونی روسیه هنوز در پی آنند که جزو دنیای امپریالیستی باشند... و هنوز در رویای پذیرفته شدن در باشگاه «میلیارد طلایی» ["غرب"] هستند، منتهی به عنوان یک عضو برابر... غرب هم سعی دارد شروط خود را تحمیل کند و از هیچ فرصتی برای استفاده از ضعف روسیه فروگذار نمی‌کند... مناقشه اوستیای جنوبی گوشه‌ای از این وضع و آزمونی بود برای رهبری روسیه، که زیر فشار نیروهای میهن‌دوست و حمایت وسیع مردمی مجبور به مقابله شد...» در ادامه گزارش آمده است: «ما لازم نداریم که در "پاسداری از صلح"تجاوزکارانه به رهبری آمریکا و ناتو در نقاط مختلف دنیا شرکت کنیم... متحدان طبیعی ما ملت‌های اتحاد شوروی سابق‌اند... کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقایی هستند که با مسائل مشابهی در روابط خود با مدافعان "جهانی‌سازی" روبرو هستند...»

در ارتباط با فعالیت‌های بین‌المللی حزب و مقابله با حملات ضد کمونیستی، گزارش به تبلیغات و کارزاری اشاره می کند که ضد کمونیست‌ها در سراسر جهان، با حمایت مالی و تبلیغاتی آمریکا و ناتو و مراکز اروپایی، به مناسبت هفتادمین سالگرد قرارداد عدم تجاوز بین شوروی و آلمان در سال ۱۹۳۹ تدارک می‌بینند و حزب کمونیست فدراسیون روسیه برای مقابله قاطع با این کارزار جویای همبستگی و حمایت گسترده احزاب کمونیستی و چپ در سراسر دنیاست. در همین زمینه، گزارش به تضییقات و محدودیت‌های ایجاد شده برای نیروهای چپ و کمونیست، و بازداشت و پیگرد کمونیست‌ها در سراسر جهان، به ویژه در پرتو بحران اقتصادی کنونی نظام سرمایه‌داری اشاره می‌کند و با ذکر نمونه‌هایی از جمهوری چک، لهستان و مجارستان، به تلاش هایی اشاره می‌کند که در برخی از کشورهای سوسیالیستی سابق برای تصویب قانون "یکسان دانستن کمونیسم با فاشیسم" صورت می گیرد. اما در مقابل، به قدرت گرفتن فزاینده نیروهای چپ و کمونیست نیز توجه شده است، از جمله پیروزی‌های انتخاباتی در برزیل، و نزوئلا، یونان، هندوستان... و اخیراً انتخاب رفیق کریستوفیاس به ریاست جمهوری قبرس. ضمن ذکر نقش پراهمیت نیروهای کمونیست در خاورمیانه در مخالفت با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل و همبستگی با مردم فلسطین، در گزارش آمده است که «جنبش ما باید از مرحله دفاعی بگذرد و موضع قاطع تهاجمی علیه دشمن بگیرد.»

گزارش در ادامه تحلیلی از ساختار پویای طبقاتی جامعه روسیه ارائه می‌دهد. «پس از کودتاهای سال ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳... برای نخستین بار پس از ۱۹۱۷، طبقه جدیدی از استثمارگران، متشکل از اتحادی از اولیگارشی، بورژوازی و بوروکرات‌ها در کشور پدید آمد که بخش عمده‌ای از تولید و قدرت را در دست دارد... بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را مزدبگیران و صاحبان کسب و کار کوچک تشکیل می‌دهند... طبقات اجتماعی محروم و سرکوب شده را در حالت بی‌تفاوتی و ترس از آینده نگاه داشته‌اند... بخش بزرگی از روشنفکرانی که در سال‌های آخر دهه ۱۹۸۰ برای آزادی بیشتر فریاد می‌زدند، اینک خود را در خدمت گروه حاکم قرار داده‌اند...از سوی دیگر، نارضایتی در حال افزایش است... و استثمار شدید و نابرابری های اجتماعی بیش از حد منجر به آگاهی طبقاتی تازه‌ای در میان زحمتکشان می‌شود... وظیفه ماست که وضعیت هر گروه اجتماعی را مطالعه کنیم و برای جذب آنها بکوشیم...»

گزارش سپس به امر تشکیلات حزب، به عنوان یک حزب مخالف و نه حزب حاکم، می‌پردازد که در حدود ۱۶۰ هزار عضو و بیشتر از ۴ میلیون هوادار فعال دارد و مهم‌ترین وظیفه تشکیلاتی حزب را تقویت سازمانی و نظری آن می‌داند. جذب جوانان به حزب و یافتن زبان مناسب برای ارتباط با جوانان امروز، که اینک فقط حدود ۵ تا ۷ درصد اعضا را تشکیل می‌دهند از وظایف مهم حزب برشمرده شده است. دیگر موارد مورد توجه گزارش عبارتند از آزادی انتقاد و بیان آزادانه نظریات و آراء، جذب زنان و سپردن مسئولیت‌های سازمانی به آنها، مسائل امنیتی در درون حزب، تربیت کادر، پرهیز از روش‌های بوروکراتیک، انظباط حزبی و دموکراسی درون حزبی، جمع‌آوری کمک‌های مالی، فعالیت‌های تبلیغاتی (نشریات، تارنگارها، رادیو و تلویزیون و غیره)، فعالیت در پارلمان، در اتحادیه‌ها، در سازمان‌های غیر دولتی (NGO) و در جنبش‌های اعتراضی مردمی، و نیز فعالیت در زمینه حقوق بشر به عنوان بخش‌هایی از مبارزه سیاسی حزب. در زمینه فعالیت‌های نظری، گزارش کمیته سیاسی خواستار آن است که حزب در کاربرد اصول مارکسیسم – لنینیسم در برخورد با نظام سرمایه‌داری امروزی از رویکردهای مکانیکی پرهیز کند و برخوردی خلاق در تحلیل مسائل نوین امروزی داشته باشد، بدون آن که به سوسیال

ادامه در صفحه ۱۴

کنگره ۱۳ حزب کمونیست فدراسیون روسیه:

«به سوی سوسیالیسم قرن بیست و یکم»

حزب کمونیست فدراسیون روسیه ۱۳مین کنگره خود را در روزهای ۹ و ۱۰ آذرماه و با حضور نمایندگانی از بیش از ۸۰ کشور با موفقیت کامل برگزار کرد. از سوی رهبری حزب برادر، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران برای حضور در کنگره دعوت شده بود. در جریان کنگره هیئت های نمایندگی عالی رتبه احزاب کمونیست چین، ویتنام و اوکرائین پیام های رفیقانه خود را به نمایندگان کنگره تقدیم داشتند. در روز ۱۱ آذرماه رهبری منتخب کنگره در جلسه ای با حضور نمایندگان احزاب برادر، نقطه نظرها و تحلیل مشخص خود را از شرایط کشور و مبارزه کمونیست های روسیه برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی ارائه داد. در جریان کنگره برنامه جدید حزب کمونیست فدراسیون روسیه و همچنین قطعنامه با اهمیتی درباره بحران اقتصادی جهان مورد تصویب قرار گرفت.

در جریان برگزاری کنگره، گنادی زیوگانف، رهبر حزب، گزارش سیاسی همه جانبه کمیته مرکزی را به کنگره ارائه داد. در این گزارش ضمن توجه به اهمیت کار کنگره‌های حزب در بررسی نتیجه کار حزب و تعیین خط مشی آینده آن، به بحران موجود در نظام سرمایه‌داری و امپریالیسم، و به جهانی‌سازی سرمایه داری اشاره می‌شود. در گزارش آمده است که امروز سران انحصارها تلاش دارند در زیر شعار "اولیگارش‌ها و استثمارگران جهان برای نجات سرمایه‌داری متحد شوید" نیروهای‌شان را دوباره گرد آورند، ولی به باور کمونیست های روسیه "امروز نسیم تاریخ دوباره در جهت موافق بادبان‌های ما می‌وزد... ۲۰ سال پیش وقتی که در نتیجه سیاست خائنانه گورباچف و دسیسه‌چینی‌های همدستان آمریکایی آنها اتحاد شوروی از هم پاشید، به دنیا اعلام کردند که دوران هر شکلی از عدالت اجتماعی سر رسیده است و همه چیز مطابق الگوی بازار آزاد ...به پیش خواهد رفت."

گزارش ادامه می‌دهد که "پس از گرایش به راست در اوایل دهه ۹۰، اینک آونگ تاریخ به سرعتی فزاینده به سوی چپ حرکت می‌کند "فروپاشی بازار مالی" نقطه عطفی محسوب می‌شود. بازگشتی به گذشته در کار نیست. الگوی اجتماعی که به زور بر تمام دنیا تحمیل شده بود، اینک در امواج بحران غرق می‌شود." زیوگانف در این گزارش با یادآوری دوران قدرت‌گیری فاشیسم و دو جنگ جهانی در پی بحران‌های نظام سرمایه‌داری در قرن گذشته، توجه جامعه جهانی را به افزایش خطر جنگ افروزی ناشی از این چنین بحران‌هایی جلب می‌کند.

گزارش در ادامه به سیاست‌های دولت روسیه در برخورد با بحران کنونی می‌پردازد که "به عوض سرمایه‌گذاری در توسعه واقعی اقتصاد، نجات کشاورزی و تأمین خودکفایی غذایی اهالی کشور"، تریلیون ها روبل به جیب بازار می‌ریزد. "دنیا به انتظار آن است که روسیه به عنوان یک عضو برابر حقوق خانواده ملت‌ها، به عنوان یک مدافع صلح و عدالت و ترقی، به عنوان حامی تهی‌دستان و محرومان، سر پای خودش بایستد. وظیفه ماست که برای تسریع پیش‌روی جنبش به آن سو، دست در دست همه نیروهای مترقی دنیا، با تمام توان بکوشیم."

رفیق زیوگانف در ادامه گزارش سیاسی کمیته مرکزی به وضعیت حزب در آستانه کنگره دهم در تابستان ۲۰۰۴ اشاره می‌کند که شماری از "اپورتونیست های خرده بورژوازی"، از میان اعضای کمیته مرکزی و کادرهای حزبی، در صدد ایجاد تفرقه در حزب برآمدند ولی با مقاومت بدنه حزب روبرو شدند، و اینک رهبری بسیاری از سازمان های حزب در دست افراد رزم‌دیده، وفادار و اغلب جوان قرار دارد. "این نشان می‌دهد که پایگاه اصلی حزب همانا "حوزه های حزبی" و کمونیست های بدنه حزب هستند...اینک حزب کمونیست فدراسیون روسیه عمده‌ترین حزب میهنی فعال چپ در کشور است. ما در برابر همه تلاش‌هایی که برای غیرقانونی کردن، ارعاب و نابود کردن ما از درون صورت گرفت، شجاعانه مقاومت کردیم." گزارش سپس به برگزاری کنگره های فوق‌العاده ۱۱ و ۱۲، ۱۵ نشست کمیته مرکزی و دیگر نشست‌های رهبری حزب، و فعالیت‌های مداوم ستادهای انتخاباتی حزب در چهار سال گذشته اشاره می‌کند. آن طور که در گزارش آمده است، حزب کمونیست روسیه در فاصله بین دو کنگره کار زیادی روی تدقیق برنامه حزب انجام داده است؛ از دیگر فعالیت‌های حزب ، تدارک و راه‌اندازی ستاد مبارزه اعتراضی سراسری روسیه است که کارزارهای گوناگونی را در سراسر کشور سازمان داده است، از جمله کارزار علیه نفوذ ناتو در سرزمین روسیه. فعالیت‌های حقوقی حزب نیز از دیگر جنبه‌های برجسته کار حزبی در دفاع از اعضا و کادرها در دادگاه‌ها، و نیز به چالش کشیدن قوانین ضدمردمی نظام حقوقی کشور است. از فعالیت های نمایندگان کمونیست در دوما نیز به عنوان برگ درخشان دیگری در دفتر فعالیت‌های حزب کمونیست روسیه یاد شده است. طبق گزارش کمیته مرکزی به کنگره ۱۳ در زمینه مطبوعات، "تیراژ شماره های ویژه نشریه های سوویتسکایا روسیا و پراودا به ۱۰ تا ۱۵ میلیون نسخه رسیده است."

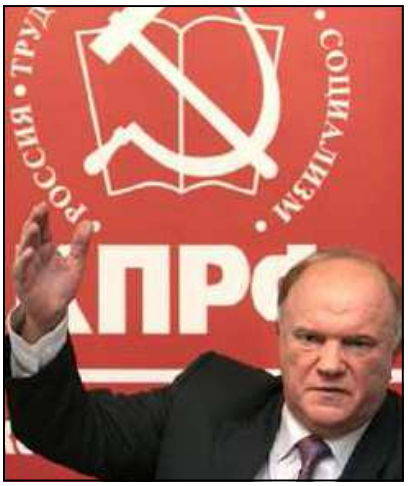

رفیق زیوگانف در ادامه گزارش به وضعیت کنونی کشور می‌پردازد که با سه خطر حیاتی روبروست: "صنعت‌زدایی، کاهش جمعیت، و درماندگی روحی مردم". در حالی که رسانه‌های تحت کنترل دولت و "روسیه متحد" ادعا می‌کنند که رژیم استوار است و آینده‌ای درخشان دارد، مردمی که بهشت سرمایه‌داری به آنها وعده داده شده بود اینک آن را سرابی بیشتر نمی‌بینند و در پرتو بحران‌های مالی و تولیدی عمیقی که کشور در آن غوطه می خورد، گرایشی محسوس و طبیعی به گذشته شوروی و آرمان‌های عدالت اجتماعی نشان می‌دهند. دولت کنونی، تحت فشار مردم، به ناچار هر چه بیشتر از مضامین میهنی چپگرایانه بهره می‌گیرد. به بیان گزارش، "همه اینها ما را به یک نتیجه می‌رساند: ما در آستانه چرخش سیاسی – اجتماعی عمده ای در جهان و در کشور خودمان قرار داریم...راه برون رفت از بحران عمیقی که روسیه در آن فرو رفته است، در برنامه جدید حزب بیان شده است."

گزارش سپس به بررسی وضعیت اقتصادی روسیه می‌پردازد و از جمله این آمارها را ارائه می‌دهد: "تولید ماشین ابزار ۱۱ مرتبه (۱۱۰۰ درصد)، تولید تراکتور ۱۴ مرتبه (۱۴۰۰ درصد)، و تولید کامپیوتر ۱۵ مرتبه (۱۵۰۰ درصد)، کمتر از میزان مشابه در سال ۱۹۹۱ است. بهره‌وری صنعتی فقط ۴۵ درصد میزان مشابه در سال ۱۹۹۱ است که فقط قابل مقایسه با زمانی است که

ادامه در صفحه ۱۵

Saturday 20th December 2008

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای–میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 806
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰۴۹۳۰ ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام IRANe.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse